

کیمهان ۴۰۰

KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح زاده
جمعه ۲۸ بهمن تا ۴ اسفندماه ۱۴۰۱ خورشیدی
سال سی و نهم - شماره ۱۸۶۶



چشم انداز جمهوری اسلامی



بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباح زاده

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

@KayhanLife

@kayhanlife

@KayhanLife

<https://kayhanlife.com/newsletters-subscription>

کیهان شما ، کیهان لندن

@KayhanLondon

@kayhanlondon

@kayhanlondon

https://t.me/kayhan_london

P.O. Box 435, Old Brompton Road 2, London, SW7 3DQ

Tel: +(44)-(0)20 3633 3684

Fax: +(44)-(0)20 3633 3685

e-mail: ads@kayhan.london

www.kayhan.london

سال سی و نهم

کیهان شماره ۱۸۶۶ (۴۰۰)

جمعه ۲۸ بهمن تا ۴ اسفندماه ۱۴۰۱

۱۷ تا ۲۳ فوریه ۲۰۲۳



مژده به هم میهنائی که خواستار کتاب **سقوط بهشت** بودند می توانند چاپ دوم این کتاب را از کیهان خریداری نمایند

نسخه دیجیتال کتاب نیز به زودی در دسترس خواهد بود

سقوط بهشت

خاندان پهلوی و روزهای پایانی ایران پادشاهی

اندر و اسکات کوپر ترجمه رضا تقی زاده



آگهی در کیهان آگاهی می آورد

نشانی سایت:

www.kayhan.london

روابط عمومی:

info@kayhan.london

آگهی و تبلیغات:

ads@kayhan.london

سردبیری:

editorial@kayhan.london

دارالترجمه بین المللی فریس

زیر نظر و بامسئولیت دکتر ناصر رحیمی (استاد دانشگاه)

ترجمه رسمی شناسنامه، قبالة ازدواج و طلاق، مدارک حقوقی، تجاری، طبی، تحصیلی و مدارک مربوط به تقاضای پناهندگی
تلفن: 8831020-8222/8884020-8222/6500020-8735

فکس: 020-7760 7160

www.assot.co.uk / Email: assot@aol.com

Suite 611 , Britannia House , 11 Glenthorne Road Hammersmith , London W6 0LH

دوشنبه تا جمعه ۱۰ صبح تا ۵ بعداز ظهر

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: چاله عنکبوت» به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)

برای نخستین بار ابعاد گسترده حضور نظامی و ناگفته های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می کشد. علاقمندان می توانند این کتاب را مستقیماً از طریق تماس با کیهان لندن ads@kayhan.london و یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشیهای معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: satrap@btconnect.com www.satrap.co.uk

Super Hornumz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD

Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA

Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN

UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris , FRANCE

Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

کیمهان

* فهرست مطالب *

۴ مقاله - همگرایی برای دموکراسی در ایران متحد / الاهی بقراط

۴-۵ چشم انداز جمهوری اسلامی ... / روشنگر آسترکی

۶ گزارش ویژه: «هشدار» ارتش جمهوری اسلامی نسبت به همکاری ایرانیان یهودی ... /

۷ ننگ بر فتنه ۵۷؛ تظاهرات سراسری ایرانیان در ده‌ها شهر جهان ... /

۸-۹ نشست «آینده جنبش دموکراسی ایران»: امروز فقط اتحاد! ... /

۱۰ علی خامنه‌ای و میر حسین موسوی و هراس از ... / مصطفی فحص (شرق الاوسط)

۱۱ دست دادن یا ندادن، مسأله این است! ... (۳) ... / احمد احرار

۱۲-۱۳ آخرین روزها، پایان سلطنت و درگذشت شاه (۱) ... / دکتر هوشنگ نهاوندی

۱۴-۱۵ حمایت گسترده جامعه هنری ایتالیا از انقلاب «زن، زندگی، آزادی» ... / احمد رأف

۱۵ جنایت جنگی یا جنایت علیه بشریت؛ تعدادی از خانواده‌های کشته‌شدگان ... /

۱۶-۱۷ سیاست تکراری «بازگشت» ایرانیان خارج کشور؛ عفو عمومی؟! ... / الاهی بقراط

۱۸ جان باختن ۳ ورزشکار ملی ایران و شماری از بازیکنان سرشناس فوتبال جهان ... /

۱۹ معافیت بسیج از پرداخت قبوض؛ اقتصاد ایران زیر فشار نبود گاز و برق و ... /

۲۰-۲۲ مسئولیت حمایت در حقوق و روابط بین الملل (بخش دو) ... / محمود مسائلی

۲۲-۲۳ ابلاغ عفو دانشجویان و استادان؛ اصلاح چرا جمهوری اسلامی دانشجویان و استادان را ... /

۲۴ یک جامعه‌شناس در ایران: امکان ندارد کشور به قبل از شهریور ۱۴۰۱ باز گردد ... /

۲۵-۲۶ «بسته امتداد و حدت!» ایرانیان خارج کشور به بازی تکراری جمهوری ... /

۲۶-۲۷ راهپیمایی حکومتی «۲۲ بهمن»: شرایط پادگانی، خطاب‌ه خوانی علیه پهلوی‌ها و ... /

۲۸-۲۹ فاینشال تایمز: ترسیم معادلات جدید با کنار گذاشتن رژیم‌های ایران و روسیه ... /

۲۹ ضرورت افزایش تدابیر امنیتی برای حفاظت از مخالفان جمهوری اسلامی در ... /

۳۰ رقم تحقیر آمیز و ناچیز «عیدی» برای بازنشستگان؛ میلیون‌ها خانواده بازنشسته ... /

۳۱ موقعیت بد آیت الله هادر «ساختار جدید» سیاست جهانی ... /

۳۲ بایکوت رژیم ایران از سوی «کنفرانس امنیتی مونیخ» ... /

۳۳ فوربس: رژیم ایران و ترکیه پروژه‌های ساخت کارخانه‌های پهلادی ... /

۳۴-۳۵ آزادی شمار دیگری از زندانیان سیاسی؛ خالد پیرزاده قهرمان بدنسازی را ... /

۳۵ فاطمه سپهری: دیگر تاب تحمل هیچکدامتان را نداریم و تاپس گرفتن ... /

۳۶-۳۸ گزارشی از جلسه انجمن جهانی پاسداشت حقوق بشر در پارلمان انگلستان ... /

۳۸-۳۹ هشدار یک کارشناس درباره فروپاشی اقتصادی؛ فلاکت امروز بر آینه ۴۴ سال ... /

۴۰ پشت جلد - عکس هفته / ماهی مختاری خواهر محمد مختاری از کشته‌شدگان اعتراضات ۸۸ و شاهزاده ...

بازنشر
بازنشر

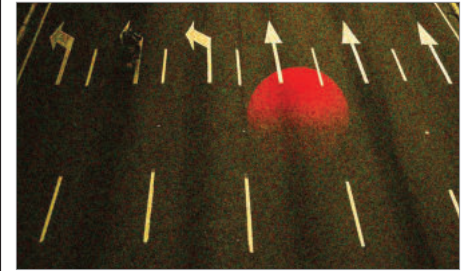
بازنشر



سرمقاله

همگرایی برای دمکراسی در ایران متحد

ایرانیان از جمهوری اسلامی زخم خورده‌اند. زخمی چرکین و عفونی! زخمی که بر همه امعاء و احشاء زندگی نه تنها اجتماعی بلکه فردی تأثیرات مرگبار و متعفن گذاشته اگر که برای نمونه به موضوع حقوق زنان و قوانینی مانند «کودک‌همسری» و «چندهمسری» توجه کنیم.



در این میان مفاهیم و سیاست‌هایی مانند «وحدت کلمه» و «همه با هم» و «انقلاب» به ریسمان سیاه و سپید تبدیل شد تا سبب گریز هر آنکسی شود که از جمهوری اسلامی خشمگین و منزعجست. در عمل، «وحدت کلمه» چیزی جز «بیعت با من» و «همه با هم» چیزی جز «همه با من» نبود تا انقلاب مشروعه و ارتجاعی ملایان و گروه‌های تروریستی را در برابر ساختاری که ایران نوین را بنا کرده بود به پیروزی برساند. حالا که نزدیک به نیم قرن از یک انقلاب مرگبار و زهرآلود و ویرانگر و بدخیم می‌گذرد، حتا فرزندانش نیز چاره‌ای جز این ندارند که نه آنرا بلکه نظامی را که از آن برآمده، به پرسش بکشند. آنچه به این دلیل که جامعه به تلاطم درآمده و این نظام را نمی‌خواهد. وگرنه همچنان از دور با نزدیک بر «سفره انقلاب» شان نشسته بودند. حتا چند ماه تداوم انقلاب ملی نیز آنها را به سخن در نیابرد بلکه تغییر سیاست کشورهای غربی و چه بسا رد و بدل پیام‌ها و رفت و آمدهای پنهان رایج در شرایط انقلابی، زبان آنها را به بهانه «سالگرد انقلاب اسلامی» گشود! در هر حال، هر اندازه افراد و جریان‌ها از نظام کنده و با هر فاصله‌ای به مردم و انقلاب ملی و آزادیخواهی نزدیک شوند، به سود ایران است. از همین رو سرشت این انقلاب با «وحدت کلمه» و «همه با هم» بیگانه است چرا که بر تنوع و گوناگونی «کلمات» و «همگان» آگاه است! همبستگی و همگرایی زمانی «خده» نیست که دانست آن چتر سیاهی که انقلاب اسلامی را به پیروزی رساند، نمی‌تواند ضد آن انقلاب را به پیروزی برساند! سیاست زندگی و سرنوشت رقم می‌زند! تبدیل به جبهه جنگ یا طناب اعدام در زندان و موشک به هواپیمای مسافری در آسمان تهران میشود! سیاست بسیار جدی‌تر از برنامه «خبر» و «شو» و احساسات رقیق و دلسوزی برای مردم است! در سیاست باید سنجیده گفت، سنجیده سکوت کرد، سنجیده با دیگران نشست و برخاست! برای اینهمه می‌بایست مطلع بود و پشتوانه‌ی فکری داشت؛ از جمله دانست که «احزاب قومی» و حکومت‌های فرقه‌ای پاسخگوی نیازهای جوامع قرن ۲۱ نیستند و نه راه حل بلکه علاوه بر ایران، جزو مشکلات خاورمیانه از جمله در عراق و لبنان و افغانستان و همچنین فلسطین‌اند! چنین گروه‌هایی اساساً به دلیل تغییرات جمعیتی و فرهنگی که ناشی از گسترش ارتباطات نیز هست، به گذشته تعلق دارند. باید دانست که میزان مشارکت همه احزاب اعم از سراسری و منطقه‌ای را، انتخابات آزاد و صندوق رأی تعیین می‌کند و نه برعکس! از همین رو رسیدن به دمکراسی و تحقق حقوق بشر در ایران متحد آینده، در هر نظامی که مردم به آن رأی دهند، نمی‌تواند از سیاست‌های امروز و دوران گذار جدا باشد! آینده هم‌اکنون در حال شکل گرفتن است...

تیر هفته

چشم‌انداز جمهوری اسلامی



● رهبر پریشان حال نظام در حالی به هر بهانه‌ای سخنرانی می‌کند که همواره بر سه نکته تأکید دارد: هراس از پهلوی، توطئه دشمنان و توهم دستاوردهای بی‌بدیل انقلاب ۵۷ و نظام مقتدر!

در کنار دمکراسی و سکولاریسم و انتخاب شکل نظام آینده با رأی مردم، برای هرگونه همفکری و همکاری گروه‌ها و شخصیت‌های سیاسی مطرح کرده است.

در این میان نقش برجسته ایرانیان خارج کشور نیز به عنوان مکمل و پشتیبان اعتراضات داخل ایران وارد میدان شده است. ایرانیان خارج کشور طی پنج ماه گذشته نشان داده‌اند که اگر به هر دلیلی ناچار به ترک میهن شده‌اند اما در دفاع از منافع ملی ایران با مردم داخل کشور همراهی کامل دارند و بازتاب صدای حقوق و تمایلات آنها هستند. تا کنون ایرانیان در بیش از ۱۵۰ شهر جهان توانسته‌اند صدها تجمع بزرگ و کوچک در حمایت از انقلاب ملی ایران برگزار کنند و صدای مردم را به گوش جهانیان برسانند. اینهمه سبب شده که دولت‌های دیگر به ویژه کشورهای غربی ناچار جهت اقداماتی برای همراهی با جنبش آزادیخواهی مردم به تکاپو بیفتند. اگر پیش از این گفته می‌شد که شهروندان ایران باید روشن کنند کنار میهن هستند یا جمهوری اسلامی، و تشویق می‌شدند تا در سمت درست تاریخ بایستند، حالا که مسیر انقلاب «زن زندگی آزادی» به مسیر بی‌بازگشت مردم تبدیل شده، این دولت‌های دیگرند که باید بگویند در کدام سمت تاریخ می‌ایستند!

بزرگترین تجمع ایرانیان خارج کشور هفته گذشته در سالگرد پیروزی انقلاب ۵۷، علیه آن انقلاب و نظام برآمده از آن ۷ در شهر لس‌آنجلس با بیش از ۸۰ هزار شهروند و حضور از پیش اعلام‌نشده‌ی شاهزاده رضا پهلوی و چهره‌های سیاسی و هنری و فرهنگی جامعه مهاجران ایرانی برگزار شد. همزمان در ده‌ها شهر دیگر جهان نیز ایرانیان تظاهرات و تجمعات بزرگی علیه انقلاب اسلامی و رژیم برگزار کردند.

آنچه مردم ایران طی ماه‌های گذشته در داخل و خارج به نمایش گذاشتند، نیروهای سیاسی اپوزیسیون را نیز به تلاش و «انتخاب» سمت و سو واداشته است. بسیاری از جریان‌ها قدیمی از جمله بخشی از جبهه ملی و مجاهدین خلق و احزابی چون دموکرات کردستان و فداییان خلق و... که همگی از حامیان انقلاب ۵۷ بوده‌اند حالا با چالش بزرگ نفی یا دفاع از آن قرار دارند چرا که جمهوری اسلامی زاده‌ی آن انقلاب است! با اینهمه اغلب این نیروها همچنان برای نزدیکی

انقلاب ملی ایران در آخرین هفته بهمن ۱۴۰۱ و همزمان با چهل‌مهم‌مهدی کرمی و محمد (کیان) حسینی از جوانان معترض اعدام شده، وارد ششمین ماه شده است. ایرانیان طی ۲۰ هفته گذشته با همبستگی در داخل و خارج کشور توانسته‌اند یک جنبش ملی تاریخساز را رقم بزنند. مردم در برابر یکی از سرکوبگرترین حکومت‌هایی که ایران و جهان به خود دیده، چنان پایداری کرده و از آزادیخواهی عقب‌نشینی نکرده‌اند که بسیاری از دولت‌های جهان ناچار شدند روند مداخلات با جمهوری اسلامی را تغییر دهند. اپوزیسیون جمهوری اسلامی متأثر از حرکت بی‌سابقه مردم در ایران جان تازه گرفته و سازماندهی‌ها و آرایش جریانات سیاسی در اپوزیسیون نیز وارد مراحل جدیدی شده است.

در این مدت، جنبش ملی آزادیخواهی زنده و پویا برای گذاشتن نقطه پایان بر جمهوری اسلامی برآمده از انقلاب ۵۷ در تلاش است تا بتواند ساختار سیاسی جدیدی را در ایران پی‌ریزی کند. هرچند مانند هر انقلاب دیگری، اعتراضات خیابانی در ایران هم پیوسته بوده و هم به دلیل سرکوب وحشیانه آفت و خیز دارد، اما مردم در عزم خود مصمم هستند.

ایستادگی بر اصل حاکمیت ملی و یکپارچگی سرزمینی

یکی از دلایلی که اعتراضات شهروندان ایران را به جنبش سراسری برای تغییر ساختار سیاسی کشور تبدیل کرده، ایستادگی مردم بر محور همبستگی ملی است. آنها توانستند با تأکید بر اصل «حاکمیت ملی»، سناریوهای جمهوری اسلامی درباره نسبت دادن اعتراضات به بیگانگان را خنثی کرده و هیاهوی برخی بلندگوهای رسانه‌ای تجزیه‌طلبان را بی‌اثر کنند. هوشیاری و آگاهی عمومی مردم معترض که در شهرهای مختلف ایران از کردستان تا سیستان و بلوچستان و از آذربایجان تا خوزستان و تهران و اصفهان با شعارهایشان بر همبستگی و یکپارچگی ملت ایران تأکید دارند سبب شد تا برخلاف سودایی که برخی جریانات و گروه‌های سیاسی در سر دارند، موضوع تمامیت ارضی و یکپارچگی ملی به صورت یک اصل خدشه‌ناپذیر وارد گفت‌وگوهای سیاسی ایران شود. بر همین اساس است که شاهزاده رضا پهلوی اصل «تمامیت ارضی» را

شاهزاده رضا پهلوی در مصاحبه با «آی ۲۴»:

تغییر رژیم ایران سناریوی بُرد-بُرد است؛ مردم ایران آزاد می‌شوند و دنیا نفس راحت می‌کشد



تظاهرات ایرانیان در استراسبورگ فرانسه

ماهیت خود رژیم مربوط می‌شود. زمانی که این رژیم از بین برود، هرآنچه غرب در حال حاضر نگران آن است نیز از بین خواهد رفت. تهدید هسته‌ای، تروریسم، گروه‌های نیابتی، ارسال پهپاد به روسیه، حملات حزب‌الله به خاک اسرائیل... راه حل این نیست که تهدید را از طریق مذاکره با این رژیم از بین ببریم، بهترین راه حل این است که این رژیم از بین برود، آنوقت همه تهدیدات از بین خواهند رفت. این یک سناریوی بُرد-بُرد است ایرانیان آزاد می‌شوند و جهان می‌تواند نفس راحت بکشد.»

این مصاحبه دو روز پس از آن صورت گرفت که ایرانیان در چند شهر دنیا روز شنبه مصادف با ۲۲ بهمن، سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، علیه انقلاب ۵۷ و حکومت برآمده از آن، به خیابان‌ها آمدند و تظاهرات گسترده‌ای در حمایت از مردم آزادیخواه داخل ایران برگزار کردند. در همین روز بزرگترین تجمع ایرانیان در ایالات متحده با حضور نزدیک به صد هزار نفر در لس‌آنجلس برگزار شد. تظاهراتی که شاهزاده رضا پهلوی بدون اعلام قبلی در آن حضور یافت و سخنانی در حمایت از جنبش آزادیخواهی مردم ایران و ضرورت همبستگی ملی ایراد کرد.

● «مردم ایران از رژیم جمهوری اسلامی به تنگ آمده‌اند و می‌خواهند فراتر از این حکومت حرکت کنند... بنابراین راه حل این است که بجای ماندن در وضعیت فعلی، چیزی فراتر از این رژیم پیدا کنیم.»

● «راه حل این نیست که تهدید را از طریق مذاکره با این رژیم از بین ببریم، بهترین راه حل این است که این رژیم از بین برود.»

● ایرانیان در روز ۲۲ بهمن، سالگرد انقلاب اسلامی، در چندین شهر جهان علیه آن انقلاب و حکومت برآمده از آن و در حمایت و ابراز همبستگی با مردم داخل تظاهرات کردند. همزمان بزرگترین تجمع ایرانیان در ایالات متحده با حضور نزدیک به صد هزار نفر در لس‌آنجلس برگزار شد. تظاهراتی که شاهزاده رضا پهلوی بدون اعلام قبلی در آن حضور یافت و سخنانی در حمایت از جنبش آزادیخواهی مردم ایران و ضرورت همبستگی ملی ایراد کرد.

شاهزاده رضا پهلوی، دوشنبه ۱۴ فوریه (۲۴ بهمن) در مصاحبه با شبکه «آی ۲۴» اسرائیل گفت، قتل مهسا امینی در بازداشت «گشت ارشاد» اولین انقلاب زنان در جهان را با شعار «زن، زندگی، آزادی» به راه انداخت و «امروز دنیا بیشتر به ایران توجه می‌کند.»

وی در بخشی از این مصاحبه عنوان کرد، «مردم ایران از رژیم جمهوری اسلامی به تنگ آمده‌اند و می‌خواهند فراتر از این حکومت حرکت کنند... بنابراین راه حل این است که بجای ماندن در وضعیت فعلی، چیزی فراتر از این رژیم پیدا کنیم.»

شاهزاده رضا پهلوی تأکید کرد، «همه متوجه می‌شوند که رژیم ایران خود را تغییر نداده و وضعیت کشور نمی‌تواند بدتر از چیزی باشد که امروز هست. ایرانی‌ها آینده‌ای بهتر می‌خواهند... آنها امیدوارند جامعه بین‌الملل، به‌ویژه کشورهای دموکراتیک در غرب، در سمت درست تاریخ بایستند.» او در پاسخ به این پرسش که آیا فکر می‌کند مردم ایران باید به کشورهای دیگر برای کمک به انقلاب‌شان تکیه کنند، تأکید کرد که «سقوط رژیم برای همه مفید خواهد بود.»

شاهزاده رضا پهلوی همچنین توضیح داد، «اگر به علت وجود نگرانی درباره تهدیدات اتمی نگاه کنید، این به

و همراهی با جریان مشروطه‌خواه و نیز شاهزاده رضا پهلوی با تردید روبرو هستند؛ این در حالیست که پتانسیل و اقبال بلند شاهزاده رضا پهلوی که بارها و بارها نام او و خاندان وی از سوی مردم معترض در خیابان‌های ایران فریاد زده شده، نشان می‌دهد که هم دوران گذار و هم هر تغییر سیاسی و بنای هر ساختاری در آینده ایران بدون نقش‌آفرینی او و جریانات مشروطه‌خواه که پایگاه اجتماعی در کف خیابان دارند، تصورناپذیر است.

به نظر می‌رسد شاهزاده رضا پهلوی نیز در حال حاضر با پذیرش نقش فراجنبی و ملی خود به دنبال پیشبرد سیاسی کارآمد جهت کاهش هزینه‌های گذار از جمهوری اسلامی و برگزاری فراندوم برای تعیین شکل نظام آینده است. هرچند میزان موفقیت او را در این مسیر آینده نشان خواهد داد اما با توجه به شواهد موجود، می‌توان گفت او بزرگترین پتانسیل عینی برای ایجاد تغییرات مثبت و دموکراتیک با نگاهی غیرحزبی در چارچوب ایران متحد است.

چنته‌ی خالی جناحین نظام در برابر همبستگی و عزم مردم در مقابل، جمهوری اسلامی بطور مداوم و با استفاده از همه ظرفیت‌ها و امکانات سناریوهای موازی را با نقش‌آفرینی نهادهای جریانات و چهره‌های مختلف پیش برده است. در این میان، رهبر پریشان‌حال نظام که به هر بهانه‌ای سخنرانی می‌کند، همواره بر سه نکته تکیه دارد: هراس از پهلوی، توطئه دشمنان و توهم دستاوردهای بی‌بدیل انقلاب ۵۷ و نظام مقتدر! نظام مقتدر علی‌خامنه‌ای اما طی پنج ماه گذشته، نه با جنگ خارجی و نه با تحریم، بلکه توسط شهروندان ایران چنان ذلیل و تحقیر شده که حالا اصلاح‌طلب و اصولگرا از دعوای زرگری دو دهه گذشته عبور کرده و با هم در جستجوی راهکاری برای حفظ نظام هستند. اتاق‌های فکر امنیتی اصلاح‌طلب و اصولگرا بطور متناوب و موازی، در کنار سرکوب وحشیانه، هر آنچه می‌توانند پیاده می‌کنند تا شاید موج انقلاب ملی را که حیات جمهوری اسلامی را مورد تهدید قرار داده آرام کنند. در آنسو اما تلاش برخی اصلاح‌طلبان برای ورود به موج خیزش مردمی با هدف مصادره‌ی آن نیز کارساز نشد و مردم همانطور که از دی ۹۶ با صراحت از تمام شدن ماجرای اصلاح‌طلب و اصولگرا گفته‌اند، اکنون نیز نشان می‌دهند که حنای اصلاح و تحول هیچ رنگی ندارد!

برخی تحلیلگران بیانیه میرحسین موسوی را در همین چارچوب ارزیابی می‌کنند که با هدف جذب بخشی از ظرفیت معترضان منتشر شده آنهم در حالی که جریان حامی وی در همان سال ۸۸ و در جنگ قدرت درون نظام نیز پشت مردمی را که در خیابان کشته می‌شدند خالی کرد.

از سوی دیگر، بیانیه موسوی و سپس بیانیه خاتمی که حتماً تصمیم به تغییر را با پاسخ آری یا نه به تغییر قانون اساسی در یک فراندوم، به همین نظام می‌سپارد، نشان می‌دهد که با وجود ابراز تمایل آنها به تغییر قانون اساسی که زمانی خاتمی آن را «خیانت» نامیده بود و موسوی به دنبال اجرای «اصول مغفول» آن بود، هنوز بخشی از جریان اصلاح‌طلب که در آخرین انتخابات ریاست جمهوری اسلامی حتماً به آرای پاتله هم باخت، همچنان در توهم بسر می‌برد.

یکی دیگر از اقدامات اخیر جمهوری اسلامی برای خاموش کردن جنبش آزادیخواهانه مردم در ترفندی به عنوان «بسته امتداد وحدت» ارائه شده است. این بسته حاوی «عفو» زندانیان سیاسی و بازداشت‌شدگان جنبش اخیر، «عفو» دانشجویان و استادان، و «عفو» ایرانیان خارج کشور و فراهم کردن مسیر بازگشت آنها به میهن بدون پیگرد قانونی است! فریب «امتداد وحدت» که با موافقت علی‌خامنه‌ای از سوی دولت «قاضی مرگ» ارائه شده و بخشی از آن با آزادی شماری

احکام زندان و احضار و دادگاه روبرو هستند!؟

واقعیت اینست که جمهوری اسلامی برای آزادی شهروندان و لغو احکام تعلیق دانشجویان هیچ منتی نمی‌تواند بر سر مردم بگذارد چون اساساً بازداشت آنان و انواع فشارها علیه آنها همگی غیرقانونی، غیرانسانی و تباهکارانه بوده است!

درواقع چنته جناحین جمهوری اسلامی نیز خالیست و اتاق‌های فکر نظام تا کنون در پیشبرد سناریو برای انحراف انقلاب ملی ایران ناکام مانده‌اند.

اینهمه همراه با بحران اقتصادی گسترده که شواهد از تشدید آن در ماه‌های آینده حکایت دارند، در کنار ساختار ناکارآمد نظام که برای بحران‌ها هیچ راهکار عملی ندارد، در حال رقم زدن آینده‌ای سرنوشت‌ساز برای ایران است. آینده‌ای که در آن هیچ چشم‌اندازی برای جمهوری اسلامی دیده نمی‌شود.

روشنگ آسترکی

از زندانیان سیاسی به اجرا درآمده از یکسو بیانگر عقب‌نشینی و استیصال نظام است و از سوی دیگر نقشی در کاهش خشم و انزجار مردم بازی نمی‌کند. ضمن اینکه نکاتی وجود دارد که توجه به آنها این فریب را بیشتر روشن می‌کند. مثلاً اگر بنا به «عفو» زندانیان سیاسی و بازداشت‌شدگان است چرا اینهمه تبلیغ برای اعتصاب غذا و آزادی یک زندانی اصلاح‌طلب مانند فرهاد میثمی صورت گرفته که اساساً حکم زندان او پایان یافته و به هر حال باید آزاد می‌شد! همزمان چرا یک زندانی مشروطه‌خواه مانند خالد پیرزاده که حتی بر اساس قوانین فقل و غیرانسانی جمهوری اسلامی هم باید از سال پیش به مرخصی فوری درمانی اعزام می‌شد با وجود جسم بیمار و از کار افتاده آنقدر در زندان نگه داشته شد تا حال با «عفو» خامنه‌ای آزاد شود و به آسویو گردد؟! از سوی دیگر، کدام «عفو» وقتی شهروندان از جمله دانشجویان همچنان با صدور



بازدید فرماندهان ارشد نیروهای مسلح جمهوری اسلامی از تجهیزات «بومی»

گزارش ویژه؛ «هشدار» ارتش جمهوری اسلامی نسبت به همکاری ایرانیان یهودی با موساد!

آن معاون عملیات نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی به یگان‌های تابعه هشدار داده برخی ایرانیان یهودی در بعضی شهرهای ایران پایبند به منافع اسرائیل هستند و با کارکنان نیروهای مسلح ارتباط دوستانه و خانوادگی گرفته‌اند و موساد در صدد استفاده از آنهاست. در این نامه خواسته شده با اقدامات لازم از بروز هرگونه «شکست حفاظتی و امنیتی» جلوگیری شود.

یک منبع مطلع به کیهان لندن می‌گوید: «نیروی زمینی ارتش و بطور کل ساختار نهادهای امنیتی رژیم با حفره‌های متعدد روبرو شده و فرماندهانش پی آن می‌گردند که برای این ضعف قربانی پیدا کنند و اینبار انگشت اتهام را به سوی ایرانیان یهودی دراز کرده‌اند.» وی همچنین می‌گوید: «ضمن اینکه پرسنل میانی از اطلاعات محرمانه خبر ندارند! اینکه در رده‌های بالای فرماندهی اطلاعات لو می‌رود ربطی به مردم کوچه و بازار، چه مسلمان و چه یهودی و مسیحی ندارد!»

وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (ساس) روز ۲۱ بهمن‌ماه در اطلاعیه‌ای مشترک ادعا کردند «عوامل اصلی خرابکاری در یکی از مراکز صنعتی وزارت دفاع در اصفهان» بازداشت شده‌اند.

با اینکه مدت‌هاست گزارش‌هایی درباره بازداشت عوامل موساد یا عناصر اطلاعاتی غرب در ایران منتشر می‌شود اما مشکل نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی فقط این نیست که اطلاعات طبقه‌بندی شده آنها به دست دولت‌های منطقه یا غربی‌ها می‌رسد، بلکه بخشی از پروژه‌های حساس و تأسیسات استراتژیک در ایران را افسران و پرسنل چینی و روسی پیش می‌برند. صنایع مخابراتی و ارتباطی حکومت وابسته به چین و صنایع اتمی آن وابسته به روسیه است آنچه در حالی که درز اطلاعات از همین بخش‌ها بسیار است.

حشمت‌الله فلاحت‌پیشه رئیس پیشین کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی علنی می‌گوید حکومت «بازیچه دست روس‌ها» شده است.

بخش دیگری از بحران نیز ناشی از عقب‌ماندگی و ضعف تکنولوژی‌های اطلاعاتی است. هرچند سالانه مبالغ سنگینی برای تقویت نهادهای امنیتی و اطلاعاتی جمهوری اسلامی خرج می‌شود اما وابستگی صنعتی به ویژه در فناوری‌های جدید امنیتی و اطلاعاتی، جمهوری اسلامی را در مقابل حملات سایبری و هکرها و لو رفتن اطلاعات بیش از پیش ضربه‌پذیر کرده است.

با استفاده از کشتی‌ها از طریق دریای مازندران و یک خط هوایی دولتی انواع جدیدی از پهپادهای پیشرفته و دوربرد را به روسیه برای استفاده در جنگ علیه اوکراین منتقل کرده است. در ماه‌های اخیر شناسایی شناورهای حامل سلاح که از جمهوری اسلامی ایران برای حوثی‌های یمن ارسال می‌شود نیز افزایش پیدا کرده است که به معنای لو رفتن آنهاست. با توجه به وسعت آب‌های جنوب ایران و تعداد زیاد بنادر مخفی که هرکدام می‌تواند مبداء بارگیری تسلیحات به یمن باشد، توقیف محموله‌های غیرقانونی تسلیحات بدون داشتن اطلاعات دقیق تقریباً ناممکن است.

لو رفتن «طالح یوسف‌اف» مشهور به (حاج تقی) عضو «سپاه قدس» شاخه «حسینیون» و استرداد وی به جمهوری آذربایجان، افشای محموله‌های تسلیحاتی ارسالی جمهوری اسلامی به حزب‌الله لبنان و سایر گروه‌های نیابتی، لو رفتن مراکز و تأسیسات نظامی در پوشش کارگاه‌های صنعتی و لو رفتن شرکت‌ها و شبکه‌هایی که همدست جمهوری اسلامی در فروش نفت و محصولات پتروشیمی هستند تنها بخشی از حفره‌های عمیق در نهادهای امنیتی رژیم ایران است.

بخشی از این اطلاعات مستقیم در اختیار اسرائیل قرار می‌گیرد و بخش دیگری از آنها سر از سرویس‌های اطلاعاتی اروپایی یا آمریکا در می‌آورد.

هرچند در یک ماه اخیر اعتراضات خیابانی فروکش کرده اما در همین مدت نیز گزارش‌هایی مبنی بر اختلاف مقامات رژیم ایران در مورد روش برخورد با معترضان رسانه‌ای شده است. یکی از ضربه‌پذیرترین واحدها در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی سازمان صنایع دفاع است. همزمان با جریان انقلاب ملی در ایران، اطلاعاتی که از صنایع دفاع به بیرون درز پیدا می‌کند بطور قابل ملاحظه‌ای افزایش پیدا کرده است.

هرچه کمربند ائتلاف بین‌المللی برای مقابله با تهدیدات جمهوری اسلامی محکم‌تر شود دستگاه‌های امنیتی و ساختار دفاعی جمهوری اسلامی شکننده‌تر می‌شود. به ویژه آنکه ناراضیاتی در بدنه نیروهای مسلح تأثیر مستقیم در لو رفتن اطلاعات طبقه‌بندی شده نهادهای نظامی دارد.

نیروهای مسلح و نهادهای اطلاعاتی رژیم ایران در حالی با بحران «آلودگی امنیتی» روبرو هستند که بخشی از آن مربوط به تغییر نگرش و تقویت انگیزه‌های مخالفان نظام در میان پرسنل در رده‌های مختلف است.

رونوشت نامه‌ای به دست کیهان لندن رسیده است که در

● هرچه کمربند ائتلاف بین‌المللی برای مقابله با تهدیدات جمهوری اسلامی محکم‌تر شود دستگاه‌های امنیتی و ساختار دفاعی جمهوری اسلامی شکننده‌تر می‌شود. به ویژه آنکه ناراضیاتی در بدنه نیروهای مسلح تأثیر مستقیم در لو رفتن اطلاعات طبقه‌بندی شده نهادهای نظامی دارد.

● یکی از ضربه‌پذیرترین واحدها در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی سازمان صنایع دفاع است. این سازمان زیرمجموعه وزارت دفاع است. همزمان با جریان انقلاب ملی در ایران اطلاعاتی که از صنایع دفاع به بیرون درز پیدا می‌کند بطور قابل ملاحظه‌ای افزایش پیدا کرده است.

● رونوشت نامه‌ای به دست کیهان لندن رسیده است که در آن معاون عملیات نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی به یگان‌های تابعه هشدار داده برخی ایرانیان یهودی در بعضی شهرهای ایران پایبند به منافع اسرائیل هستند و با کارکنان نیروهای مسلح ارتباط دوستانه و خانوادگی گرفته‌اند و موساد در صدد استفاده از آنهاست. در این نامه خواسته شده با اقدامات لازم از بروز هرگونه «شکست حفاظتی و امنیتی» جلوگیری شود.

● یک منبع مطلع به کیهان لندن می‌گوید: «نیروی زمینی ارتش و بطور کل ساختار نهادهای امنیتی رژیم با حفره‌های متعدد روبرو شده و فرماندهانش پی آن می‌گردند که برای این ضعف قربانی پیدا کنند و اینبار انگشت اتهام را به سوی ایرانیان یهودی دراز کرده‌اند.» وی همچنین می‌گوید: «ضمن اینکه پرسنل میانی از اطلاعات محرمانه خبر ندارند! اینکه در رده‌های بالای فرماندهی اطلاعات لو می‌رود ربطی به مردم کوچه و بازار، چه مسلمان و چه یهودی و مسیحی ندارد!»

یک ماه پس از اعدام علیرضا اکبری معاون وزارت دفاع جمهوری اسلامی به اتهام جاسوسی برای بریتانیا به نظر می‌رسد درز اطلاعات سری از نهادهای نظامی و امنیتی جمهوری اسلامی به سرویس‌های اطلاعاتی کشورهای غربی آنها در شرایطی که ایالات متحده و اروپایی با همکاری شرکای منطقه‌ای خود روی اقدامات مخرب رژیم متمرکز شده‌اند رژیم ایران را دچار آشفتگی و بی‌اعتمادی و بحران اساسی کرده است بطوری که به هر احتمال غیرمنطقی نیز واکنش نشان می‌دهند.

روزنامه انگلیسی «گاردین» به نقل از «منابعی در داخل ایران» روز یکشنبه ۲۳ بهمن گزارش داد جمهوری اسلامی



شاهزاده رضا پهلوی در جمع ده‌هزار ایرانی که در تظاهرات علیه ۲۲ بهمن گرد آمدند / لس آنجلس/ ۲۲ بهمن ۱۴۰۱

نگ بر فتنه ۵۷؛ تظاهرات سراسری ایرانیان در ده‌ها شهر جهان علیه ۲۲ بهمن و جمهوری اسلامی

ایلخانی‌پور نماینده مجلس ایالتی هامبورگ در این تجمع گفت: «ما امروز اینجا هستیم که بگوییم پنج ماه گذشته فقط شروع کار بود و شروع پایان جمهوری اسلامی.»

علیرضا آخوندی نماینده پارلمان سوئد نیز طی سخنانی گفت: «۴۴ سال پیش در این شهر اتفاق تلخی افتاد و امروز همه در کنار هم هستیم و برای انقلاب مردم شجاع ایران اتحاد داریم.»

رامین سیدامامی پسر کاووس سیدامامی و نوازنده و آهنگساز که با نام هنری «کینگ رام» شناخته می‌شود، در تجمع ایرانیان در پاریس آهنگی را اجرا کرد.

و اما مرکز اصلی تجمع ایرانیان ساکن اروپا در شهر دوسلدورف آلمان بود که بر اساس گزارش‌ها بیش از ۲۰ هزار نفر در این تجمع شرکت کردند. این تجمع همچنین با برگزاری سخنرانی‌های شمارزی از فعالان سیاسی و هنرمندان برگزار شد.

در تجمع دوسلدورف نیز مانند شهرهای دیگر به تکرار شعارهایی در حمایت از شاهزاده رضا پهلوی سر داده شد. کاربران ایرانی از شامگاه ۲۱ بهمن با هشتگ #ننگ_بر_فتنه_۵۷ در شبکه‌های اجتماعی علیه انقلاب ۵۷ و حکومت برآمده از آن، جمهوری اسلامی، نوشتند. این هشتگ طی کمتر از سه ساعت ترند شد و همچنان در روز ۲۲ بهمن ترند ماند.

تحركات همبسته و هماهنگ ایرانیان خارج کشور در حمایت از حقوق مردم ایران در حالیست که در خود کشور نیز همچنان اعتراضات مردمی در جریان است. شامگاه ۲۱ بهمن در حالی که جمهوری اسلامی تبلیغات گسترده‌ای برای سر دادن شعار «الله اکبر» در ساعت ۹ شب انجام داده بود اما گزارش‌ها از عدم همراهی مردم با این برنامه و در مقابل، سر دادن شعارهایی چون «جاوید شاه» و «مرگ بر دیکتاتور» حکایت می‌کنند.

روز جمعه ۲۱ بهمن در زاهدان نیز مردم معترض مانند هر هفته به خیابان آمدند و علیه جمهوری اسلامی شعار دادند. «مرگ بر خامنه‌ای»، «نه به استبداد؛ نه به مرکزگرایی»، «ایران را پس می‌گیریم»، «از زاهدان تا تهران جانم فدای ایران»، «بسیجی، سپاهی؛ داعش ما شمایی»، «استاندار داعشی نمی‌خوایم»، «کوچه بن‌بست نمی‌خوایم، رهبر یک‌دست نمی‌خوایم»، «زندانی سیاسی آزاد باید گردد» و «خامنه‌ای قاتل، حکومتش باطله» از جمله شعارهای مردم در تظاهرات روز جمعه بود.

شاهزاده رضا پهلوی که پیشتر از برگزاری این تجمع حمایت کرده بود در جمع ایرانیان حاضر و با استقبال شورانگیز مردم روبرو شد.

شاهزاده رضا پهلوی همچنین در جمع انبوه ایرانیان سخنرانی کرد و گفت امروز باید تمرکز همه با بر اتحاد باشد. وی افزود که ما بر روی هیچ چیز جز همت و غیرت مردم خودمان حساب نمی‌کنیم.

شاهزاده رضا پهلوی همچنین اشاره کرد که دولت‌های غربی هزینه آزاد شدن کشورمان را بسیار پایین‌تر خواهند آورد اگر در سمت درست تاریخ قرار بگیرند و بجای حفظ نظام پوسیده از ملت ایران حمایت کنند.

او همچنین خطاب به کشورهای غربی گفت: «اصرار نکنید با نظامی که بدنه آن پوسیده است مذاکره و آن را حفظ کنید.»

در شهر واشنگتن نیز تجمع دیگری از سوی ایرانیان برگزار شد. در تورنتو کانادا نیز ایرانیان تجمع و تظاهراتی را در همبستگی با مردم ایران و علیه جمهوری اسلامی برگزار کردند.

به همراه داشتن پرچم شیروخورشید و درفش کاویانی و پرچم‌هایی با آرم سلطنتی بر زمینه آبی درخشان از سوی ایرانیان از جمله مهم‌ترین ویژگی مشترک جمعاتی بود که در ده‌ها شهر جهان همزمان با چهل و چهارمین سالگرد پیروزی انقلاب ارتجاعی و اسلامی برگزار شد.

ایرانیان ساکن استرالیا در چند شهر سیدنی، ملبورن، پرت، آدلاید و بریزبن و همچنین ایرانیان ساکن نیوزلند تظاهرات و تجمعات گسترده‌ای را برگزار کردند.

ایرانیان در چند کشور آسیایی از جمله سنول کره، توکیو ژاپن، جاکارتا اندونزی، تفلیس گرجستان و استانبول ترکیه همزمان با سالگرد انقلابی که ایران و ایرانیان را به خاک سیاه نشاند دست به تظاهرات زدند.

در کشورهای اروپایی نیز تجمعات ایرانیان در چند کشور و شهر مختلف از جمله نیکوزیا قبرس، استکهلم سوئد، کپنهاگ دانمارک، هامبورگ آلمان، دوسلدورف آلمان، پاریس فرانسه، وین اتریش و در شهرهای برن و ژنو سوئیس برگزار شد.

در شهرهای بریتانیا نیز جمعاتی از سوی ایرانیان از جمله در لندن و منچستر برگزار شد.

در تجمع ایرانیان در پاریس شماری از نمایندگان ایرانی کشورهای اروپایی و هنرمندان حضور داشتند. دانیال

● هزاران نفر که تخمین زده می‌شود شمارشان به بیش از صد هزار نفر می‌رسد در تظاهرات لس‌آنجلس حضور داشتند. شاهزاده رضا پهلوی که پیشتر از برگزاری این تجمع حمایت کرده بود در جمع ایرانیان حاضر و با استقبال انبوه مردم روبرو شد.

● تجمعات ۲۲ بهمن چندمین دور اعتراضات هماهنگ و سراسری ایرانیان ساکن خارج از کشور در قاره‌ها و شهرهای مختلف از ابتدای جنبش انقلابی علیه جمهوری اسلامی بود.

● به همراه داشتن پرچم شیروخورشید و درفش کاویانی و پرچم‌هایی با آرم سلطنتی بر زمینه آبی درخشان از سوی ایرانیان از جمله مهم‌ترین ویژگی مشترک جمعاتی بود که در ده‌ها شهر جهان همزمان با چهل و چهارمین سالگرد پیروزی انقلاب ارتجاعی و اسلامی برگزار شد.

● کاربران ایرانی از شامگاه ۲۱ بهمن با هشتگ #ننگ_بر_فتنه_۵۷ در شبکه‌های اجتماعی علیه انقلاب ۵۷ و حکومت برآمده از آن، جمهوری اسلامی، نوشتند.

ایرانیان ساکن در کشورهای مختلف روز شنبه مصادف با ۲۲ بهمن، روز پیروزی انقلاب ۵۷، به خیابان‌ها آمدند و تظاهرات و تجمعات گسترده‌ای برگزار کردند. بزرگترین تجمع ایرانیان در تاریخ ایالات متحده با حضور هزاران نفر در لس‌آنجلس و با حضور شاهزاده رضا پهلوی برگزار شد. کاربران ایرانی در توئیتر نیز هشتگ «ننگ بر فتنه ۵۷» را در سالروز پیروزی انقلاب اسلامی ترند کردند.

ایرانیان ساکن در کشورهای مختلف جهان روز شنبه ۲۲ بهمن‌ماه تظاهرات و تجمعاتی را علیه انقلاب ۵۷ و جمهوری اسلامی برگزار کردند. این تجمعات از استرالیا آغاز و در کشورهای مختلف آسیا، اروپا و آمریکا و کانادا ادامه یافت.

این چندمین دور اعتراضات هماهنگ و سراسری ایرانیان خارج کشور در قاره‌ها و شهرهای مختلف از ابتدای جنبش انقلابی ۴۰۱ علیه جمهوری اسلامی است.

تجمع ایرانیان قاره آمریکا در همراهی با انقلاب ملی ایران در شهر لس‌آنجلس بزرگترین تجمع ایرانیان در تاریخ ایالات متحده را رقم زد. ایرانیان زیادی از شهرهای دیگر آمریکا نیز به لس‌آنجلس آمده بودند تا در این تجمع متحد علیه جمهوری اسلامی شرکت کنند.

بر اساس گزارش‌ها هزاران نفر در این تظاهرات که شمار آنها بیش از صد هزار نفر تخمین زده شده، حضور داشتند.

نشست «آینده جنبش دموکراسی ایران»: امروز فقط اتحاد!



پیام‌های ویدئویی چهار شرکت‌کننده آنلاین

پس از پخش پیام ویدئویی شیرین عبادی، عبدالله مهتدی و گلشیفته فراهانی که از سوی خودش و علی کریمی سخن می‌گفت، مسیح علینژاد در بخشی از متنی که به نمایندگی از سوی سخنرانان خواند گفت که «همه ما یک دشمن داریم: رژیم جمهوری اسلامی؛ همه کنشگران از داخل و خارج به فکر افتادند تا با افکار سیاسی متفاوت در کنار هم بایستند و با سازماندهی به این مبارزه تا ساقط کردن این حکومت ادامه دهد.»

او همچنین گفت نتایج چند هفته نشست افراد مختلفی که بخشی از آنها از درون ایران هستند برای ایجاد یک مسیر مبارزه و اتحاد برای شکست دادن جمهوری اسلامی به تنظیم منشوری برای همبستگی و سازماندهی مبارزات علیه جمهوری اسلامی انجامیده که پیش‌نویس آن آماده شده و متن نهایی آن احتمالا تا آخر فوریه به صورت عمومی منتشر خواهد شد.

عبدالله مهتدی در بخشی از پیام ویدئویی خود به این نشست گفت که «ما برای اینکه سرزمین‌مان را از چنگ جمهوری اسلامی در بیاوریم، از زاهدان تا کردستان، تا تهران و دیگر شهرهای زخمی ایران باید همبسته و متحد بمانیم. همه ما خواهان برابری، رفع تبعیض‌ها و عدم تکرار هر نوع ستمی در فرای ایران هستیم و با پذیرش تنوع و تکثر و احترام به هویت‌ها در ایران دموکراتیک فردا، امروز در کنار هم می‌ایستیم. تنها دشمن مشترک ما و نیرویی که کمر به نابودی همه ما بسته، جمهوری اسلامی است. ما ثابت کرده‌ایم که انقلابان انقلاب همدلی و همبستگی است و آنچه همه ما می‌خواهیم دوستی، آزادی و برابری است. برای پیروزی باید همبسته و همدل بمانیم. نوک پیکان‌ها در سراسر ایران باید تنها و تنها جمهوری اسلامی را نشانه بگیرد.»

شیرین عبادی حقوق‌دان و فعال حقوق بشر در بخشی از پیام ویدئویی خود گفت انقلابی که با قتل مهسا آغاز شد مانند قطاری است که به راه افتاده. این قطار سر ایستادن ندارد و ایستگاه آخرش سقوط رژیم است. اگر این حکومت بی لیاقت ستمکار ۴۳ سال است که بر ما ستم می‌کند به این خاطر است که ما همه یک‌دست نبودیم و البته

● ملانی ورویر مدیر اجرایی انستیتو «زنان، صلح و امنیت» دانشگاه جرج تاون در سخنان آغاز این نشست از نازنین انصاری روزنامه‌نگار بین‌المللی و صاحب امتیاز و مدیرمسئول کیهان لندن و کیهان لایف برای زحماتی که در این موسسه کشیده و همچنین کریم سجادیپور استادیار دانشگاه جرج تاون و از بنیاد کارنگی برای سازماندهی این نشست سپاسگزاری کرد.

● شاهزاده رضا پهلوی: هدف ما این نیست که تبدیل به شورای رهبری شویم، هدف ما این است که کمک کنیم چنین شورایی تشکیل شود و بیشتر احزاب و جریان‌ها «اتلافی» را که انتظارش را داشتیم تشکیل دهند تا بتوانند با یک تقسیم کار خوب بر مبنای پروژه‌محوری همه چیزهایی که به فرایند فروپاشی نظام کمک می‌کند، و وارد مرحله انتقالی شدن را انجام دهند.

● شیرین عبادی: ترسی که به دل مردم انداخته‌اند که اگر این حکومت برود چه می‌شود، سوال من اینست که اگر این حکومت بماند چه می‌شود؟! همه جور این حکومت را دیدیم. اصلاح‌طلب‌ها، اصولگرای‌ها، رای دادیم. رای ندادیم. قهر کردیم. آشتی کردیم. کدام سال بهتر از سال قبل بود؟ عمر و جوانی ما تلف شد. بنابراین الان وقت آنست که بگوییم دیکتاتور به پایان سلام کن.

● گلشیفته فراهانی: من و علی کریمی سیاستمدار نیستیم اما صدای مردم ایران هستیم. ما تنها انعکاس صدای شما هستیم. هدف مشترک همه ما در این مرحله فروپاشی رژیم جمهوری اسلامی است.

● عبدالله مهتدی: ما ثابت کرده‌ایم که انقلابان انقلاب همدلی و همبستگی است و آنچه همه ما می‌خواهیم دوستی، آزادی و برابری است. برای پیروزی باید همبسته و همدل بمانیم. نوک پیکان‌ها در سراسر ایران باید تنها و تنها جمهوری اسلامی را نشانه بگیرد.

● نازنین بنیادی: این یک لحظه تاریخی برای ایران است تا هرگونه اختلاف نظر را کنار بگذاریم و با هم متحد شویم. ● مسیح علینژاد: این جمع تلاش می‌کند صدای مردم درون ایران باشد و حتی پیش‌نویس متن منشوری که برای همبستگی و سازماندهی در اپوزیسیون در دست تنظیم است را از فعالان درون ایران دریافت کردند و بیشترین ارتباطات این جمع با افرادی در درون ایران است.

● حامد اسماعیلیون: یکی از مهم‌ترین کارهای ما تلاش برای قرار دادن سپاه پاسداران در فهرست گروه‌های تروریستی است. در مورد انحلال سپاه پاسداران زیاد صحبت شده و امیدوارم در منشور هم تصریح شود. برای عدالت انتقالی و مواجهه با اعضای سپاه بعد از انقلاب هم باید به سازوکار حقوقی مناسبی برسیم.

نشست «آینده جنبش دموکراسی ایران» روز جمعه ۱۰ فوریه ۲۰۲۱ برابر با ۲۱ بهمن ۱۴۰۱ در دانشگاه جرج تاون ایالات متحده و با حضور چند تن از فعالان سیاسی اپوزیسیون برگزار شد.

شرکت‌کنندگان حضوری این نشست شاهزاده رضا پهلوی، مسیح علینژاد خبرنگار و فعال حقوق زنان، نازنین بنیادی هنرپیشه و فعال حقوق بشر، حامد اسماعیلیون سخنگوی انجمن خانواده‌های پرواز ۷۵۲ بودند. شیرین عبادی حقوق‌دان و برنده جایزه صلح نوبل، گلشیفته فراهانی هنرپیشه و عبدالله مهتدی دبیرکل حزب کومله کردستان

با غرب زمان بُرد چون باید ما بر سر اصول یک منشور توافق می کردیم؛ باید جامعه جهانی ببیند ما سکولاردموکراسی می خواهیم. بداند ما برنامه‌مان برای عدالت انتقالی چیست؟ ما برنامه‌مان برای احترام گذاشتن به اقوام و تکتی که در ایران است چیست؟ بنابراین بعد از این منشور گام بعدی و مهم ما دیدار مشترک ما با مقامات غربی است.» شاهزاده رضا پهلوی نیز افزود که «کشورهای غربی باید بدانند که با مردم آزادیخواه ایران مذاکره کنند که بهترین هم‌پیمان‌های شما هستند اما شما به مذاکره به دشمنان مردم ایران ادامه می‌دهید. اصرار به ادامه مذاکره با رژیم در اصل دخالت در امور داخلی کشور و شراکت در جرم و جنایت جمهوری اسلامی است.»

حامد اسماعیلیون در ابتدای سخنانش چهار محور را برای انقلاب کنونی ایران برشمرد و گفت: «من این انقلاب را بر چهار اصل می‌بینم: آزادی، دادرسی عادلانه، عدالت اجتماعی و عدالت محیط زیستی. همه در سراسر ایران به دنبال حقوق برابر هستند و همه ما برای دادخواهی و عدالت و حقوق برابر مبارزه می‌کنیم.»

او همچنین افزود که بعد از انقلاب، کمیته حقیقت‌یاب برای بررسی جنایات‌های رژیم در این ۴۴ سال تشکیل خواهد شد. او در پاسخ به اینکه آیا این انقلاب خاموش شده گفت که انقلاب فراز و نشیب‌های زیادی دارد و ممکن است جریان اعتراضات فروکش کند، اما با موج بلندتر برمی‌گردد و موج بعدی سهمگین‌تر خواهد بود. هیچ انقلابی یک‌شبه به نتیجه نمی‌رسد. از یکجایی تغییر اجتناب‌ناپذیر شده و راه بازگشتی وجود ندارد. من این تغییر را در دی‌ماه ۹۶ می‌بینم؛ زمانی که اعتراضات در چارچوب حکومت نبود و از مرزهای جمهوری اسلامی گذر کرد.»

او در بخش دیگری از سخنانش از «انحلال سپاه پاسداران» به عنوان یکی از موارد یاد شده در منشور همبستگی و سازماندهی یاد کرد و گفت که «یکی از مهم‌ترین کارهای ما تلاش برای قرار دادن سپاه پاسداران در فهرست گروه‌های تروریستی است. در مورد انحلال سپاه پاسداران زیاد صحبت شده و امیدوارم در منشور هم تصریح شود. برای عدالت انتقالی و مواجهه با اعضای سپاه بعد از انقلاب هم باید به سازوکار حقوقی مناسبی برسیم.»

نازنین بنیادی نیز گفت که «این یک لحظه تاریخی برای ایران است تا هرگونه اختلاف نظر را کنار بگذاریم و با هم متحد شویم.» نازنین بنیادی همچنین تأکید کرد که فشارهایی چون تحریم باید از سوی غرب اجرایی شود تا فشار بر جمهوری اسلامی حداکثری شود. افزایش درآمد برای حکومت در تهران به افزایش سرکوب منجر می‌شود.» او همچنین بر حمایت دولت‌های غربی از خواست مردم ایران تأکید کرد و گفت: «ما همه برای آزادی و حقوق بشر مبارزه می‌کنیم و امیدوارم این آغازی تازه پس از چهل و چهار سال سرکوب و فشار باشد.»

همچنین حامد اسماعیلیون در سخنانی با اشاره به واژه «زندگی» که در انقلاب ملی ایران پررنگ است گفت که «اسم این انقلاب زن، زندگی، آزادی است. بسیاری از آدم‌ها عزیزانشان را از دست داده‌اند ولی این به معنای آن نیست که زندگی متوقف شده است، به معنای آن نیست که ما کسانی را که هم‌زمان زندگی می‌کنند، موسیقی گوش می‌دهند و تفریح می‌کنند، سرزنش کنیم.»

در ادامه مسیح علینژاد نیز گفت که «از هنرمندان می‌خواهیم کنسرت‌های خود را تعطیل نکنند و این کنسرت‌ها را تبدیل به صحنه اعتراض علیه جمهوری اسلامی تبدیل کنند. شعار این انقلاب «زن، زندگی، آزادی» است و نباید زندگی را تعطیل کنیم.»

جریاناتی است که مکانیسم‌های اجرایی را می‌توانند مسئول شوند و می‌توانند در قالب برنامه و پروژه به سوالات شما پاسخ بدهند. هدف ما این نیست که تبدیل به شورای رهبری شویم، هدف ما این است که کمک کنیم چنین شورایی تشکیل شود و بیشتر احزاب و جریان‌ها «ائتلافی» را که انتظارش را داشتیم تشکیل دهند تا بتوانند با یک تقسیم کار خوب بر مبنای پروژه‌محوری همه چیزهایی که به فرایند فروپاشی نظام کمک می‌کند، و وارد مرحله انتقالی شدن را انجام دهند.»

شاهزاده رضا پهلوی همچنین در پاسخ به پرسشی درباره بیانیه اخیر میرحسین موسوی گفت که ریزش از درون نظام بخشی از فرایند انقلاب است و در نتیجه از آن استقبال می‌شود و تأکید کرد که «هرچقدر بیشتر زمینه ریزش از حکومت فراهم شود، راه فروپاشی جمهوری اسلامی و آزادی ایران را فراهم کرده‌ایم.»

مسیح علینژاد هم با یادآوری اینکه خودش پیشتر در جمهوری اسلامی رای داده و در امید و توهم اصلاحات



نظام بوده اما چند سالی است در کنار کسانی چون شاهزاده قرار گرفته که از ابتدای تشکیل جمهوری اسلامی علیه آن فعالیت می‌کرده‌اند، گفت «جمهوری اسلامی همچون درخت پوسیده‌ای است که همانطور که ما از بیرون به آن تیر می‌زنیم باید از درون هم کرم بگذارد تا زودتر نابود شود» وی ریزش از درون حکومت و بیانیه میرحسین موسوی را نمونه کرم گذاشتن از درون درخت پوسیده جمهوری اسلامی دانست. اما تأکید کرد که بعدها باید افرادی چون میرحسین موسوی که مناصبی در جمهوری اسلامی داشتند و در روند سرکوب مشارکت کرده و همراه نظام بوده‌اند در فرایند قضایی به دادخواهان پاسخگو باشند.

مسیح علینژاد در بخشی از سخنانش با اشاره به اینکه مردم در ایران نام شاهزاده رضا پهلوی، پدرش و خاندان پهلوی را صدا می‌زنند گفت که «این جمع تلاش می‌کند صدای مردم درون ایران باشد و حتی پیش نویس متن منشوری که برای همبستگی و سازماندهی در اپوزیسیون در دست تنظیم است را از فعالان درون ایران دریافت کردند و بیشترین ارتباطات این جمع با افرادی در درون ایران است.» مسیح علینژاد با تأکید بر اینکه جهان می‌داند در ایران با یک داعش مستقر طرف است و پیشتر هم فعالان اپوزیسیون دیدارهایی با مقامات جهان داشتند تا حمایت آنها از مبارزات مردم ایران و ایستادگی در برابر جمهوری اسلامی را جلب کند گفت که «شکل‌گیری یک اپوزیسیون متحد برای مذاکره

ترسی که به دل مردم انداخته‌اند که اگر این حکومت برود چه می‌شود، سوال من اینست که اگر این حکومت بماند چه می‌شود؟! همه جور این حکومت را دیدیم. اصلاح‌طلب‌اش، اصول‌گرای‌اش، رای دادیم، رای ندادیم. قهر کردیم. آشتی کردیم. کدام سال بهتر از سال قبل بود؟ عمر و جوانی ما تلف شد. بنابراین الان وقت آنست که بگوییم دیکتاتور به پایان سلام کن.»

شیرین عبادی همچنین افزود «اکنون وقت آن نیست که راجع به مدل حکومت آینده بحث کنیم که جمهوری یا سلطنت. ایران کشوری با تنوع قومی و مذهبی است و بنابراین حفظ یکپارچگی سرزمینی ایران با قبول و احترام به تکت‌های مذهبی، فرهنگی و قومی خواست همه ماست. عبور از این رژیم جز با اتحاد و همدلی امکان‌پذیر نیست.»

گلشیفته فراهانی بازیگر نیز که پیامی را از سوی خودش و علی کریمی به صورت ویدئویی به این نشست فرستاده بود گفت که «من و علی کریمی سیاستمدار نیستیم اما صدای مردم ایران هستیم. ما تنها انعکاس صدای شما هستیم. هدف مشترک همه ما در این مرحله فروپاشی رژیم جمهوری اسلامی است.» او همچنین تأکید کرد که «ما ادعای رهبری نداریم و سهمی نمی‌خواهیم. سهم از آن مردم ایران است که توسط حکومت به گروگان گرفته شده‌اند.»

سخنان شرکت‌کنندگان در محل نشست

شاهزاده رضا پهلوی در سخنانی در لزوم همبستگی در اپوزیسیون جمهوری اسلامی برای براندازی آن گفت که «ما با دو دسته از افراد طرفیم. دسته اول کسانی‌اند که همچنان کینه دارند و بخشی از مشکل‌اند. دسته دوم کسانی‌اند که می‌خواهند بخشی از راه حل باشند. زمان آن رسیده که این دسته دوم اختلاف‌ها و شعارها را کنار بگذارند و برای آزادی و سربلندی ایران آستین‌ها را بالا بزنیم و کار کنیم.» شاهزاده رضا پهلوی با تأکید دوباره بر اصول مشترک گفت «اختلاف نظرها به معنی دشمن یکدیگر بودن نیست» و افزود که «برای بقای دموکراسی لازم نیست فقط نهادها را داشته باشیم، بلکه باید فرهنگی از تنوع و بردباری را ایجاد کنیم.»

شاهزاده رضا پهلوی پیشتر بر چهار اصل پذیرش تمامیت ارضی و یکپارچگی سرزمینی ایران، دموکراسی سکولار و تحقق بشر و همچنین برگزاری انتخابات آزاد برای تعیین شکل حکومت توسط مردم تأکید کرده و آنها را اصول هرگونه همکاری مشترک در اپوزیسیون خوانده بود.

او در کنفرانس دانشگاه جرج تاون نیز در بخشی از سخنانش گفت که «مبنای مشارکت این نیست که منتظر دعوت کسی باشند. برای همه در باز است، حتی قشر خاکستری ممکن است یک ماه یا یک سال دیگر بیاید. تنها شرط مشارکت قبول اصول آن است، چون بدون آن نمی‌توانیم کاری بکنیم.» او همچنین گفت «همبستگی در اپوزیسیون مثل سوار شدن در یک اتوبوس یا بلیت مجانی است و هیچ گروهی نباید در انتظار دعوت باشد بلکه باید اعلام آمادگی کند و به این اتوبوس سوار شود.»

شاهزاده رضا پهلوی در بخش دیگری از سخنانش گفت: «توافق ما مبتنی بر خواست مردم داخل ایران، فعالان و زندانیان سیاسی است و وظیفه ما تنها انتقال این خواسته‌هاست و همکاری برای فعال کردن مکانیسم‌های مورد نیاز برای انقلاب ایران و تقسیم کار میان گروه‌های مختلف است.»

او با تأکید بر نقش مهم احزاب و جریان‌های سیاسی اپوزیسیون برای ادامه مسیر سازماندهی فعالیت‌ها گفت که «بیشترین سوالاتی که خواهیم داشت از افراد و گروه‌ها و

علی خامنه‌ای و میرحسین موسوی و هراس از فروپاشی مشابه اتحاد شوروی



رونالد ریگان و میخائیل گورباچف رهبران آمریکا و شوروی در ژنو؛ سوئیس؛ نوامبر ۱۹۸۵

خود، گویا متوجه شده که یک تغییر اساسی و ریشه‌ای در داخل ایران اتفاق افتاده و این تغییر از همه ثابت‌هایی که رژیم به آن پایبندی شدید دارد، فراتر رفته است.

شنبه گذشته موسوی در بیانیه‌ای به صراحت اعلام کرد: «ایرانی‌ها آماده تحولی ریشه‌ای هستند که خطوط اساسی آن را جنبشی ترسیم می‌کند که شعارش «زن، زندگی، آزادی» است.»

میرحسین موسوی پس از ۱۳ سال حصر خانگی به علت رهبری جنبش سبز در سال ۲۰۰۹، بار دیگر به صحنه برگشته تا با مطرح کردن چنین پیشنهادی بار دیگر باعث نگرانی و تردید و ترس خامنه‌ای شود. او یکی از معماران رژیم اسلامی و دستگاه اجرایی آن در سخت‌ترین شرایط یعنی زمان جنگ با عراق بود. اما امروز شجاعانه صدای آشکار مردم ایران را شنیده و به ایرانیان می‌گوید که عمر این نظام احتمالاً به پایان خود نزدیک می‌شود.

بر این اساس، رژیم ایران که با رهبری خامنه‌ای گزینه‌های خود را بسیار محدود کرده، برای اولین بار با معضلی روبرو شده است که این معضل رژیم را در میان دو گزینه تلخ قرار داده است:

یکی، اصلاحات کشنده مانند تجربه تلخ پرسترویکا اتحاد جماهیر شوروی
دیگری، سرنگونی یا تغییر کلی رژیم همانطور که میرحسین موسوی از راه تغییر قانون اساسی خواستار پایان دادن به آن مانند پایان اتحاد جماهیر شوروی شده است.

*منبع: شرق الاوسط

*نویسنده: مصطفی فصیح

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

می‌دهد تا خامنه‌ای را به چالش بکشد به ویژه که هیچک از چهره‌های کنونی داخل رژیم اسلامی رقیبی جدی برای خامنه‌ای به شمار نمی‌روند پس از نظر رهبر جمهوری اسلامی، میرحسین موسوی تنها کسی است که می‌تواند خلاء علی اکبر هاشمی رفسنجانی را که در برهه‌ای از عمر جمهوری اسلامی نقش طراح اصلی در مراکز تصمیم‌گیری داخلی رژیم را به عهده داشت، پر کند.

میرحسین موسوی در بیانیه اخیر خود که در آن خواستار تدوین قانون اساسی جدید برای ایران جهت نجات کشور شده بود، در حقیقت تمام نیروهای مخالف داخل رژیم و حامیان آن را دور زد و از خطوط قرمز رژیم و حتی دایره ملاحظات اصلاح‌طلبان درونی فراتر رفت. او در واقع خواستار تغییر کلی نظام شد اما به زبانی دیگر و از طریق تغییر قانون اساسی.

فراخوان میرحسین موسوی برای قانون اساسی جدید برای ایران و اعتراف او به اینکه درخواست ۱۳ سال پیش وی برای اجرای کامل قانون اساسی دیگر کافی نیست، به منزله طغیان و کودتایی علیه قانون اساسی و و ماهیت اعتقادی و اصل رژیم و تخطی از تمام خطوط قرمز یا سقف‌هایی که رژیم تئوکراتیک ولایت فقیه برای محافظت از خود در برابر هر خواسته‌ای از قبیل اصلاحات یا تغییرات ناشی از تلاش نخبگان سیاسی یا نیروهای اجتماعی یا مردمی تعیین کرده بود، به شمار می‌رود.

میرحسین موسوی اینبار توانایی رژیم برای ادامه حیات به شکل کنونی خود را از رأس هرم یعنی خامنه‌ای و بیت او تا پایین‌ترین نهاد در کشور و همه باورهای ثابت و غیرقابل بحث رژیم را زیر سؤال برده است. او بعد از اعتراضات سراسری اخیر و پافشاری مردم ایران برای احقاق حقوق ملی

● این روزها ترس و نگرانی خامنه‌ای بیشتر داخلی و از درون نظام است تا از «دشمن» خارجی!

● میرحسین موسوی در واقع خواستار تغییر کلی نظام شد اما به زبانی دیگر و از طریق تغییر قانون اساسی. او بعد از اعتراضات سراسری اخیر و پافشاری مردم ایران برای احقاق حقوق ملی خود، گویا متوجه شده که یک تغییر اساسی و ریشه‌ای در داخل ایران اتفاق افتاده و این تغییر از همه ثابت‌هایی که رژیم به آن پایبندی شدید دارد، فراتر رفته است.

مصطفی فصیح (شرق الاوسط) - به همان اندازه که سید علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی، برای عملی کردن آرزوهای ژئوپلیتیک خود برای ارتقاء جایگاه رژیم اسلامی و نقش منطقه‌ای و بین‌المللی آن به گزینه اتحاد با روسیه دل بسته است، به همان میزان از آلوده شدن رژیم خود به عفونتی که اتحاد جماهیر شوروی به آن مبتلا بود و در نهایت به سرنگونی رژیم کمونیستی منجر گردید، در ترس و تردید بسر می‌برد.

خامنه‌ای که هشت سال است در میان جناح‌های متخاصم رژیم بر سر ارث و میراث خود بسر می‌برد، می‌کوشد تا نقشه‌ای برای دوران انتقالی رژیم ترسیم کند که تداوم ماهیت تئوکراتیک نظام را تضمین کند تا دومین و آخرین رهبر برای جمهوری اسلامی مانند میخائیل گورباچف که هفتمین و آخرین رهبر اتحاد جماهیر شوروی بود، نباشد.

خامنه‌ای پرسترویکا را دلیل سرنگونی اتحاد جماهیر شوروی می‌داند، بنابراین او نسبت به یک گورباچف ایرانی که در حال ظهور یا طرفدار نسخه ایرانی پرسترویکا باشد، نگران و در ترس و تردید است.

خامنه‌ای در سخنرانی اخیر خود در فرماندهی نیروی هوایی ارتش خواستار تمرکز بر وحدت ملی شد. او وحدت ملی را به عنوان نیاز اساسی و مهم برای نظام جمهوری اسلامی دانست و گفت: وحدت ملی نقش مهمی در پیروزی و پیشرفت انقلاب داشت و سد و دیواری در مقابل دشمنان ایجاد کرد. رهبر جمهوری اسلامی به مقامات هشدار داد که «مبادا دشمنان (طبق توصیف خودش) باعث ایجاد اختلاف و شبهه بین آنها شوند.»

از این رو می‌توان گفت که ترس و نگرانی خامنه‌ای بیشتر داخلی و از درون نظام است تا از «دشمن» خارجی.

خامنه‌ای از کسانی که روزی بخشی از رهبران تاریخی انقلاب و نظام اسلامی بودند (محمد خاتمی و میرحسین موسوی) که اکنون به این نتیجه رسیده‌اند که برای نجات نظام باید اقدامات جدی، اساسی و ریشه‌ای رخ دهد تا نظام بازسازی شود، بیشتر واهمه دارد.

در همان زمان جنبش سبز سال ۲۰۰۹، رهبر جمهوری اسلامی ایران بی‌اعتمادی خود را به جنبش سیاسی میرحسین موسوی نشان داد. ترس خامنه‌ای از میرحسین موسوی از آن جهت قابل توجیه است که موسوی از درون خود رژیم است اما اکنون ظاهراً در نقطه مقابل نظام قرار گرفته است. خامنه‌ای فکر می‌کند که میرحسین موسوی تنها مهره‌ای است که همچنان در نهادهای دولت، انقلاب و میان‌نخبگان داخلی رژیم هنوز دارای وزن سیاسی است و تجربه سابق او در مقام نخست‌وزیری فارغ از موقعیت، ماهیت اجتماعی و وضعیت سیاسی کنونی او، تهدیدی دائمی برای اوست. به این دلیل که موقعیت و سابقه موسوی به او توانایی

از آن پرهیزید یا در برابر محذور، برای اجتناب از محذور، ابتکاری مثل همولایتی محترمان مرحوم شیخ‌علیمحمد وزیری به‌خرج دهید.

آقا شیخ علیمحمد وزیری پیشنهاد مسجد جامع یزد، مردی متقی و در عین حال اهل مطالعه و علاقه‌مند به کتاب بود. به‌همت وی در مجاورت مسجد جامع، کتابخانه آبرومندی دایر شد که به‌نام کتابخانه وزیری، نام آن مرحوم را در اذهان زنده نگهداشته است.

ملکه داتمارک (مارگارت) زمانی که ولیعهد بود به ایران سفر کرد و چون به مطالعات ارکتولوژی (باستانشناسی) و آرشیتکتور (معماری) علاقه داشت در برنامه سفرش بازدید از یزد و دیدار از مسجد جامع این شهر گنجانده شده بود. طبق برنامه، قرار بود پرنسس مارگارت بعد از مسجد جامع دیداری هم از کتابخانه وزیری داشته باشد و حضور بانی کتابخانه برای معرفی به میهمان عالیقدر و ادای توضیحات و پاسخ به سؤالات ضرورت داشت.

بارش

دست دادن یا ندادن مسأله این است! (۳)

تو غلط کردی که...

(کیهان لندن شماره ۱۱۷۴-۱۱۶۳)

تیر تا مهر ۱۳۸۶

احمد احرار



سیدمحمدخامی در ایتالیا

مشکل اما این بود که شیخ علیمحمد هم مانند همولایتی خود آقا سید محمد دست دادن (مصافحه) با نسوان را از نظر شرعی جایز نمی‌دانست و از طرفی، شایسته نمی‌بود که پرنسس دست خود را به سوی او دراز کند و او دستش را عقب بکشد.

چه می‌بایستی کرد که آبروریزی به‌بار نیاید؟ تصمیم بر این شد که شیخ به‌بهانه شکستگی دست، دستی را که نشکسته بود گچ بگیرد و به گردن بیاویزد و طبعاً از دست دادن معذور باشد.

رفیق فقید خودمان، آیت‌الله روحانی هم که در شهر پاریس شیعیان اروپا را رهبری می‌کرد، وقتی خامی - بخصوص خانم غیر مسلمان - دستش را برای فشردن دست او پیش می‌برد از زیر عبا دست می‌داد یعنی عبا را برای اباحه محذور، مثل دستکش به‌کار می‌گرفت.

اینها همه زمانی که انسان به‌عنوان ملای متشرع، به امور شرعی اشتغال دارد، دست کم برای بستن دهان غوغاگران و عیبجویان مجاز است و خالی از اشکال. اما کفر است، رسوایی است، آبروریزی است، قبیح است، سخیف است برای کسی در حوزه سیاست یا دیپلماسی. در این زمینه باز هم گفتنی باقی است.

ادامه دارد

روز چه مبلغ گزافی است) ترجمان را فوراً تقدیم نمود، خود را از خوردن آنچه نخورده بود معاف داشت و چون می‌خواست تقدس خود را بر علمای آن عصر معلوم نماید تفصیل این فرمایش شاه و عرض خود و ادای جریمه را به میرزا ابوالقاسم قمی نوشت. مرحوم میرزا در جواب نوشته بود بسیار غلط کردی که یک پیاله شراب حلال را که به‌حکم سلطان بود نخوردی، می‌خواستی آن پیاله را صرف کنی و پنجهزار تومان را برای فقرا و ضعفا مبدول داری.»

بنده نمی‌خواهم به ساحت مقدس آقای خامی جسارت کنم. ای کاش در میان علمای عصر ما نیز یکی پیدا می‌شد که به این «سید نجیب محترم» بگوید جناب آقا، با چنین تقیدات و ملاحظات تو غلط کردی از حوزه دین به حوزه سیاست پا نهادی و مسند ریاست جمهوری ایران را به‌مدت هشت سال اشغال کردی. جای کسی مثل تو در مسجد بود نه در جایگاه یک سیاستمدار مسؤول. سرکار، با آن لیخنه ملیح و قیافه نجیب و عبا و عمامه تمیز اگر به مقام امامت مسجد اکتفا می‌کردید هم حمایت خلق را داشتید، هم رضایت خدا را. در آن مقام می‌توانستید به حرام و حلال شرعی خالصاً مخلصاً پای‌بند باشید و اگر دست دادن با زنان را امری خلاف شرع تشخیص می‌دهید،

اعتقادات خرافی شاه سلطان حسین و ضعف و زبونی او در برابر ملامهای قدرت‌طلب، تاج و تخت صفویه را بر باد داد و ایران را تکه‌پاره کرد تا نادری پیدا شد و به هرج و مرج هفت‌ساله و حاکمیت بی‌رحمانه سنی‌مذهبان افغان خاتمه داد. نادر، مرد جنگ بود و اعتنا به مباحث مذهبی نداشت. گفته‌اند روزی در مسجدی حضور یافت. واعظ وصف بهشت می‌گفت. از قصرهای مجلل و فضای امن و نهرهای شیر و عسل تا مصاحبت حوری و غلمان. نادر آواز داد که در بهشت آیا جنگ هم هست. واعظ جواب منفی داد. گفت پس بیا پایین که آنجا جایی نیست!

بعد از آن، نوبت حکمرانی به زندیه رسید که از طوایف لر بودند و اکثرشان بیگانه با تقیدات مذهبی. پیامدهای دوران یکه‌تازی ملایان حاکم بر عقل و اراده شاه سلطان حسین نیز هنوز در حافظه تاریخی ایرانیان باقی بود و علاقه به تجدید آن دوران نداشتند. آخوندبازی در دوره فتحعلی شاه رونق دوباره یافت که پادشاهی بود خودپسند و هم لذا نذنیوی را می‌خواست و هم نعمات اخروی را. در زندگی از هیچ لذتی چشم نمی‌پوشید و در عین حال، چشم به حوری و غلمان و شراب و کباب بهشت داشت. از همین رو، به‌عنوان پادشاه دین‌پناه، میدان را برای تاخت و تاز ملایان باز گذاشت و آنان قدرت از دست‌رفته را بار دیگر به‌دست آوردند.

این پادشاه دین‌پناه روزی به میرزای قمی، از علمای عصر، تکیه کرده بود و در حین راه رفتن گفت من به‌سبب ملازمت شما علما به بهشت خواهم رفت. میرزای قمی گفت ولی ما را به‌سبب ملازمت شما سلاطین جور به بهشت راه نخواهند داد. شاه گفت چه اهمیت دارد که شما به کدام جهنم بروید، مهم آن است که من به بهشت بروم! باری، بساط تحریم و تکفیر و تفسیق در زمان فتحعلی شاه، مانند دوره آخر حکومت صفویه، از نو در ایران رایج شد تا بدان حد که صدر اعظم وقت، محض مراعات احتیاطات شرعی، وقتی به حضور پادشاه احضار می‌شد آنقدر تعلل می‌کرد تا فراشان بیابند و او را کشان‌کشان به دربار ببرند!

احمدمیرزا عضدالدوله، فرزند فتحعلی شاه، در تاریخ عضدی می‌نویسد «امین‌الدوله بر علمای عصر وزارت خویش خاطرنشان و معلوم کرده بود که برخلاف شرع الهی به هیچ کاری اقدام ندارد و برای جلوه دادن این مقصود تا دو سه فراش و دربان به احضار او نمی‌رفت به‌حضور اقدس نمی‌آمد. آن وقت که چند محصل (مأمور) احضار آمده بود می‌گفت پادشاه مقتدر و اولوالامر است، اگر نروم بیم جان است، تکلیف شرعی مقتضی شرفیابی شده!»

در همین کتاب آمده است: «از وصایای شاه شهید (آقا محمدخان) عروسی مرحومه رضوان‌مکانی مهد علیای ثانی (همسر عباس میرزا و مادر محمدشاه) بود که در سال ششم از سلطنت حضرت خاقان واقع شد و از عیش‌های بسیار بزرگ بود که مردم ایران را آزادی هفت شبانه روز کوس زده شد (هفت شبانه روز مردم را از قید محرمات و محظورات شرعی معاف داشتند) و معنی حریت را فهمیدند. تمام بزرگان قاجار و رجال دولت با اقتدار رخصت یافتند که به هر قسم دلخواهشان باشد مشغول شادی شوند. همه طبقات اوقات خود را به شادمانی گذرانند. خاقان مرحوم (فتحعلی شاه) در این جشن بزرگ به میرزا شفیع صدر اعظم فرمودند یا یک پیاله شراب بخور و با این اشخاص سرخوش باش یا جریمه بزرگی از تو خواهم گرفت. صدر اعظم (که مرد متمولی بود) دادن جریمه را بر گرفتن ساغر ترجیح داد و حسب‌الامر پنجهزار تومان (در نظر آورید که به پول آن

دکتر هوشنگ نهاوندی:

دربار، دولت و رویدادهای دوران انقلاب

مقاله «رشیدی مطلق» چاشنی انفجاری انقلاب بود
با انتشار این مقاله، خمینی به شخصیتی مافوق آنچه بود، تبدیل شد

(تاریخ نشر در کیهان لندن: از آذر ۱۳۸۳ تا شهریور ۱۳۸۴ - از شماره ۱۰۳۳ تا ۱۰۷۱)

بازنش

آخرین روزها
پایان سلطنت و
درگذشت شاه
(۱)

دکتر هوشنگ نهاوندی

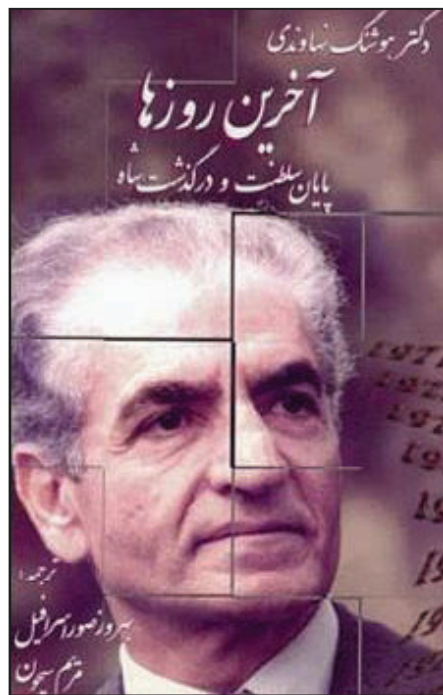
اساس رویدادها و حوادث واقعی زندگی انسانها نوشته می‌شود. برای نوشتن این کتاب، نویسنده از کمکهای بی دریغ و سخاوتمندانه اردشیر زاهدی، دکتر اصلاان افشار، شجاع‌الدین شفا، پروفیسور عباس صفویان و دکتر داریوش شیروانی بهره‌مند بوده است. این شخصیتها که در ماههای آخر سلطنت محمدرضا شاه تماس روزانه با او داشتند، اطلاعات، خاطرها و به‌یادمانده‌های خود را در اختیار نویسنده قرار داده‌اند. نویسنده ضمناً از دکتر هادی هدایتی، دکتر کاظم ودیعی و بیژن خلیلی مدیر شرکت کتاب سپاسگزاری کرده است. کتاب «آخرین روزها، پایان سلطنت و درگذشت شاه» دارای ۱۵ فصل است و با یک پی‌نوشت کوتاه و احساسی به‌پایان می‌رسد. کیهان بخشهایی از این کتاب را با موافقت نویسنده و ناشر، از این شماره به‌چاپ می‌رساند.

شوروی - لهستان که در ۲۵ دسامبر ۱۹۶۰ به غرب پناهنده شد، می‌دانست که «آیت‌الله خمینی یکی از پنج خرچین مسکو در میان رهبران مذهبی شیعه است»، این موضوع را به مقامات ایران اطلاع نداده بود. این موضوع در ماه مارس سال ۲۰۰۰ برملا شد (همان منبج). شاید هم آمریکاییها از این موضوع در سال ۱۹۷۸ برای کنترل اقدامات «خمینی» و بازی دادن او استفاده می‌کردند.

به این ترتیب اتهاماتی که در مورد داشتن ارتباطات پنهان با سرویسهای اطلاعاتی مختلف خارجی به وی وارد می‌آمد، بی پایه نبود. حتی اگر ناقص به نظر می‌رسید، مسأله، آن نبود. چاپ آن مقاله بود که باعث شد «خمینی» به شخصیتی تبدیل شود که هر کسی می‌توانست از او به سود خود و به زیان رژیم استفاده کند. تبدیل «خمینی» به هدف اصلی رژیم یک عمل بی‌جا، و یک اشتباه بزرگ بود. به نظر می‌رسید چاپ مقاله در آن روزنامه، به تحریک، و به احتمال بیشتر با تحمیل صورت گرفته است. بیست و دو سال پس از آن واقعه، مسأله چاپ مقاله «رشیدی مطلق» در کتابهای پایان ناپذیری که در مورد شاه یا انقلاب نوشته می‌شود، هنوز مطرح است و پرسشهایی برمی‌انگیزد. پژوهشی دقیق و کنجکاوی و کنار هم گذاشتن اطلاعات گوناگون، سرمنشأ این ماجرا را آشکار می‌سازد: اندیشه تهیه آن مقاله از سوی «امیرعباس هویدا» وزیر دربار به شاه پیشنهاد شد. او به شاه که از حملات این آخوند تبعیدی ناخرسند بود گفت: «چرا ما پاسخ خمینی را ندیم و شخصیت راستین و پیشینه او را برملا نکنیم.» شاه احتمالاً پاسخ داده بود: «چرا که نه.» و این پاسخ به‌عنوان موافقت و سپس یک دستور تلقی شد. نگارش مقاله برعهده روزنامه‌نگاری که اکنون در خارج از کشور زندگی می‌کند نهاده شد. هیچ اطلاع دقیقی در اختیار او گذاشته نشد. او تنها به چیزهایی که شنیده بود و چند شایعه خصمانه در مورد «خمینی» استناد کرد. هنگامی که مقاله آماده شد، «هویدا» آن را به «داریوش همایون» وزیر اطلاعات سپرد و به او دستور داد در یک نشریه معتبر چاپ شود. «همایون» اعتراف کرده مقاله را گرفته، دیده ولی پیش از چاپ نخوانده است. سپس این مسأله پیش آمد که

سر کلاس می‌رفت و هیچگاه کار تدریس را رها نکرد و به‌مدد همین سوابق دانشگاهی بود که پس از مهاجرت به فرانسه ۱۷ سال به‌عنوان استاد در دانشگاه پاریس تدریس کرد. نهاوندی در سالهای ۱۳۵۰ گروه بررسی مسایل ایران را بنیان گذاشت به امید آنکه پیشنهادات این گروه راهگشای اصلاحاتی در ساختار آموزشی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی ایران شود. نهاوندی برای جمع آوری مطالب کتاب پانصد صفحه‌ای خود، مختصری از حافظه معروفش و مقدار زیادی از یادداشتهای روزانه یا شبانه‌اش سود جسته است. کتاب از آغاز تا پایان، سرشار است از حوادث پرهیجان و اخبار دست اول که بیشتر اوقات نویسنده شخصاً درگیر آن بوده است و به همین دلیل محتوای کتاب شبیه رمانهای جذابی است که بر

ترجمه فارسی کتاب «آخرین روزها، پایان سلطنت و درگذشت شاه» نوشته دکتر هوشنگ نهاوندی از سوی شرکت کتاب در لس‌آنجلس منتشر شده است. بهروز صوراسرافیل و مریم سیحون مترجمان این کتاب، به‌خوبی از عهده برگرداندن آن از زبان فرانسه به فارسی برآمده‌اند. دکتر نهاوندی در دوران سلطنت محمدرضا شاه پهلوی وزارت آبادانی و مسکن و علوم و آموزش عالی و ریاست دانشگاههای پهلوی و تهران را به‌عهده داشت. وی مدتی نیز رئیس دفتر علیاحضرت شهبانو و چندی رئیس هیأت مدیره انجمن آثار ملی بود. اما در تمام این سالها وی بیشتر با محافل روشنفکری، علمی و دانشگاهی نشست و برخاست داشت تا با دولتیان. نهاوندی در دوران ریاست‌برتر دانشگاههای پهلوی و تهران هفته‌ای چند ساعت



نادرست. در مقاله، «خمینی» متهم شده بود که جاسوس بیگانه بوده و یا هست. در واقع، او در گروه اطرافیان «سید ابوالقاسم کاشانی» بود که با انگلیسیها نزدیکی داشت، مخالف «مصدق» بود. بعدها هم در زمان حکومت سرهنگ «عبدالناصر» پولهایی از سرویسهای مخفی مصری دریافت کرده بود تا در راه بی‌ثبات کردن رژیم شاه هزینه کند. خلاصه، از متخصصان دسیسه‌پردازی و آشوبگری بود. از روابط پاره‌ای از اطرافیان یا آلمان شرقی از اوایل دهه هفتاد، رازی فاش نشده نبود (به‌موجب اسناد C.E.I) و بعضی از نشریات تخصصی اطلاعاتی غربی از آن سخن گفته بودند. اما گرچه «سیا» از سال ۱۹۶۱، از طریق اطلاعات سرهنگ «گلنیوسکی» نفر شماره دو سازمان ضد جاسوسی

در روزهای پس از سفر رئیس جمهوری آمریکا، در محیط کوچک سیاسی پایتخت ایران شکاف افتاده بود. گروهی می‌پنداشتند که قدرت شاه بسیار بیش از گذشته شده است. دسته دیگر، مخالفان شاه، ناامید و خشمگین بودند. خود شاه آرام و متین، و ظاهراً بی‌تفاوت بود. روز هشتم ژانویه ماجرای روی داد که امروز می‌توان آن را به‌راستی نقطه آغاز فراگرد انقلاب، و چاشنی انفجاری آن دانست.

«اطلاعات» روزنامه عصر تهران، مقاله‌ای با امضای مستعار «رشیدی مطلق» در مورد «روح‌الله خمینی»، آخوندی که به عراق تبعید شده بود، چاپ کرد که به‌زودی به معمایی تبدیل شد. تبعید «خمینی» به دلیل مخالفت و تحریکات او علیه «انقلاب سفید» و دگرگونیهای بنیادی در زمینه ارضی و آزادی زنان بود که پایه‌های آن انقلاب را تشکیل می‌دادند. البته، از چندین هفته پیش از آن نوارهای ضبط صوت و پیامهایی از «نجف» تبعیدگاه «خمینی» در میان محافل در تهران و قم پخش می‌شد. لحن پیامها بسیار خشن بود و خمینی در آنها پادشاه را به‌باد دشنام و ناسزا می‌گرفت. اما سخنگوی اصلی و سردهسته جنبش سیاسی - مذهبی که در جهت ایجاد تحولات اساسی در نظام حکومتی مملکت آغاز شده بود، آیت‌الله «شریعتمداری» در قم بود. «خمینی» را تقریباً هیچکس نمی‌شناخت و بسیاری هم او را فراموش کرده بودند. چاپ مقاله‌ای که او چهره شاخصش بود، بی‌معنا و بی‌شک یک اشتباه بزرگ بود. در ساعات پس از چاپ آن مقاله، هیچکس توجهی به آن نکرد و چاپش به‌زحمت شگفتی کسی را برانگیخت. در آن مقاله در مورد «خمینی» گفته شده بود هندی تبار است، که راست بود. گفته شده بود همسرش رفاصه دوره‌گرد بوده، که درست نبود. همسر «خمینی» به خانواده‌ای مرفه و محترم تعلق داشت. گفته شده بود «خمینی» نادان است، که ایرانیان و جهانیان بعداً دریافته‌اند که درست بوده، گفته شده بود او در ایام شباب انحرافات اخلاقی (همجنس‌بازی) داشته، که مربوط به زندگی خصوصی او می‌شد و قابل اثبات نبود. خلاصه مقاله، آمیخته‌ای بود از حقایق و مطالب

سازمان داد. به راستی نیز جنبشی آغاز شد. بیش از سیصد هزار تن در تظاهرات شرکت کردند. در میدان بزرگ شهر و در برابر شهرداری تبریز، جایگاه ساختند و بر آن، «جمشید آموزگار» نخست وزیر و دبیر کل حزب، اعضای کمیته مرکزی و تنی چند از شخصیتها جای گرفتند. نخست وزیر سخنان بسیار کوبنده‌ای ایراد کرد که در پاره‌ای موارد به راستی لحنی شدید به خود می‌گرفت. هر بار پس از بردن نام شاه، با ابراز احساسات شدیدی استقبال می‌شد. خروش و احساسات در اوج خود بود که ناگهان بخشی از جایگاه سخنرانان و شخصیتها که با عجله سر همبندی شده بود فرو ریخت. هیچکس حتی زخمی سطحی برنداشت، ولی مردم خرافاتی در این حادثه «نشانه‌ای» دیدند. در برابر این غم‌انگیز قدرت مردم به سود حکومت، آخوندها

مرکز و منبع تحریک و اغتشاش بوده‌اند. به محض آن که خبر چاپ مقاله به قم رسید، تظاهرات آغاز شد. نخستین آنها که فردای آن روز روی داد، کوچک بود و مأموران پلیس با تجهیزاتی بسیار مختصر، کوشیدند پراکنده‌اش کنند. چند تن زخمی شدند که یکی از آنها از شدت جراحات درگذشت. در آن زمان، سه تن از بزرگترین و مهمترین پیشوایان شیعیان جهان در قم زندگی می‌کردند که بعداً رسانه‌های بین‌المللی آنان را «مثلث قدرت قم» خواندند. در صدر آنان، آیت‌الله «شریعتمداری» بسیار با نفوذ و نیرومند بود که از همان هنگام شاخص‌ترین فرد جنبش مردم ایران شد و تا هنگام بازگشت «خمینی» این موقعیت را حفظ کرد. در آن گاه، سران سلسله مراتب رهبری شیعه، مثل همیشه

مقاله، در کدام روزنامه چاپ شود. دو روزنامه صبح را معاف کردند: نخست «آیندگان» که بنیانگذار آن خود «همایون» بود. او روزنامه‌نگار با استعدادی بود که هنگام رسیدن به وزارت اطلاعات نیز آن نشریه را اداره می‌کرد. از آن پس نیز در «آیندگان» سرمقاله‌های بی‌امضایی می‌نوشت که کاملاً آشکار بود نوشته اوست. چاپ مقاله در «آیندگان» معنای ویژه‌ای به آن می‌داد و به گونه‌ای رسمی‌اش می‌کرد. روزنامه دیگر «رستاخیز»، ارگان حزب یگانه‌ای بود که چندی پیش، شاه آن را پایه‌گذاری کرده بود. به همان دلایل، «رستاخیز» هم معاف شد. بنابراین انتخاب می‌بایست میان دو روزنامه عصر انجام می‌گرفت: «کیهان» که مدیر آن سناتور «مصباح‌زاده» فرد بسیار با نفوذی با ارتباط نزدیک با شاه و «آموزگار»، نخست وزیر وقت بود و می‌توانست شاه را از آن دستوری که در واقع ن داده بود، منصرف کند. بالاخره روزنامه «اطلاعات» از همه ضعیفتر انتخاب شد که پنجاه سال پیش از آن، توسط خانواده «مسعودی» بنیانگذاری شده و «عباس مسعودی»، شخصیت پر قدرت و نایب رئیس مجلس سنا تا هنگام مرگش آن را اداره می‌کرد. پس از او، اداره «اطلاعات» به پسرش «فرهاد» سپرده شده بود که نه تأثیر و نفوذ زیادی داشت و نه تجربه سیاسی. تا حدی که حتی «هویدا»، به هنگام نخست وزیریش سردبیری برای او انتخاب و به وی تحمیل کرده بود که زیر فرمان خودش بود. «فرهاد مسعودی» ۴۸ ساعت مقاومت کرد. کار به دخالت «ساواک» کشید. به تیمسار «نصیری» رئیس «ساواک» می‌فهماند که چاپ مقاله یک «دستور» است. او که شخصیت نیرومندی نداشت، کلمه‌های نگفت. او را برای این در آن مقام گذاشته بودند که اطاعت کند، نه اظهار نظر. از این گذشته، او باید تأیید نخست‌وزیر را که ظاهراً رئیسش بود، و به ویژه تأیید شاه را در مورد واقعیت دستور، پیش از اجرای آن، دریافت می‌کرد. اما این کار را نکرد. «پرویز ثابتی» که مسئول امنیت داخلی بود، نظر منفی داد و گفت: «این مقاله، زیانبار و چاپش ضد منافع ملی است.» اما کسی توجهی به نظر او نکرد. «مسعودی» سعی کرد با شاه تماس بگیرد، اما نتوانست و بالاخره تن داد. در نهایت، مقاله روز ۸ ژانویه منتشر شد. نخست‌وزیر که اصلاً در جریان هیچ چیز نبود، و شاه که نوشته را قبلاً نخوانده بود، هنگامی از چاپ آن با خبر شدند که منتشر و در سراسر کشور پخش شده بود. عملیات «بر روی کار آوردن خمینی» آغاز شده بود. تصورش دشوار است که «امیرعباس هویدا»، آن مرد هوشمند که مسلماً از سازمانهای اطلاعاتی و منابع خارجی دستور می‌گرفت، منشأ مستقیم آن عملیات بوده باشد. بعید نیست که او آلت دست کسانی در میان اطرافیان خود شده یا از سر بی‌فکری این کار را کرده باشد. او به این گونه تحریکات علاقمند بود و گاهی اوقات مقالات یا شایعاتی علیه مخالفان سیاسی یارقبای بالقوه خود در پاره‌ای نشریات به چاپ می‌رساند. «شجاع‌الدین شفا» اخیراً در مورد ماجرای چاپ آن مقاله برای من نوشت که «گونه‌ای پوست خربوزه» زیر پای رژیم گذاشتن، یا به بیان دیگر، خدعه‌ای برای تحریک علیه شاه بود. و اشتباه می‌گوید. پس از چاپ مقاله، و به ویژه پس از بروز واکنشهای منفی در برابرش، «محمدرضاشاه» به عادت همیشگی، تحمل کرد و اقدامی نکرد. اما آیا هنگامی که چند ماه بعد اجازه داد دولت نظامی، «هویدا» را به زندان اندازد (و آن خود اشتباه بزرگ دیگری بود)، در حقیقت نمی‌خواست — آگاهانه یا غیر آن — «هویدا» را به خاطر آن ماجرا و چند مورد دیگر که بعداً به او نسبت دادند، تنبیه کند؟



تاکتیکی را در پیش گرفتند که نامش «چله» بود. بر اساس سنن اسلامی، برای هر مرده‌ای در چهلمین روز مرگ، مراسم یادبودی برپا می‌شود و آئینهای مذهبی انجام می‌گیرد. آیت‌الله «شریعتمداری» از هموطنان خواست که برای تنها کشته تظاهرات قم، «چله» بگیرند و این مراسم در روز ۱۸ فوریه در تبریز انجام گرفت. شب پیش از آن، به دستور رئیس شهربانی، مسجدی که قرار بود مراسم در آن برگزار شود، تعطیل شد. صبح روز چهلم که مردم آغاز به گرد آمدن کردند، تیمسار «نصیری» به رئیس شهربانی شهر تلفن کرد و از او خواست که مسجد را باز کند. اما رئیس شهربانی با کمال احترام پاسخ داد که دستوراتش را از رئیس شهربانی کل کشور می‌گیرد و نه «ساواک». سپس به «نصیری» گفت که دستور کتبی دریافت کرده، و برای باطل شدن آن باید دستور کتبی دیگری به او برسد. این، البته از آن موارد رقابت دو نیروی انتظامی بود. اما دستور باز کردن مسجد دیر رسید، زیرا «نصیری» با نخست وزیر تماس گرفت و او از شاه اجازه خواست. زمانی که با این دست و آن دست کردن تلف شد، موجب برخورد تظاهرکنندگان و نیروهای انتظامی که مسجد را در محاصره داشتند، گردید. ساختمان حزب رستاخیز که تقریباً محافظی نداشت، مورد حمله قرار گرفت و به دست تظاهرکنندگان زیر و رو شد. اغتشاشی خونین روی داد و مأموران پلیس که برای رویارویی با تظاهرات و ناآرامیهای خیابانی آمادگی نداشتند، از اسلحه‌های خود استفاده کردند. چندین کشته و بسیار زخمی به بار آمد. زنجیره خشن و بی‌رحم تظاهرات و سرکوبهای پیاپی آغاز گردید که یگانه‌است به انقلاب انجامید.

(ادامه دارد)

در تاریخ ایران از سال ۱۵۰۲ میلادی — سالی که این شاخه اقلیت اسلام به دلایل کاملاً سیاسی، مذهب رسمی کشور اعلام شد — با همدیگر اختلافات اساسی داشتند. با این حال، باز هم بر اساس سنتی کهن، در برابر آنچه توهین به یک روحانی می‌انگاشتند، متحد شدند. آیت‌الله «شریعتمداری»، که خمینی را خیلی خوب می‌شناخت و او را چندان به حساب نمی‌آورد، فقط برای این که اغتشاش مردم را آرام کند، از دولت خواست که از چاپ مقاله کذایی عذر بخواهد یا دست کم ابراز تأسف کند. اما دولت با ناشیگری و قطعاً با موافقت شاه، به وی پاسخ داد مطبوعات آزادند، دولت نقشی در چاپ آن نداشته و دلیلی برای عذرخواهی نیست. و البته هیچکس باور نکرد. اغتشاشها بسیار محدود و به ویژه کاملاً محلی و پراکنده بود که به راحتی می‌توانستند مقتدرانه در برابرش بایستند. عده‌ای را دستگیر کنند و غائله را در نطفه خفه. یا آن که می‌توانستند چنانکه «شریعتمداری» خواسته بود به راه آرام کردن اوضاع بروند. اما مقامات، به گمان آن که گذشت زمان به سود آنهاست، به هیچ یک از این دو راه نرفتند. و این باز اشتباهی دیگر بود. نیروهای زیر زمینی که برای بی‌ثبات کردن رژیم متشکل شده و ساقط کردن شاه را در هدف داشتند، از همان هنگام دست به کار بودند. این تردید و دو دلی دولت برای آنان بهترین حربه و امتیاز بود. آرامشی که پس از تظاهرات قم حاکم شد، بسیار موقتی بود.

دولت تصمیم گرفت وزنه را از لحاظ مردم و افکار عمومی سنگینتر کند. حزب واحد رستاخیز، روز ۲۶ ژانویه، تظاهرات بزرگی در تبریز، پایتخت آذربایجان و زادگاه «شریعتمداری»

شهر قم، مرکز اصلی آموزشی ملاحاست. طلاب و شاگردان حوزه علمیه آنجا، که برخی از مدارسش اندکی هم متجددتر بودند — البته نه به صورت دانشگاههای غربی — همواره



نمایشگاه زن زندگی آزادی

پگاه مشیری پور روی صحنه این جشنواره، که پربیننده‌ترین برنامه تلویزیونی سال در ایتالیاست و از تلویزیون‌های چندین کشور دیگر نیز پخش می‌شود، از خیزش مردم ایران و از جهنمی صحبت کرد که جمهوری اسلامی قصد دارد آن را بهشت معرفی کند. قبل از او آمادئوس مجری و مدیر هنری این جشنواره گفت «اگر ما از آزادی بیان برخورداریم، کشوری هست که در آن آزادی خواندن و رقصیدن وجود ندارد و نامش ایران است.»

پگاه مشیری پور سپس از «برای» شروین حاجی پور گفت که ندای این انقلاب است، و در حالی که این ترانه پخش می‌شد همراه با دروزیلا کارگردان و هنرپیشه تئاتر که معروف‌ترین شخصیت تراجنسی ایتالیاست و محبوبیت بسیاری دارد، بخشی از متن «برای» را به ایتالیایی ترجمه کرد. ترجمه‌ای که همراه با توضیحاتی در مورد وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی بود.

این حمایت در پربیننده‌ترین برنامه تلویزیونی ایتالیا بدون شک در شناساندن انقلاب «زن، زندگی، آزادی» و جلب حمایت مردم این کشور تاثیر بسیاری خواهد داشت. در شب اول جشنواره نیز روبرتو پنینی برنده جایزه اسکار برای فیلم «زندگی زیباست» که به عنوان میهمان در مدح زیبایی قانون اساسی این کشور صحبت می‌کرد، زمانی که به اصل ۲۱ قانون اساسی که در رابطه با آزادی بیان است اشاره می‌کرد گفت «کشورهائی هستند که در آنها حرف زدن، خواندن و رقصیدن ممنوع است». اشاره وی به جمهوری اسلامی بود بدون اینکه نامی از آن برده شود.

در روزهای گذشته بولونیا، در ایتالیای مرکزی، میهمان Arte Fiera، مهم‌ترین بازار هنری ایتالیا بود. بازار هنری که ده‌ها هزار نفر را هر سال به این شهر می‌کشاند. همزمان با روزهای این بازار هنری، پوسترهائی در رابطه با انقلاب در ایران دیوارهای شهر را پوشاندند. پوسترهائی با طرح‌های متفاوت ولی همه با نوشته «زن، زندگی، آزادی» به زبان‌های فارسی و انگلیسی که با استقبال خوبی مواجه شدند.

یک نهاد هنری به نام «چیپ» (Cheap) تهیه این پوسترها و پخش آنها را بر عهده دارد ولی همگی آنها کار گروهی از گرافیس‌تهای ایرانی است که نام AIA - Anonymous Iranian Artists را برای خود انتخاب کرده‌اند. «چیپ» در معرفی این کارزار در حمایت از انقلاب مردم ایران برای دموکراسی و حقوق بشر در بیانیه‌ای می‌نویسد «ما صدای مردم ایران را که علیه حکومتی اسلامی و تمامیت‌خواه

حمایت گسترده جامعه هنری ایتالیا از انقلاب «زن، زندگی، آزادی»

Flash Mob حمایت خود را از حرکت انقلابی مردم ایران اعلام کردند. در روزهای آینده در رم نیز مراسم مشابهی با شرکت هنرمندان سرشناس ایتالیائی برگزار خواهد شد.

احمد رأفت - جشنواره موسیقی سانرمو که سه‌شنبه آغاز شد و شنبه ۴ فوریه با انتخاب بهترین‌های موسیقی این کشور به کار خود پایان داد، در دومین شب برگزاری حمایت خود را از انقلاب «زن، زندگی، آزادی» با دعوت پگاه مشیری پور، یک زن جوان ایرانی که در ۸ سالگی همراه خانواده‌اش به ایتالیا مهاجرت کرده، اعلام کرد.

● مهم‌ترین جشنواره موسیقی ایتالیا که پربیننده‌ترین برنامه سال تلویزیونی این کشور است، با دعوت از یک زن جوان ایرانی و پخش آهنگ «برای» شروین حاجی پور از انقلاب «زن، زندگی، آزادی» حمایت کرد.

● شهر بولونیا با پوسترهائی از کارهای گرافیس‌تهای ایرانی همزمان با مهم‌ترین بازار هنری ایتالیا پوشانده شده است. آکادمی هنرهای زیبا نیز نمایشگاهی با ۸۰۰ کارت پستال از آثار هنرمندان ایرانی و ایتالیائی در رابطه با انقلاب مردم ایران برای آزادی برگزار کرد.
● در شهر ناپل هنرمندان ایتالیائی با نمایش خیابانی یا



جنایت جنگی یا جنایت علیه بشریت تعدادی از خانواده‌های کشته‌شدگان هوایمی اوکراینی شکایت خود را از دادگاه نظامی تهران پس گرفتند



تجمع خانواده‌های جانباختگان «پرواز ۷۵۲» در مقابل دادگاه نظامی تهران

رسیدم که این جنایت یا در قالب جنایت جنگی رخ داده یا جنایت علیه بشریت و عمدی بوده است، چرا که آن شب با وجود فضای جنگی حریم هوایی بازگذاشته شده و سامانه هوایی در مسیر پروازهای بین‌المللی مستقر شد.»

به گفته یکی از خانواده‌ها عباس صادقی، لایحه‌ای را تنظیم کرد و تعداد زیادی از شاکیان امضاء کردند و در دادگاه قرائت شد و در انتها جلسه دادگاه را ترک کردند. به گفته این شخص در دادگاهی که ۲۳ بهمن برگزار شد ۲۰ نفر لایحه را امضاء کردند و قرار است به تعداد امضاکنندگان اضافه شود.

عباس صادقی همچنین تاکید کرد که «در آن شب جنگی و پرتنش به دستور شورای عالی امنیت ملی حریم هوایی باز گذاشته شد و سامانه موشکی در زیر دالان و کریدور هوایی و در مسیر پروازهای بین‌المللی مستقر شد» و به همین دلیل «ما بر این باوریم که این جنایت عمدی بوده و هیچ تردیدی در این نداریم.»

بر اساس قوانین ایکائو هر دولتی مسئول تامین امنیت حریم هوایی آن کشور است. این تهدید شامل مواردی مثل درگیری مسلحانه، ابرهای ناشی از آتشفشان‌ها، آزمایش‌های موشکی و پرتاب راکت‌ها و موشک‌ها می‌شود.

فرماندهان بلندپایه نظامی جمهوری اسلامی به «شرایط جنگی» هنگام پرواز هوایمی بوئینگ اوکراینی اعتراف کرده‌اند. آنها که سه روز تلاش کردند تا حقیقت را لاپوشانی کنند سرانجام مجبور به اعتراف شدند که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به پرواز ۷۵۲ شلیک کرده اما «غیرعمدی» و «خطای انسانی» یک «پراتور» بوده است!

● عباس صادقی وکیل دادگستری که چهارنفر از عزیزان وی مسافران پرواز «پی‌اس ۷۵۲» بودند در یک پیام ویدیویی گفته «دردناک‌ترین تحقیر حقیقت در این دادگاه رقم می‌خورد... دادگاه نه صلاحیت، نه توانایی و نه اراده رسیدگی مستقل و بی‌طرفانه دارد.»

● وی همچنین می‌گوید «از ۱۴ جلد پرونده به این نتیجه رسیدم که این جنایت یا در قالب جنایت جنگی رخ داده یا جنایت علیه بشریت و عمدی بوده است، چرا که آن شب با وجود فضای جنگی حریم هوایی بازگذاشته شده و سامانه هوایی در مسیر پروازهای بین‌المللی مستقر شد.»

شماری از خانواده‌های جانباختگان پرواز «اوکراین اینترنشنال» که با موشک‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سرنگون شد در یک اقدام اعتراضی شکایت خود را از دادگاه نظامی تهران پس گرفتند.

عباس صادقی که پسر، دختر، عروس و نوه خود را در پرواز «PSV۷۵۲» از دست داده در پیام ویدئویی به تشریح دلایل پس گرفتن شکایت خود از دادگاه نظامی تهران پرداخت و گفت: «دردناک‌ترین تحقیر حقیقت در این دادگاه رقم می‌خورد.»

او گفت که دادگاه نظامی تهران «نه صلاحیت، نه توانایی و نه اراده رسیدگی مستقل و بی‌طرفانه» به این پرونده را ندارد. صادقی با اشاره به روند قضایی که در جمهوری اسلامی طی شده گفت که چگونه «حقیقت را به مسلخ بردند» و متهمان اصلی پرونده تحت تعقیب قرار نگرفتند. وی همچنین افزود: «از ۱۴ جلد پرونده به این نتیجه

با نگاهی زنانه بیاخته‌اند شنیدیم و خود را موظف به حمایت از حرکتی می‌دانیم که با اعتراضات زنان آغاز ولی بلافاصله به همه جامعه از جمله دانشجویان و کارگران نیز گسترش یافت.» در ادامه این بیانیه آمده است که «زن، زندگی، آزادی انقلابی زنانه است که هدف آن تغییرات بنیادی در کشور است.»

همزمان با این ابتکار «چیپ»، آکادمی هنرهای زیبای بولونیا نیز نمایشگاهی با ۸۰۰ کارت پستال با موضوع انقلاب «زن، زندگی، آزادی» برگزار کرد. این نمایشگاه به ابتکار گروهی از دانشجویان و فارغ‌التحصیلان ایرانی آکادمی و حمایت رئیس آن و شورای دانشجویی‌اش در محل آکادمی برگزار شد. ۸۰۰ کارت پستال با نقاشی‌های هنرمندان ایرانی داخل و خارج از ایران و البته هنرمندان و دانشجویان هنر ایتالیایی و دیگر کشورها در راهروهای آکادمی به نمایش گذاشته شدند. این نمایشگاه نیز مورد استقبال گسترده‌ای قرار گرفت و تلویزیون‌های ایتالیا گزارش‌هایی از آن تهیه و پخش کردند.

در شهر ناپل، در جنوب ایتالیا، به دعوت ماریزا لائوریتو هنرپیشه و مدیر هنری مهم‌ترین تئاتر این شهر نیز تجمع و نمایشی خیابانی یا Flash Mob با حضور هنرمندان ایتالیایی سرشناس چون توسکا، ادواردو بناتو و جانی پینتو که از خوانندگان مشهور هستند برگزار شد که با توجه به محبوبیت آنها بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌ها یافت. توسکا چند هفته پیش نیز در یک برنامه تلویزیونی پربیننده ترانه معروف ایتالیایی «بلا چائو» را در حمایت از زنان ایران به زبان فارسی اجرا کرده بود. ماریزا لائوریتو در گفتگو با کیهان لندن می‌گوید «متأسفانه سیاست، و منظوم تنها ایتالیا نیست بلکه در سطح جهانی، خیلی کمتر از آنچه انتظار می‌رفت نسبت به این انقلاب از خود واکنش نشان داده است. با توجه به شمار کشته‌شدگان در اعتراضات و بازداشتی‌ها، لازم بود همه درها به روی جمهوری اسلامی بسته شوند و کشورها اروپایی روابطشان را با این رژیم قطع کنند.» این هنرپیشه سرشناس ایتالیایی در ادامه می‌گوید «بدون شک دلیل این برخورد خجالتی در حمایت از اعتراضات مردمی در ایران را باید در روابط اقتصادی جستجو کرد، ولی پرسش اینجاست آیا ما آنقدر برده‌ی پول شده‌ایم که دیگر انسان و انسانیت برایمان اهمیت چندانی ندارد؟»

مراسمی مشابه نیز قرار است با حمایت گروهی دیگر از هنرمندان ایتالیایی ۱۸ فوریه در شهر رم برگزار شود. این مراسم که با عنوان «انقلاب کاری شاعرانه است» برگزار خواهد شد، از حمایت استانداری ایالت لاتزیو، ایالتی که شهر رم در آن قرار دارد، نیز برخوردار است. تا کنون بیش از ۲۰۰ هزار نفر توماری را در پشتیبانی از فعالیت‌های هنرمندان ایتالیایی در حمایت از انقلاب «زن، زندگی، آزادی» امضا کرده‌اند.

توسکا خواننده ایتالیایی که از جمله برگزارکنندگان این مراسم در رم است به کیهان لندن می‌گوید «می‌توان در مقابل آنچه ماه‌هاست در ایران می‌گذرد بی‌تفاوت ماند. غرب باید با صدای بلند نقض وحشیانه حقوق زنان، مردان و به ویژه جوانان ایرانی را که رژیم آیت‌الله‌ها آنها را بازداشت می‌کند، به زندان می‌اندازد و می‌کشد محکوم کند. ما در ایران با یک انقلاب واقعی روبرو هستیم. انقلاب زنان و مردانی که برای آن حقوقی به خیابان آمده‌اند که برای ما داشتن آنها عادی است.»

بازنشر از دی ۱۳۷۸؛ سیاست تکراری «بازگشت» ایرانیان خارج کشور عفو عمومی؟! برای کدام جرم؟! بازنشر



پرچم‌های شبرخورشید پدر اعتراضات ایرانیان خارج کشور / ۱۴۰۱

الاهه بقراط - هر دولتی که در جمهوری اسلامی سر کار می‌آید کلی ادعا درباره بازگشت ایرانیان خارج کشور مطرح می‌کند. ادعایی که از تطمیع تا تهدید را در بر می‌گیرد و البته نه تنها «ایرانیان خارج کشور» بر نمی‌گردند بلکه بسیاری از شهروندان در داخل کشور از هر راهی که بتوانند تلاش می‌کنند برای یک زندگی عادی و در آزادی و امنیت و رفاه به کشور دیگری بروند. این در حالیست که فرزندان و خویشاوندان خود مقامات جمهوری اسلامی سال‌هاست که زندگی در کشوری دیگر را بر ماندن در ایران ترجیح می‌دهند. آنچه می‌خوانید ۲۳ سال پیش در مورد طرح مجلس پنجم شورای اسلامی در ارتباط با «عفو و امان‌نامه» برای ایرانیان خارج کشور جهت بازگشت به کشور نوشته شد.

بسیار نکوست که سرانجام تنی چند از نمایندگان مجلس [پنجم] شورای اسلامی [۱۳۷۸] دولت نخست محمد خاتمی] به یاد هزاران ایرانی که در خارج کشور بسر می‌برند افتاده و طرحی را برای گشایش راه بازگشت آنان به کشور خودشان با قید یک فوریت تقدیم هیأت رئیسه مجلس نموده‌اند.

قید یک فوریت نشانگر این امر است که موضوع اگرچه چندان فوری نیست لیکن از اهمیتی برخوردار هست که سریع‌تر از طرح‌های بدون فوریت به آن پرداخته شود. دیر یا زود موضوع مهاجران ایرانی که به دلیل شرایط حاکم، کشور خویش را ترک گفته‌اند، به مسئله جمهوری اسلامی تبدیل می‌شود. اگرچه طرح «عفو عمومی» می‌تواند راهگشای مباحثی جدی در این زمینه شود، لیکن از همان گام نخست بر خشت کج بنا شده، چرا که مهاجران را بطور عموم مجرم و گناهکار شناخته که می‌باید تقاضای بخشش کنند و امان‌نامه دریافت دارند!

نیست، بلکه پدیده‌ای است با ابعاد اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی.

● کسانی که خواهان بازگشت به ایران هستند، می‌خواهند از حقوق یک شهروند آزاده در یک جامعه طبیعی و باز برخوردار باشند. تا زمانی که نتوان همان حرف‌هایی را که در خارج از ایران می‌توان زد، در خود کشور بر زبان آورد، به چه دلیل باید چنین امکانات گسترده‌ای را که در حمایت از دگراندیشان، روزنامه‌نگاران و نویسندگان ایران و بطور کلی به سود آزادی بیان و مردمسالاری در ایران به بهترین شکلی می‌توان به کار گرفت و بر بال‌های تکنولوژی در سراسر ایران گستراند، از دست داد؟!

● «امان‌نامه» را به دگراندیشان و روزنامه‌نگاران و نویسندگان و دانشجویان بدهید تا برای هر گفتار و کردار سر از دادگاه‌های خودسرانه در نیاورند.

● عفو را برای کسانی تقاضا کنید که دست‌هایشان تا مرفق به خون دگراندیشان داخل و خارج آلوده است، آن‌هم نه از «پیشگاه معظم رهبری» بلکه از ملت صبور ایران که بخش کوچکی از آن نیز در خارج کشور بسر می‌برد.

● ابتدا تلاش کنید کسانی را که به هر دری می‌زنند تا از ایران خارج شوند، در کشور نگاه دارید تا بعد بتوانید ایرانی‌های خارج از کشور را برای بازگشت قانع سازید.

● ایرانی، کشورش را آزاده و سربلند می‌خواهد، اگر امکانات رسیدن به چنین هدفی در داخل کشور از او سلب شود، برای آن در سراسر جهان تلاش خواهد کرد. هر پدیده‌ای زمان خود را دارد. هنگامی که زمان موعود فرا رسد، هیچ بنی‌بشری را توان رویارویی با پدیده‌ای که می‌باید شکل بگیرد، نیست.

● آنچه می‌خوانید ۲۳ سال پیش در مورد طرح مجلس پنجم شورای اسلامی در ارتباط با «عفو و امان‌نامه» برای ایرانیان خارج کشور جهت بازگشت به کشور نوشته شد. هر دولتی که در جمهوری اسلامی سر کار می‌آید کلی ادعا درباره بازگشت ایرانیان خارج کشور مطرح می‌کند. ادعایی که از تطمیع تا تهدید را در بر می‌گیرد و البته نه تنها «ایرانیان خارج کشور» بر نمی‌گردند بلکه بسیاری از شهروندان در داخل کشور از هر راهی که بتوانند تلاش می‌کنند برای یک زندگی عادی و در آزادی و امنیت و رفاه به کشور دیگری بروند.

● منظور این طرح [۱۳۷۸] دولت نخست محمد خاتمی/ مجلس شورای اسلامی پنجم] از «تمام کسانی که پس از انقلاب ایران را ترک کرده‌اند» عمدتاً تبعیدیان سیاسی است زیرا کسانی که به دلایل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران را ترک کرده‌اند، تنها در صورتی به موضوع بازگشت فکر خواهند کرد که مسائلی که موجب مهاجرت آنان شده است، حل شده باشد. از سوی دیگر اصولاً دلیلی ندارد که تقاضای بخشش کنند و یا پس از بازگشت مورد بازخواست قرار گیرند... از خیل عظیم زنان که به دلایل کاملاً حقوقی و قابل درک حاضر به تحمل شرایط حقوقی، فرهنگی و اجتماعی در ایران نیستند، بگذریم.

● آنچه مانع بازگشت بسیاری از ایرانیان مقیم خارج است، نبود فرمان عفو و بخشش نیست، بلکه وضعیت ناامن و نابسامان سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور است. مگر همین امروز هر کسی که امکانی بیابد، ایران را برای زندگی در کشورهای دیگر ترک نمی‌کند؟ و بسیاری دیگر که امکانی نمی‌یابند، آرزوی آن را در سر می‌پروراندند؟ مهاجرت و بازگشت ایرانیان خارج از کشور تنها یک مسئله سیاسی

از حقوق یک شهروند آزاده در یک جامعه طبیعی و باز برخوردار باشند. تا زمانی که نتوان همان حرف‌هایی را که در خارج از ایران می‌توان زد، در خود کشور بر زبان آورد، به چه دلیل باید چنین امکانات گسترده‌ای را که در حمایت از دگراندیشان، روزنامه‌نگاران و نویسندگان ایران و بطور کلی به سود آزادی بیان و مردمسالاری در ایران به بهترین شکلی می‌توان به کار گرفت و بر بال‌های تکنولوژی در سراسر ایران گستراند، از دست داد؟!



به «نمایندگان» محترم مجلس [پنجم] اسلامی باید گفت «امان‌نامه» را اول به ساکنان داخل کشور بدهید تا جان و مال‌شان از دستبرد آدم‌ریایان و آدمکشان در امان باشد. «امان‌نامه» را به دگراندیشان و روزنامه‌نگاران و نویسندگان و دانشجویان بدهید تا برای هر گفتار و کردار سر از دادگاه‌های خودسرانه در نیاورند.

عفو را برای کسانی تقاضا کنید که دست‌هایشان تا مَرَقف به خون دگراندیشان داخل و خارج آلوده است، آنهم نه از «پیشگاه معظم رهبری» بلکه از ملت صبور ایران که بخش کوچکی از آن نیز در خارج کشور بسر می‌برد.

ابتدا تلاش کنید کسانی را که به هر دری می‌زنند تا از ایران خارج شوند، در کشور نگاه دارید تا بعد بتوانید ایرانی‌های خارج از کشور را برای بازگشت قانع سازید.

ایرانی، کشورش را آزاده و سربلند می‌خواهد، اگر امکانات رسیدن به چنین هدفی در داخل کشور از او سلب شود، برای آن در سراسر جهان تلاش خواهد کرد. هر پدیده‌ای زمان خود را دارد. هنگامی که زمان موعود فرا رسد، هیچ بنی‌بشری را توان رویارویی با پدیده‌ای که می‌باید شکل بگیرد، نیست.

اگر قرار باشد طرحی برای بازگشت ایرانیان خارج از کشور تهیه شود، می‌باید طرح بازگشت بدون قید و شرط باشد. لیکن تا زمانی که مردم ایران در کشور خود از امنیت برخوردار نیستند، و حتا کسانی از درون خود نظام جمهوری اسلامی به دلیل دگراندیشی مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرند، نه «امان‌نامه» و نه حتا اعلام بازگشت بی قید و شرط، هیچ وسوسه‌ای را در آدمی بر نمی‌انگیزد.

* این مطلب نخستین بار در کیهان لندن شماره ۳۹۹، ۲۳ دسامبر ۱۹۹۹ برابر با ۲ دی ۱۳۷۸ چاپ شد.

«ضدانقلاب» نیستند، چه نیازی به «بخشش» و «امان‌نامه» هست؟!

می‌دانید چرا تمامی طرح‌ها، لویح و گاه برنامه‌های متعدد در زمینه‌های مختلف همواره سرشار از تناقض و دوگانگی هستند؟ وضعیت متناقض، دوگانه و سردرگم چیزی جز اینها نمی‌تواند ارائه کند.

آنچه مانع بازگشت بسیاری از ایرانیان مقیم خارج است، نبود فرمان عفو و بخشش نیست، بلکه وضعیت نامن و

ناسامان سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور است. مگر همین امروز هر کسی که امکانی بیابد، ایران را برای زندگی در کشورهای دیگر ترک می‌کند؟ بسیاری دیگر که امکانی نمی‌یابند، آرزوی آن را در سر نمی‌پروراند؟ مهاجرت و بازگشت ایرانیان خارج از کشور تنها یک مسئله سیاسی نیست، بلکه پدیده‌ای است با ابعاد اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی.

«امان‌نامه» برای داخل کشور!

بسیاری از تبعیدیان سیاسی در سال‌های پس از انقلاب همان حرف‌هایی را می‌گفتند که امروز افراد زیادی از درون خود نظام می‌گویند و به همین دلیل نیز مورد بازخواست خشکاندیشان قرار می‌گیرند. بر گفته‌های اینان نیز نام «جرم» نهاده‌اند. بنابراین اگر «عفو» در کار است، ابتدا می‌باید شامل کسانی شود که در ایران ساکن‌اند! هنگامی که ساکنان داخل کشور، آنهم در سطوح بالای مملکتی از امنیت برخوردار نیستند و برای هر گفته و نوشته‌ای، برای هر نظر و فکری مورد بازخواست قرار می‌گیرند، هنگامی که روزنامه‌نگاران، نویسندگان، دانشجویان نمی‌توانند آنچه را می‌اندیشند آزادانه بر زبان آورند، هنگامی که از فرهنگ «گفتگو» سخن می‌رود ولی هر گفت و شنیدی می‌تواند پیامدهای نامعلوم داشته باشد، چگونه تبعیدیان سیاسی بر فعالیت‌هایشان به عنوان جرم گردن نهاده و به «امان‌نامه» اعتماد کنند؟

چنین امری تنها در یک حالت دو مرحله‌ای امکان دارد: نخست، پذیرش ارتکاب «جرم» و دو دیگر، بازگشت و سکوت! چنین بازگشتی محدودیت بیشتری نیز در پی دارد: شمشیر داموکلس «سابقه سیاسی» و «امان‌نامه»! کسانی که خواهان بازگشت به ایران هستند، می‌خواهند

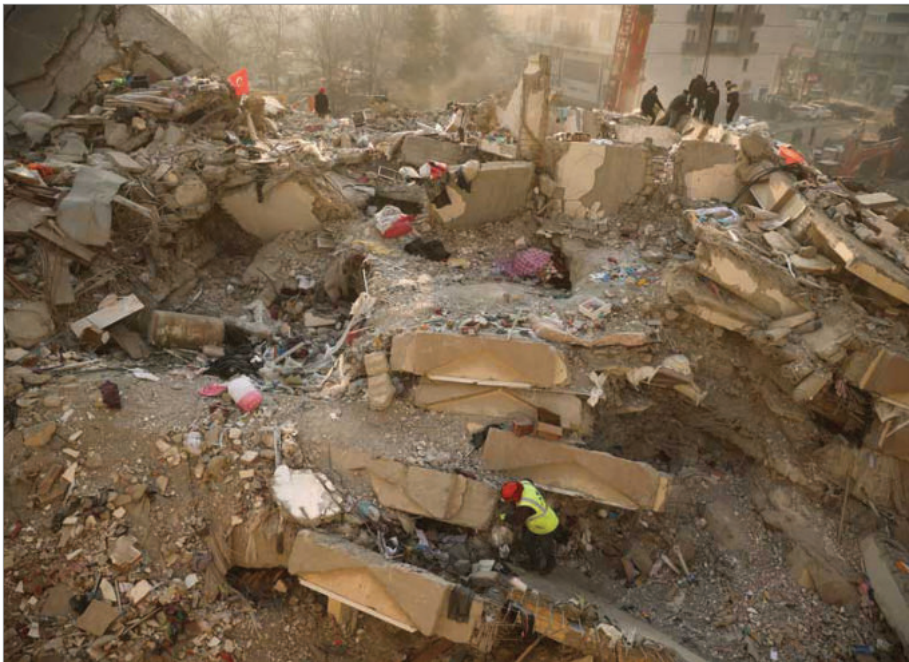
در کجای زمان ایستاده‌ایم؟

بدون پرده‌پوشی و تعارف باید گفت که منظور این طرح از «تمام کسانی که پس از انقلاب ایران را ترک کرده‌اند» عمدتاً تبعیدیان سیاسی است زیرا کسانی که به دلایل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران را ترک کرده‌اند، تنها در صورتی به موضوع بازگشت فکر خواهند کرد که مسائلی که موجب مهاجرت آنان شده است، حل شده باشد. از سوی دیگر اصولاً دلیلی ندارد که تقاضای بخشش کنند و یا پس از بازگشت مورد بازخواست قرار گیرند مگر در مواردی مانند خروج غیرقانونی که آنهم قابل خرید است. از خیل عظیم زنان که به دلایل کاملاً حقوقی و قابل درک حاضر به تحمل شرایط حقوقی، فرهنگی و اجتماعی در ایران نیستند، بگذریم. در عین حال مدت‌هاست که بسیاری از ایرانی‌هایی که گذران‌نامه‌های پنهان‌نگی داشته‌اند، آنها را پس داده و گذران‌نامه ایرانی گرفته و به ایران رفت و آمد می‌کنند. طرح یاد شده کسانی را که در کارهای تروریستی از جمله قتل دست داشته‌اند نیز شامل نخواهد شد. بدین ترتیب دایره عفو باز محدودتر شده و کسانی را در بر می‌گیرد که در صورت بازگشت به ایران ممکن است مورد بازخواست قرار گیرند.

کدام «جرم» است که می‌تواند به «امان‌نامه» نیاز داشته باشد؟ دگراندیشیدن؟ عضویت در گروه‌های سیاسی؟ فعالیت سیاسی پیش از خروج؟ محکومیت سیاسی در ایران؟ فعالیت سیاسی و فرهنگی در خارج کشور؟ مفهومی که معمولاً از «امان‌نامه» تداعی می‌شود، ظاهراً نباید هیچ‌کدام از این موارد را در بر گیرد. اگر نیز شرکت در عملیات تروریستی و قتل را که به هر حال از جرائم جنایی هستند از بحث خارج سازیم، هیچ جرم دیگری نمی‌یابیم که به عفو یا امان‌نامه نیاز داشته باشد. در این مورد نیز باید گفت جمهوری اسلامی که وزارت اطلاعات و امنیت‌اش آدم‌ریا و قاتل است، چگونه می‌خواهد کسانی را که مثلاً در جنگ‌های کردستان و یا ترکمن صحرا شرکت داشته‌اند و یا دست به عملیات تروریستی زده‌اند، غیرقابل بخشش بدانند و آنها را از دایره «عفو» خویش خارج سازد؟! اتفاقاً اگر امان‌نامه‌ای در کار باشد، می‌باید همان کسانی را در بر بگیرد که طرح مجلس [پنجم] ایشان را از شمول خویش خارج ساخته است، یعنی کسانی که در کارهای تروریستی از جمله قتل دست داشته‌اند و اینک مایل به زندگی در کشور خویش هستند. به این می‌گویند عفو! وگرنه هزاران ایرانی که جز آرزوی نیک‌بختی و بهروزی ملت و مملکت خویش در سر نپرورانده‌اند، جز برای ایشان نگفته و ننوشته‌اند و بسیاری از یاران آنان جان بر سر آورده‌اند، به دلیل کدام جرم مرتکب نشده‌ای باید مورد عفو قرار گرفته و بخشوده شوند؟! بدین ترتیب بر اساس طرح یاد شده [مجلس پنجم] دوران محمد خاتمی، ایرانیانی که به دلایل غیرسیاسی از ایران خارج شده‌اند و زیر عنوان موضوعات سیاسی توانسته‌اند اجازه اقامت در کشورهای دیگر دریافت کنند، می‌باید برای اعمالی مورد عفو قرار گیرند که اصلاً مرتکب نشده‌اند و تبعیدیان سیاسی نیز باید بر فعالیت‌های سیاسی و عقاید خویش نام «جرم» بگذارند تا مورد «عفو» قرار گیرند!

طرح «عفو عمومی» نکته دیگری را نیز مطرح می‌سازد که از جانب هیچ مهاجر و تبعیدی سیاسی نمی‌تواند مورد پذیرش قرار گیرد. فردی که قرار است مورد «عفو» قرار گیرد می‌باید نخست تقاضای بخشش کند تا مشمول «عفو» قرار گرفته و «امان‌نامه» دریافت دارد! تو گویی ما نه در آستانه سده بیست و یکم، بلکه در دوران «علی بابا و چهل دزد بغداد» بسر می‌بریم! اصلاً «وابستگی به گروه‌های ضدانقلاب» چه کسانی هستند؟ اگر هنوز «ضدانقلاب»‌اند، در این صورت نه تقاضای «بخشش» خواهند کرد و نه به «امان‌نامه رهبر» نیاز دارند. اگر

جان باختن ۳ ورزشکار ملی ایران و شماری از بازیکنان سرشناس فوتبال جهان در زمین لرزه ترکیه



تصویری از قهرمان مرعش / ترکیه / ۱۱ فوریه ۲۰۲۳

● تا کنون تعداد کشته شدگان زلزله مرگبار در ترکیه و سوریه به ۲۴ هزار نفر افزایش یافته است.

● تعداد جانبازان این زمین لرزه در ترکیه به حدود ۱۹۳۹۰ و شمار مصدومان به بیش از ۷۷ هزار تن رسیده است. از سویی شمار زیانهای جانی زلزله ویرانگر در سراسر سوریه به بیش از ۴۰۰۰ نفر و تعداد مجروحان از ۵۵۰۰ تن فراتر رفته است.

در میان قربانیان زلزله مهیب و ویرانگر ترکیه، سه عضو تیم ملی قطع عضو ایران که برای باشگاه بلدیه اسپور مالاتیا بازی می‌کردند و شماری از برجسته‌ترین بازیکنان فوتبال جهان که در باشگاه‌های معروف ترکیه عضویت داشتند، جان خود را از دست دادند.

پیکر بی‌جان محمدرضا میراحمدی، مهدی سعیدای و حامد مطرودی در محل اقامت‌شان از زیر ویرانه‌های هتل کرچوال مالاتیا بیرون کشیده شد.

از جمله بازیکنان نامدار فوتبال دنیا که همچنان در زیر خرابه‌ها گرفتار است، کریستین آتسو ستاره پیشین باشگاه‌های چلسی و نیوکاسل بریتانیاست که در تابستان ۲۰۲۲ به باشگاه‌های اسپور در سوپر لیگ ترکیه پیوست. آتسو تا حال ۶۵ بار پیراهن تیم ملی غنا را بر تن کرده است. گفته می‌شود تانر ساووت مدیر ورزشی باشگاه‌های اسپور نیز با ادامه تلاش‌ها برای کمک به رهایی تیم‌اش زیر آوار گرفتار شده است.

بوراک اوکسوز و برتوگ ییلدیریم بازیکنان هاتای اسپور و همچنین دو نفر از اعضای کادر فنی این تیم از زیر ویرانه‌ها جان سالم به در بردند، اما ایوب تورکاسلان دروازه‌بان مالاتیا اسپور در این حادثه جان خود را از دست داده است.

شبکه عربی کانال Sky نیز از مرگ نادر جوخدار بازیکن پیشین تیم ملی سوریه در سن ۴۵ سالگی به همراه فرزندش در پی ریزش ساختمانی که در آن زندگی می‌کردند، خبر داد. همچنین رسانه‌های ترکیه خبر دادند هتلی که اعضای باشگاه قهرمان مرعش اسپور در آن اقامت داشتند، ویران شده و بازیکنان این باشگاه دسته سوم فوتبال ترکیه زیر آوار گرفتار مانده‌اند.

یکی از اعضای کادر فنی قهرمان مرعش نجات پیدا کرده و کوشش برای نجات سایر اعضای این باشگاه و خارج کردن آنها از زیر خرابه‌ها همچنان ادامه دارد.

باشگاه فوتبال اسکندرون اسپور هم که در لیگ دسته سوم ترکیه فعالیت می‌کند، اعلام کرد که دو مربی این باشگاه زیر ویرانه‌ها گرفتار شده و در انتظار کمک‌های فوری هستند. زلزله مهیب ۸/۷ ریشتری در کشورهای ترکیه و سوریه تا کنون خسارت‌های جانی و مالی بسیاری در پی داشته و طبق آخرین گزارش‌ها دست کم مرگ بیش از ۲۴ هزار نفر بر اثر

رئیس کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، مدیرکل سازمان جهانی بهداشت و مسئول امور بشردوستانه سازمان ملل متحد، پنجشنبه از عزیمت خود و بازدید از مناطق زلزله‌زده سوریه خبر دادند.

میریانا اسپولجاریک رئیس کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در توییتی نوشت: «امشب با قلبی آکنده از اندوه وارد حلب شدم. جوامعی که سال‌های سال متحمل نبردهای سنگین هستند، اکنون در اثر زلزله فلج شده‌اند. با گسترش این رویداد تراژیک، وضعیت ناامید کننده مردم باید بهبود یابد.»

همزمان، سازمان ملل متحد اعلام کرد که مارتین گریفیث معاون دبیرکل در امور بشردوستانه و هماهنگ کننده کمک‌های اضطراری، در پایان هفته راهی، ترکیه و سوریه خواهد شد.

به گفته سخنگوی گریفیث به خبرگزاری فرانسه، او شنبه از غازی عینتاب در جنوب ترکیه و یکشنبه از حلب در شمال غربی سوریه بازدید خواهد کرد و طی این سفر با مسئولان دولتی نیز در دمشق دیدار خواهد داشت.

کاروان کمک‌های اولیه، پنجشنبه این هفته در چهارمین روز از عملیات امداد و نجات پس از زلزله، وارد مناطق بیرون از کنترل دمشق در شمال سوریه شد.

این زلزله‌ها تأیید شده است.

تعداد جانبازان این زمین لرزه در ترکیه به حدود ۱۹۳۹۰ و شمار مصدومان به بیش از ۷۷ هزار تن رسیده است. از سویی شمار زیانهای جانی زلزله ویرانگر در سراسر سوریه به بیش از ۴۰۰۰ نفر و تعداد مجروحان از ۵۵۰۰ تن فراتر رفته است.

شمار خسارات جانی این زمین‌لرزه و پس‌لرزه‌های آن با گذشت زمان به سرعت در حال افزایش است و عملیات جستجو و نجات در تعدادی از شهرهای ترکیه و سوریه ادامه دارد.

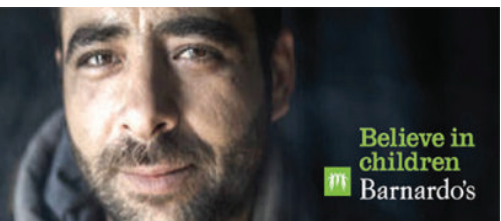
تیم‌های نجات و امدادسازان، روز پنجشنبه نجات‌یافتگان بیشتری از زیر ساختمان‌های فروریخته بیرون کشیده‌اند، در حالی که تیم‌های امداد در شمال غرب سوریه، نتوانستند هیچ بازمانده‌ای را در این روز بیابند.

پس از زلزله‌های فاجعه‌بار و پس‌لرزه‌های متعددی که ترکیه و سوریه را لرزاند، امیدها برای یافتن شمار بیشتری از نجات‌یافتگان، به تدریج در حال رنگ باختن است.

این زمین‌لرزه‌ها که یکی از مرگبارترین زلزله‌های جهان در بیش از یک دهه گذشته است، با ویرانی هزاران ساختمان، شمار زیادی از خانواده‌ها را در زیر آوار، مدفون و صدها هزار نفر را آواره و بی‌خانمان کرده است.

Boloh مشاوران سازمان کمک‌دهنده
با تسلط به زبان مادری شما، همواره آماده همکاری و کمک به متقاضیان بزرگسال پناهندگی در بریتانیا هستند.

لطفاً با شماره تلفن:
۰۸۰۰۱۵۱۲۶۰۵
تماس بگیرید.



Believe in
children
Barnardo's



معافیت بسیج از پرداخت قبوض؛ اقتصاد ایران زیر فشار نبود گاز و برق و هزینه‌های سرسام‌آور

● بسیج در حالی از پرداخت قبوض معاف شده که در لایحه بودجه ۱۴۰۲ فقط بخش «بسیج سازندگی» با افزایش ۳۷۵ درصدی بودجه نسبت به سال ۱۴۰۱، رقمی معادل ۷۶ میلیارد تومان دریافت خواهد کرد.

● مشکل تأمین گاز و برق مورد نیاز بخش خانگی و صنعتی طی سال‌های گذشته همچنان وجود داشته اما امسال شرایط بحرانی‌تری برای واحدهای تولیدی و صنعتی و خدماتی ایجاد کرده است.

بر اساس لایحه بودجه همه پایگاه‌ها و دفاتر بسیج از پرداخت قبوض برق، گاز، آب و فاضلاب، تلفن و... معاف شدند. این در حالیست که هزینه‌های تولید در بخش‌های مختلف اقتصاد ایران با افزایش روبرو شده و قطع گاز و برق در ماه‌های گذشته فعالیت واحدهای تولیدی، صنعتی و خدماتی را با اختلال بیشتر روبرو کرده است!

رحیم زارع سخنگوی کمیسیون تلفیق بودجه در مجلس شورای اسلامی اعلام کرده که کلیه دفاتر بسیج، مساجد، پاسگاه‌ها، کلاسترها و موزه‌های دفاع مقدس از پرداخت حق انشعاب برق، گاز، آب و فاضلاب، تلفن و... معاف شدند.

جعفر قادری نماینده مجلس شورای اسلامی درباره معافیت دفاتر بسیج از پرداخت قبوض ماهانه و سالانه گفته که «نهادهای پایگاه‌های مقاومت بسیج مستضعفین، تشکیلات مردمی هستند و از اعتبارات چشم‌گیری بهره‌مند نیستند؛ چراکه مردم منابع مالی این نهادها را تأمین می‌کنند. بر این اساس مجلس معافیت آن‌ها از پرداخت حق انشعاب را در نظر گرفته تا در کم کردن هزینه‌های مردم کمک کند.»

این در حالیست که بسیج جدا از کمک‌های مردمی، ردیف بودجه مشخصی نیز در لایحه بودجه دارد. در لایحه بودجه ۱۴۰۲ فقط بخش «بسیج سازندگی» با افزایش ۳۷۵ درصدی بودجه نسبت به سال ۱۴۰۱، رقمی معادل ۷۶ میلیارد تومان دریافت خواهد کرد.

بذل و بخشش دولت و مجلس شورای اسلامی برای نهادهای حکومتی در حالی صورت می‌گیرد که بخش‌های مولد اقتصادی کشور ماه‌هاست با قطع برق و گاز روبرو هستند و البته پیش از قطع و یا سهمیه‌بندی انرژی هم با افزایش رقم تعرفه‌های انرژی روبرو شده بودند. هنوز میزان خسارت وارد شده به بخش‌های مختلف تولید، صنعت و خدمات در پی قطع برق و گاز در ماه‌های گذشته اعلام نشده است اما بخش‌های مهمی چون سیمان‌سازی و فولادسازی نیز قربانی سوءمدیریت جمهوری اسلامی در تأمین انرژی کشور شده‌اند. در همین رابطه روز گذشته عبدالناصر درخشان عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی با ابراز تاسف از قطع برق و گاز فولادسازی‌ها گفت که «در کشوری که بالاترین منابع گازی و نفتی جهان را دارد، قطع برق و گاز تأسف‌بار است، زیرا فولادسازی‌های قربانی این قطعی‌های

تقویت شود تا واحدهای تولیدی بتوانند با بیشترین ظرفیت خود تولید کنند، این اتفاق به عرضه کافی کالا و پایین آمدن قیمت محصولات نهایی می‌انجامد.

او افزوده که «دولت‌ها برنامه‌های برای تولید برق و گاز در کشور ندارند. این در حالی است که در یک دهه گذشته در تلاش بودند به محروم‌ترین نقاط کشور هم برق‌رسانی و گازرسانی کنند. این یعنی مصرف بالا رفته پس تولید هم باید افزایش پیدا کند. صنایع در حالی در اولویت قطعی گاز و برق هستند که طبق آمار رسمی دو درصد آب، پنج درصد برق و ۱۰ درصد گاز تولیدی در کشور را مصرف می‌کنند. این اتفاق از جذابیت صنایع برای سرمایه‌گذاری می‌کاهد.»

او با اشاره به ماده ۲۵ قانون بهبود مستمر فضای کسب‌وکار در زمان کمبود برق یا گاز گفته که «واحدهای صنعتی و کشاورزی نباید در اولویت قطعی باشند و براساس قانون یادشده اگر دولت به شرکت‌های عرضه‌کننده برق و گاز دستور دهد به طور موقت برق و گاز واحدهای تولیدی را قطع کنند، موظف است چگونگی جبران خسارت‌های وارد به این شرکت‌ها را نیز تعیین و اعلام کند.»

مشکل تأمین گاز و برق مورد نیاز بخش خانگی و صنعتی طی سال‌های گذشته همچنان وجود داشته اما امسال شرایط بحرانی‌تری را برای واحدهای تولیدی و صنعتی و خدماتی ایجاد کرده است. حمیدرضا صالحی نایب رئیس کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی و دبیرکل فدراسیون صادرات انرژی و صنایع وابسته معتقد است که یکی از اصلی‌ترین راهکارهای حل بحران تأمین انرژی، خروج دولت از این بخش است.

به گفته حمیدرضا صالحی بخش خصوصی می‌تواند طی دو یا سه سال پروژه‌های توسعه گاز را انجام دهد و این مشکل را رفع کند اما عملاً دولت اجازه ورود بخش خصوصی به این زمینه را نمی‌دهد. دولت باید اجازه سرمایه‌گذاری و تعیین قیمت کالای ارائه شده را به سرمایه‌گذاران بدهد و مدام نقش خودش را در این معاملات کم‌رنگ کند.

حمیدرضا صالحی تأکید کرده دولت باید اجازه دهد صاحبان تکنولوژی، صنایع و سرمایه‌گذاران و نخبگان این حوزه با هم کنسرسیومی تشکیل دهند و مدیریت اقتصاد انرژی را به دست بگیرند. او معتقد است که «این اتفاق شدنی است چون صنایع مصرف‌کنندگان برق و گاز هستند و حاضرند قراردادهای بلندمدتی برای تأمین انرژی مورد نیازشان با سرمایه‌گذاران این حوزه منعقد کنند. حتی می‌توانند خودشان به عنوان سرمایه‌گذار عمل کنند. در حال حاضر ما پروژه‌های مختلفی به ویژه در حوزه گاز تعریف کرده‌ایم. در صورت تشکیل این کنسرسیوم در یک بازه زمانی کوتاه‌مدت می‌توان تا حدود زیادی به این حوزه سامان داد. همه اینها نیازمند این موضوع است که دولت بپذیرد از این حوزه خارج شود و بخش‌های دیگری آن را اجرا کنند.»

پایان ناپذیر شده‌اند. عبدالناصر درخشان افزوده که «وقتی آقایان گاز و برق صنایع را قطع می‌کنند، یک چرخه بزرگ تولید با مشکل رو به رو می‌شود، وضعیتی که زندگی مردم را به چالش می‌کشد. وقتی یک مشکل سالهاست گریبانگیر کشور شده، اما حل نمی‌شود، یعنی مدیریت درستی صورت نمی‌گیرد و باید نگاه واقع‌بینانه‌تری به صنایع به ویژه صنایع انرژی بری همچون فولادسازی‌ها داشته باشیم.»

در شش ماه نخست سال نیز قطع برق به بحرانی برای صنایع کشور تبدیل شده است. در سال‌های گذشته قطع برق معمولاً از اواخر خردادماه و با ورود به فصل گرم آغاز می‌شد. امسال اما قطع برق صنایع از نیمه فروردین آغاز شده و زیان سنگینی به همراه داشته است. همچنین مقامات دولتی برای جلوگیری از اعتراضات مردمی، تصمیم گرفتند قطع برق در بخش خانگی را کاهش داده و محدود کنند، اما در مقابل بار کمبود برق را بطور کلی بر دوش صنایع کشور تحمیل کردند. گزارش‌ها از زیان ناشی از قطع برق صنایع در سال گذشته نشان می‌دهد صنایع ایران در تابستان ۱۴۰۰ زیانی معادل ۷ تا ۱۰ میلیارد دلار به دلیل قطع برق متحمل شدند. این زیان با توجه به تغییر سیاست دولت درباره افزایش قطع برق صنایع در بهار و تابستان امسال، در سال ۱۴۰۱ خیلی بیشتر از زیان سال گذشته خواهد شد.

سهیل رستگارپور معاون فنی سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی استان تهران از اعلام دیر هنگام برنامه قطع برق گلابه کرده و گفته که «برنامه قطعی برق هفته سوم شهرک‌های صنعتی تهران در هفته دوم اعلام شد؛ با این حال گاه قطعی برق در ساعاتی غیر از ساعات اعلام‌شده اتفاق افتاد. به طور مثال در شمس‌آباد قرار بود یک روز در هفته برق از ساعت هشت صبح تا شش عصر قطع باشد، اما از ۱۰ صبح وصل شد. در نصیرآباد روز یکشنبه از ساعت هشت صبح تا هفت عصر برق قطع بود و در همان روز شهرک‌های دهک و آینه‌ورزان نیز از هشت تا ۹ صبح برق نداشتند.»

به گفته سهیل رستگارپور علاوه بر برق، شهرک‌های صنعتی همچنان با مشکل قطعی گاز روبرو هستند. واحدهایی که ایستگاه‌های تی‌بی‌اس با ظرفیت بیش از دو تن در آنها مستقر است به دلیل افت شدید فشار گاز تنها می‌توانند به اندازه تأمین گرمایش، گاز داشته باشند. اصغر آهنی‌ها رئیس انجمن کاشی و سرامیک تزیینی ایران نیز از قطعی برق شهرک‌های صنعتی اطراف قزوین و کاهش شدید فشار گاز آنها انتقاد کرده و توضیح داده که «این قطعی گاز و برق در حالی اتفاق می‌افتد که هزینه‌های ثابت تولیدکنندگان همچنان برقرار است. وقتی تولید متوقف می‌شود اما هزینه‌های تولید باقی می‌ماند قیمت تمام‌شده تولید کالا افزایش می‌یابد.»

رئیس انجمن کاشی و سرامیک تزیینی ایران گفته که زیرساخت‌های تولید در شهرک‌های صنعتی باید اصلاح و

مسئولیت حمایت در حقوق و روابط بین‌الملل: از تئوری تا عمل (بخش دو)



کودکان؛ آوارگان جنگ؛ در جشنی از سوی سازمان ملل برای آشنایی و آگاهی از ویروس کرونا با بادکنک‌های رنگی بازی می‌کنند؛ ۱۶ آوریل ۲۰۲۰

در سال ۱۹۹۹ صورت گرفت. اگر مداخله نظامی ضرورت حفاظت از جان انسان‌هاست، آیا می‌بایست اصل حاکمیت مستقل کشورها را زیر پا گذاشت؟ آیا این به این معنی نیست که در فردایی دیگر هر کشوری، و یا گروهی از کشورها، ممکن است مداخلات نظامی علیه دیگران را زیر عنوان ضرورت مداخله بشردوستانه توجیه کنند؟ رابطه میان اینگونه مداخلات نظامی بشردوستانه با میزان و شدت نقض حقوق بشر چگونه تعریف می‌شود؟

در این فضای متفاوت بین‌المللی، بازیگران نوینی به رقابت با یکدیگر پرداخته بودند. جنگ‌ها نیز از ویژگی میان کشورها و بر سر موضوعات منافع ملی که اغلب با ملاحظات ایدئولوژیک نیز همراه می‌شد، جای خود را به جنگ‌های داخلی بر سر تعیین نوع حاکمیت، موضوعات استقلال گروه‌های خردتر، کینه‌های تاریخی، و یا حتی تامین منافع گروهی داده بود. با پایان یافتن رقابت‌های دوران جنگ سرد، تقاضا برای دموکراسی خواهی نیز افزایش یافت، در حالی که ساختار جامعه بین‌المللی نتوانسته بود به موازات اینگونه تحولات رشد کند. در عین حال، ضعف ساختارهای نامتناسب و ناتوان برای پاسخگویی موثر به نیازهای نوظهور، دولت‌های غیرمسئول، و موضوعات قومی، چالش‌هایی جدی در برابر انسجام ملی قرار داده بود. در کنار این موضوعات نوظهور، تلاش برای بهره‌برداری از منابع طبیعی و یا رسیدن به هرم قدرت در خلاء ایجاد شده پس از جنگ سرد، گروه‌های رقیب را وسوسه می‌کرد تا حتی دست به اسلحه برده و در برابر یکدیگر قرار گیرند. مشاهده می‌شود که فضای امنیتی بین‌المللی دگرگون شده بود، اما برای آن پاسخی شایسته، عملی، و موثر وجود نداشت.

البته تصمیم شورای امنیت برای عبور از محدودیت‌های احتمالی منشور ملل که وظیفه آن شورا را فقط به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی محدود می‌کرد، و فرمان برقراری منطقه پرواز ممنوع در شمال عراق [۱۵]، بار دیگر همان پرسش کلاسیک حقوق بین‌الملل را مطرح ساخت که با قداست حاکمیت ملی چه می‌بایست کرد. تشکیل دیوان‌های کیفری موقت برای محاکمه جنایتکارانی که خون‌های زیادی را در رواندا و یوگسلاوی سابق به ناحق ریخته بودند، بشارت بزرگی برای حقوق انسان‌ها بود، اما پرسشی از نوع دیگر ذهن‌ها را به خود مشغول می‌کرد: چرا با وجود اطلاع و آگاهی نسبت به وقوع چنین جنایت‌هایی، اقدامی پیشگیرانه صورت نپذیرفت؟ چرا فقط این بخش‌های خاص از جهان مورد توجه جامعه بین‌المللی قرار گرفت؟

شرایط جهانی شدن نیز موجبات رشد آگاهی‌های

سهمگین وقوف داشتند. بی‌تردید شورای امنیت به ویژه دولت‌های فرانسه و انگلستان نیز که به تسلیح و تجهیز نیروهای رقیب در برابر یکدیگر می‌پرداختند، نمی‌توانستند از برنامه‌ریزی برای نسل‌کشی بی‌اطلاع باشند. بنابراین می‌توانستند راهکاری موثر و پیشگیرانه برای وقوع فاجعه انسانی اتخاذ کنند. اما به دلیل نبود اراده لازم سیاسی، و شاید مهمتر از آن به دلیل نداشتن منافع سرشار در منطقه دریاچه‌های بزرگ آفریقا، چشم خود را بر واقعیات و تحولات خونین منطقه فرو بستند. نتایج این بی‌تدبیری و اراده سیاسی برای جلوگیری از نسل‌کشی نه تنها ۸۰۰ هزار انسان بی‌گناه را قربانی کرد، بلکه کل منطقه را نیز به نوعی بی‌ثباتی غیرقابل حل کشاند که هنوز هم ادامه دارد.

آیا این بی‌تدبیری‌های آگاهانه نشاندهنده چیزی جز استانداردهای دوگانه نبود؟ آیا اعضای شورای امنیت نمی‌دانستند که ملل متحد تنها بر اساس احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه مردم جهان می‌تواند ماموریت تاریخی خود را برای برقراری یک جهان صلح‌آمیز و عادلانه به انجام برساند؟ پس چرا از مداخله بشردوستانه برای نجات جان ۸۰۰ هزار انسان بی‌گناه آفریقایی در منطقه رواندا، عالمانه و آگاهانه خودداری ورزید؟ آیا اصرار لیبرال دموکراسی‌ها بر حقوق بشر چیزی بیش از نوعی لفاظی عوام‌فریبانه نبود؟

شکست سازمان ملل و متحدان غربی در تامین منطقه امن در سربرنیتسا در سال ۱۹۹۵ که به از دست رفتن جان هزاران انسان بی‌گناه انجامید، نمونه شرم‌آور دیگری از خودداری جامعه بین‌الملل در پذیرش مسئولیت حمایت و حفاظت از جان انسان‌های بی‌گناهی بود که اصل حاکمیت دولت‌ها عامل اصلی آن بود. حتی عقب‌نشینی نهایی عملیات صلح سازمان ملل در سومالی در سال‌های ۱۹۹۳-۱۹۹۲، در زمانی که مداخله بین‌المللی برای نجات جان انسان‌ها و با برنامه‌ریزی ناقص، اجرای ضعیف و وابستگی بیش از حد به نیروی نظامی از بین رفت، هیچ توجیه روشنی نمی‌توانست برای کوتاهی در حفاظت از جان انسان‌های بی‌گناه داشته باشد.

مشاهده می‌شود که در دوران پس از جنگ سرد، هرچند رقابت‌های ایدئولوژیک و جهان دوقطبی به پایان رسید، اما جامعه بین‌المللی با چالش‌ها و معماهای پیچیده‌تر امنیتی مواجه شد. اصلی‌ترین معما اینست که در برابر کشتارهای بی‌رحمانه و سازمان‌یافته مردم توسط حکومت‌ها چه باید کرد! آیا باید اصل حاکمیت ملی را زیر پا گذاشت؟ این پرسش هنگامی بیشتر اهمیت یافت که مداخله در کوزوو

● **مسئولیت حمایت از مردم نخست بر عهده حکومت‌های آنهاست اما وقتی حکومتی قادر به انجام این مسئولیت نباشد و یا خودش این مسئولیت را زیر پا بگذارد، آنگاه جامعه بین‌المللی مسئولیت دارد از مردمی که تحت چنین حکومت‌هایی رنج می‌کشند و کشته می‌شوند، حمایت و حفاظت به عمل آورد.** در چنین حالتی، «اصل عدم مداخله» به اصل «مسئولیت بین‌المللی» تسلیم می‌شود.

● **اگر دولت/ حکومت مایل یا قادر به انجام مسئولیت حمایت از مردم خود نباشد، مسئولیت استفاده از آن به جامعه بین‌المللی شامل استفاده از ابزارهای دیپلماتیک، بشردوستانه و غیره برای حمایت از مردم، منتقل می‌شود.** هیچیک از این گزارش‌ها مبنایی برای استفاده از زور مگر با مجوز شورای امنیت طبق فصل هفتم منشور به عنوان آخرین راه حل، در صورت وقوع نسل‌کشی و سایر جنایات جدی بین‌المللی در نظر نگرفته است.

محمود مسائلی - در بخش یک این مطلب به سوابق تاریخی «مسئولیت حمایت» پرداخته شد و به توضیح و تشریح این مسئولیت مهم انسانی و بشردوستانه در پیمان‌ها و مقاله‌های بین‌المللی پرداختیم. در این بخش به رویدادها و تلاش‌هایی پرداخته می‌شود که منجر به تصویب «مسئولیت حمایت» در حقوق بین‌الملل شد و دکتترین «مسئولیت حمایت» در اجلاس جهانی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۵ به اتفاق آرا به تصویب رسید.

گامی عملی، اما همراه با تردیدها

ضرورت حمایت از مردمی که حقوق آنها به گونه‌ای وحشیانه و شنیع توسط حکومت‌های آنان پایمال می‌شود، شاید بیش از هر زمان دیگری در جریان نسل‌کشی‌های معاصر در رواندا و منطقه یوگسلاوی سابق احساس می‌شد. از دست رفتن جان صدها هزار انسان بی‌گناه و بی‌پشت و پناه توسط دولت‌های خود نمی‌توانست تحت هیچ شرایطی توجیه حاکمیتی داشته باشد، بنابراین می‌بایست با واکنش از سوی جامعه بین‌المللی همراه می‌شد. اما به دلیل همان نگرش سنتی به حقوق و روابط بین‌الملل که دولت‌ها را به استفاده از حق حاکمیت خود، بدون مداخله خارجی، محق می‌دانست، هیچ اقدام قطعی برای جلوگیری از نسل‌کشی‌ها صورت نگرفت.

مقامات سازمان ملل متحد به دلیل گزارش‌هایی که توسط نیروهای خود در رواندا داشتند، بر وقوع نزدیک کشتاری

مسئولیت‌پذیری تغییر دهند. ابعاد آگاهی‌بخشی درباره این حقیقت که مشروعیت حاکمیت دولت به احترام به حاکمیت اراده آزاد فرد وابسته می‌باشد، این اعتقاد نوظهور را تسهیل کرده است که هرگاه دولت حقوق مردم را به گونه‌ای فاحش، سیستماتیک، و مداوم نقض کند، جامعه بین‌المللی وظیفه دارد در حمایت از مردم اقدام کند. مسئولیت حمایت به تدریج به عنوان هنجاری انسانی در روابط بین‌الملل جایی برای خود باز می‌کند. این مسئولیت در شرایطی ضرورت وجودی خود را ایفا می‌کند که اساسا انسان‌ها احساس امنیت نداشته و همواره در ترس از گرسنه بودن، بازداشت شدن، به زندان افتادن، و یا جان خویش را برای اظهار عقیده کردن از دست دادند، قرار داشته باشند. امنیت انسان نقطه رجوع برای توضیح «مسئولیت حمایت» است. کمیسیون بین‌المللی مداخله و حاکمیت دولت، اصول بنیادین مسئولیت مداخله را تعریف کرده و توضیح داده است.

۱. مسئولیت حفاظت یا حمایت مستلزم ارزیابی شرایط کسانی است که به حمایت نیاز دارند، نه کسانی که ممکن است مداخله را از زاویه دید خود در نظر بگیرند. این حمایت وظیفه حفاظت از جوامع در برابر کشتار جمعی، زنان در برابر تجاوز جنسی سیستماتیک، و کودکان از قحطی را به عهده می‌گیرد.

۲. مسئولیت به این معنی است که مسئولیت اصلی در این زمینه بر عهده دولت مربوطه است و تنها در صورتی که آن دولت نتواند یا تمایل نداشته باشد این مسئولیت را انجام دهد، و یا خود مرتکب آن باشد، مسئولیت آن بر عهده جامعه بین‌المللی قرار می‌گیرد. در بسیاری از موارد، دولت‌ها ممکن است مسئولیت خود را با مشارکت کامل و فعال با نمایندگان جامعه بین‌المللی را دنبال کنند. بنابراین «مسئولیت حفاظت» بیشتر یک مفهوم پیونددهنده است که شکاف میان مداخله بشردوستانه و حاکمیت را پر می‌کند.

۳. مسئولیت حفاظت نه تنها به معنای صرفاً «واکنش» نیست، بلکه «مسئولیت پیشگیری» و «مسئولیت بازسازی» نیز هست. [۱۹]

با این جمع‌بندی، دکترین «مسئولیت حمایت» دربرگیرنده دو پایه و بنیاد اساسی است:

نخست، حاکمیت دولت زمانی معنی پیدا می‌کند که بر مبنای مسئولیت حمایت از مردم استوار شود. بنابراین قدم اول مسئولیت اصلی حفاظت از مردم بر عهده حکومت آنها قرار دارد.

دوم، هرگاه در نتیجه جنگ داخلی، شورش، و یا سیاست‌های سرکوبگرانه حکومت‌ها، مردم متحمل آسیب‌های سخت شوند، و حکومت مربوطه مایل یا قادر به توقف یا جلوگیری از آن آسیب‌ها نباشد، «اصل عدم مداخله» به اصل «مسئولیت بین‌المللی» تسلیم می‌شود. در اینجا «مسئولیت حمایت» از جانب جامعه بین‌المللی ابعادی تکمیلی پیدا می‌کند به این معنی که مسئولیت حمایت از مردم نخست بر عهده حکومت‌های آنهاست اما وقتی حکومتی قادر به انجام این مسئولیت نباشد و یا خودش این مسئولیت را زیر پا بگذارد، آنگاه جامعه بین‌المللی مسئولیت دارد از مردمی که تحت چنین حکومت‌هایی رنج می‌کشند و کشته می‌شوند، حمایت و حفاظت به عمل آورد. در چنین حالتی، «اصل عدم مداخله» به «مسئولیت بین‌المللی» تسلیم می‌شود.

مسئولیت حمایت در حقوق بین‌الملل

به دنبال گزارش کمیسیون بین‌المللی مداخله و حاکمیت دولت، هیئت عالی‌رتبه تحقیق و بررسی تهدیدها، چالش‌ها و تغییرات، با عنوان «جهانی امن‌تر: مسئولیت مشترک

بین‌المللی علیه شکنجه و رفتارهای تحقیرآمیز و بی‌رحمانه، مقاله‌نامه بین‌المللی علیه همه اشکال تبعیض علیه زنان، ایجاد دیوان‌های بین‌المللی موقت کیفری برای محاکمه جنایتکارانی که در نسل‌کشی در رواندا و یوگسلاوی سابق نقش داشتند و تصویب اساسنامه تأسیس دادگاه کیفری بین‌المللی در سال ۱۹۹۸، از جمله این این ساز و کارها برای حفاظت از حقوق انسان‌ها در برابر لبه تیز و بی‌رحمانه اعمال حاکمیت ملی بوده است. هرچند که این اسناد حقوقی بین‌المللی ممکن است به درستی اجرا نشده باشند، اما توانسته‌اند راه را برای ایجاد چالشی جدی در برابر نظام بین‌الملل حاکمیت‌محور هموار نمایند.

ظهور اصل صلاحیت جهانی در مقاله‌نامه‌های ژنو و پروتکل‌های الحاقی به آنها این حقیقت را برای جهانیان آشکار ساخت که هرگاه دولتی حقوق مردم خود را به شیوه‌ای بی‌رحمانه و شنیع نادیده انگارد به گونه‌ای که وجدان جهانیان را به درد آورد، آمران و عاملان آن اقدامات جنایتکارانه نمی‌توانند خود را پشت نقاب حق حاکمیت ملی پنهان ساخته و از زیر بار مسئولیت بگریزند. نکته بسیار مهم در این تحولات نقش برجسته حقوق بین‌المللی عرفی است که از نقطه نظر الزام‌آور بودن مقررات خود از هرنوع حقوق معاهداتی پیشی می‌گیرد. انجام جنایت‌هایی مانند جنگ تجاوزکارانه، جنایت جنگی، جنایت نسل‌کشی، و



دکتر محمود مساللی

جنایت شکنجه حتی پیش از تیلور یافتن آنها در معاهدات بین‌المللی، همواره ممنوع و مردود بوده‌اند. دادگاه بین‌المللی دادگستری در قضیه فلات قاره دریای شمال [۱۶]، در قضیه حق عبور از قلمرو هند (پرتغال علیه هند) [۱۷]، و در نظریه مشورتی درباره جریان خسارت کارکنان سازمان ملل [۱۸]، و در قضیه عملیات نظامی و شبه‌نظامی علیه نیکاراگوئه، اهمیت این‌گونه حقوق عرفی را احراز و بر ضرورت احترام به آنها تأکید کرده است. از نقطه نظر حقوق کیفری بین‌المللی نیز در پرونده پینوشه در بریتانیا و محکومیت جانیان در بلژیک به دلیل همدستی در نسل‌کشی راهبه‌های رواندا، این واقعیت مورد تأیید قرار گرفت که جامعه بین‌المللی باید از جان انسان‌های بی‌گناه حفاظت به عمل آورد.

این‌گونه تحولات توانسته است به لحاظ تئوریک پیوندی میان حقوق انسان‌ها، امنیت آنان، و صلح بین‌الملل تعریف کند. این پیوند حکایت از آن دارد که عصر سنتی مصونیت از مجازات برای ارتکاب جنایت‌های شنیع علیه انسان‌های بی‌گناه، آرام آرام جایگاهی برای فرهنگ مسئولیت‌پذیری ملی و بین‌المللی باز می‌کند. بازیگران غیردولتی و فعالان جامعه مدنی جهانی در تسهیل این فرایند و تغییر آن نقش مهمی ایفا کرده است. اینان کوشیده‌اند قضاوت مردم درباره تقدس دولت را به چالشی انتقادی از دولت برای

انسان نسبت به مفاهیم حیات، ضرورت‌ها و محدودیت‌ها، و تلاش برای مقابله با نابرابری‌ها و محرومیت‌ها را فراهم آورده است. شبکه گسترده‌ای از تشکیلات جامعه مدنی، جنبش‌های اجتماعی، و دیگر بازیگران خانواده بشری اصل خلل‌ناپذیر حاکمیت ملی به معنای سنتی آنرا به چالش کشیده‌اند. کم‌اهمیت شدن هنجار مرزهای حاکمیتی به دلیل توسعه انقلاب اطلاعات و ارتباطات، و در نتیجه ظهور دهکده کوچک جهانی که در همدیگر بافته شده، مانع از آن شد که دولت‌ها بطور موثر بتوانند صلاحیت انحصاری سنتی خود را اعمال کنند. فشار جامعه مدنی جهانی به دولت‌ها برای اقدامی موثر در جهت حفاظت از حقوق ذاتی انسان‌ها چشم‌اندازهای نوینی در مرادفات جهانی گشود. در این شرایط انتظار واقعی جهانیان این بود که دولت‌ها در قبال حفاظت از حقوق ذاتی و آزادی‌های اساسی مردم خود مسئولیت‌پذیر باشند، و در جایی که آنها از انجام این مسئولیت سر باز می‌زنند، جامعه بین‌الملل رها شده از محدودیت‌های دوران جنگ سرد، کاری موثر در جهت حقوق مردم ستمدیده انجام دهد. مسئولیت مداخله بشردوستانه جهت حمایت نه تنها آرمانی برای جامعه بشری عادلانه، بلکه ضرورتی است که چهره خود را در هنجاری در حال ظهور در حقوق و روابط بین‌الملل معاصر نشان می‌دهد.

در سخنرانی در پنجاه و چهارمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد کوفی عنان دبیرکل وقت سازمان ملل متحد، «چشم‌انداز امنیت انسانی و مداخله در قرن آینده» را مورد توجه قرار داد. او با یادآوری ناکامی‌های شورای امنیت در اقدامی موثر در رواندا و نیز کوزوو، کشورهای عضو سازمان ملل متحد را به دلیل کوتاهی در انجام اهداف ملل متحد برای تامین صلح عادلانه و مبتنی بر رعایت حقوق ذاتی مردم به چالش کشید. این مواضع در «ماموریت مشترک ما برای صلح و عدالت» تبلور یافت. عنان در گزارش خود به ملل متحد این پرسش تاریخی را مطرح ساخت که: اگر مداخله بشردوستانه غیرقابل قبول است پس چگونه باید به نسل‌کشی فجیع در رواندا پاسخ داد؟ در برابر نقض سیستماتیک حقوق بشر که وجدان انسان را آزوده و انسانیت مشترک را به چالش می‌کشد، چه باید کرد؟

طرح این پرسش ناگزیر ذهن کنجکاو را بار دیگر به پیش‌زمینه‌ها رهنمون می‌سازد. در این ارتباط باید یادآوری کرد که ضرورت مداخله برای حمایت از انسان‌هایی که توسط حکومت‌های خود بی‌رحمانه سرکوب و کشتار می‌شوند، حداقل از سال‌های بعد از جنگ جهانی دوم مورد توجه جامعه بین‌الملل بوده است. به عنوان مثال اینکه بر اساس معیارهای حقوق بشری مردم می‌توانند شکایات و یا گزارش‌هایی علیه دولت‌های خود به نهادهای بین‌المللی تسلیم نموده، تلاش کنند آن دولت‌ها را در قبال رفتارهای خود مسئول نگه دارند، از تحولات شگرف در زمینه مشروط ساختن حق حاکمیت دولت‌ها بوده است. امروزه نهادهای نظارت‌کننده بر رفتار کشورها، مانند شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، نقش اصلی نیز در یک زمینه ایفا می‌کنند. احترام به حقوق بشر جهانشمول از همان سال‌های آغازین پس از جنگ جهانی دوم موضوع و مسئولیت اصلی حقوق و روابط بین‌الملل بوده است. مقاله‌نامه‌های چهارگانه ژنو و دو پروتکل الحاقی به آنها در مورد حقوق بشردوستانه بین‌المللی در منازعات مسلحانه، مقاله‌نامه بین‌المللی سال ۱۹۴۸ در مورد پیشگیری و مجازات جنایت نسل‌کشی، دو میثاق بین‌المللی سال ۱۹۶۶ مربوط به حقوق مدنی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی؛ مقاله‌نامه

ابلاغ عفو دانشجویان و استادان؛ اصلا چرا جمهوری اسلامی دانشجو و استاد را «مجرم» می‌داند؟!

● در ماه‌های گذشته جنبش دانشجویی ایران که بیش از دو دهه در خدمت جریان اصلاح‌طلب و پیش‌برنده اهداف سیاسی و اجتماعی آنها بود، نقش مهمی در انقلاب ملی بر عهده گرفت.

● گزارش نهادهای حقوق بشری حکایت از بازداشت بیش از ۶۰۰ دانشجو طی سه ماه دارد. دانشجویان زیادی نیز احضار، تهدید و تعلیق شدند.

● شماری از استادان دانشگاه نیز در همراهی با دانشجویان و جنبش ملی، نسبت به احکام صادر شده برای دانشجویان اعتراض نموده و انتقاد شدید خود نسبت به برخوردهای سرکوبگرانه را مطرح کردند.

وزیر علوم جمهوری اسلامی کلیات عفو عمومی دانشگاهیان را به رؤسای دانشگاه‌ها ابلاغ کرد. بر اساس موافقت علی‌خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی پس از آزادی شماری از زندانیان سیاسی، بخشی از دانشجویان و استادانی که در پنج ماه گذشته در جریان جنبش انقلابی بازداشت، متهم و محکوم شدند مشمول عفو شده‌اند. مقامات جمهوری اسلامی توضیح نداده‌اند که اصلا چرا دانشجویانی را که از حق تحصن و تجمع در دانشگاه استفاده کرده‌اند، «مجرم» می‌دانند که حالا آنها را «عفو» کنند؟!

عبدالحسین کلانتری معاون فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم طی نامه‌ای از آغاز روند عفو دانشجویان و استادانی خبر داده که در ماه‌های گذشته بازداشت، متهم و محکوم شده‌اند. عبدالحسین کلانتری در نامه‌ای که تصویر آن منتشر شده، از وزیر علوم درخواست کرده که «در صورت صلاحدید وی، معاونان و مسئولان وزارتی و رؤسای دانشگاه‌های سراسر کشور تلاش مضاعفی را برای بهره‌مندی دانشجویان و استادان متهم و محکوم از رأفت و تدبیر رهبری با هماهنگی‌های بیش از پیش با مسؤولان قوه قضائیه و رؤسای دادگستری در استان‌ها و شهرستان‌های مختلف بنمایند و از سوی دیگر موضوع رأفت و بخشش مذکور را به احکام انضباطی دانشگاه‌ها نیز تعمیم دهند.»

به گزارش رسانه‌های داخلی بر همین مینا وزیر علوم نیز کلیات عفو عمومی دانشگاهیان را به رؤسای دانشگاه‌ها ابلاغ کرده است.

پیش از این مرتضی فرخی معاون حقوقی و امور مجلس وزارت علوم درباره کلیات عفو عمومی در حوزه دانشجویی اعلام کرده بود که این کلیات از سوی نهاد ریاست جمهوری به وزیر علوم ابلاغ شده و از هفته جاری مقدمات آن اجرایی می‌شود.

مسئولیت‌های موجود خود، حاکمیت آنها را تقویت می‌کند. این برنامه فرصت‌های برنامه‌ریزی جدیدی را برای سیستم سازمان ملل فراهم می‌کند تا به دولت‌ها در جلوگیری از جنایات و تخلفات فهرست‌شده و حمایت از مردم آسیب‌دیده از طریق ظرفیت‌سازی، هشدار زودهنگام و سایر اقدامات پیشگیرانه و حفاظتی کمک کند [۲۴].

مسئولیت حمایت در بیش از ۸۰ قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد در مورد بحران‌های جمهوری آفریقای مرکزی، ساحل عاج، جمهوری دموکراتیک کنگو، لیبیا، لیبی، مالی، سومالی، سودان جنوبی، سوریه و یمن و همچنین بطور موضوعی مورد استناد قرار گرفته است. قطعنامه‌های مربوط به جلوگیری از نسل‌کشی، جلوگیری از درگیری مسلحانه و محدود کردن تجارت سلاح‌های سبک و سبک نیز پرداخته است. همچنین مسئولیت حمایت در بیش از ۵۰ قطعنامه شورای حقوق بشر و ۱۳ قطعنامه مجمع عمومی مطرح شده است. این قطعنامه‌ها و اقدامات پیشگیرانه، یعنی به عنوان آخرین راه حل، نشان داده است که اقدام جمعی برای حمایت از مردم در معرض خطر امکان‌پذیر است [۲۵].

جمع‌بندی

با وجود همه این امیدها و بشارت‌های رهایی‌بخش، دکترین مسئولیت حمایت، تصورات نادرستی نیز از جمله در نزد بخشی از ایرانیان به وجود آورده است. اقدام جامعه بین‌المللی در جهت مسئولیت حمایت هنگامی امکان‌پذیر است که در چارچوب رسمی قواعد حقوق بین‌الملل انجام شود. این قواعد مبتنی بر این اندیشه و توافق هستند که مسئولیت حمایت در ابتدا ابعادی پیش‌گراانه دارد و از الزامات دیپلماتیک و دیگر ابزارهای مسالمت‌آمیز، و با توافق حکومت کشور مورد نظر انجام می‌شود. حال اگر کشوری که در آن جنایات شنیع اتفاق می‌افتد، قادر نباشد آن جنایات را متوقف سازد، یا اینکه خود بطور مستقیم آن جنایات‌ها را انجام دهد، جامعه بین‌الملل راهکارهای لازم را به کار می‌گیرد. در نهایت اگر کاربرد روش‌های قهرآمیز اجتناب‌ناپذیر باشد، مسئولیت نهایی برای تأیید این اقدامات در اختیار شورای امنیت سازمان ملل متحد قرار دارد.

[۱۵] Non-Fly-Zone, The UNSC Res. 688, 05 April 1991.

[۱۶] I.C.J. Reports 1969, p. 44, para. 77.

[۱۷] I.C.J. Reports 1960, p. 40.

[۱۸] I.C.J. Reports 1949, pp. 184-185.

[۱۹] Evans, op. cit., p. 17..

[۲۰] Fifty-ninth session Agenda item 55 Follow-up to the outcome of the Millennium Summit, A/59/565

[۲۱] In larger freedom: towards development, security and human rights for all Report of the Secretary-General, A/59/2005.

[۲۲] The ICC Statute, article 5.

[۲۳] Resolution 63/308 adopted by the General Assembly on 14 September 2009,

[۲۴] The UN Office on Genocide Prevention and the Responsibility to Protect: <https://www.un.org/en/genocideprevention/about-responsibility-to-protect.shtml>

[۲۵] Global Centre for the Responsibility to Protect: <https://www.globalr2p.org/resources/resolution-63-308-the-responsibility-to-protect-a-res-63-308/>

➔ «ما» [۲۰] و سپس گزارش دبیرکل در سال ۲۰۰۵ با عنوان «آزادی بیشتر: به سمت توسعه، امنیت و حقوق بشر برای همه» [۲۱] این اصل را تأیید کردند که حاکمیت دولت با تعهد برای حمایت از مردم خود همراه است. اگر دولت/حکومت مایل یا قادر به انجام مسئولیت حمایت از مردم خود نباشد، مسئولیت استفاده از آن به جامعه بین‌المللی شامل استفاده از ابزارهای دیپلماتیک، بشردوستانه و غیره برای حمایت از مردم، منتقل می‌شود. هیچیک از این گزارش‌ها مبنایی برای استفاده از زور مگر با مجوز شورای امنیت طبق فصل هفتم منشور به عنوان آخرین راه حل، در صورت وقوع نسل‌کشی و سایر جنایات جدی بین‌المللی در نظر نگرفته است.

دکترین «مسئولیت حمایت» در اجلاس جهانی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۵ به اتفاق آرا به تصویب رسید. بندهای ۱۳۸ و ۱۳۹ سند پایانی این اجلاس جهانی مسئولیت حمایت را تعریف کرده و شکل حقوقی بین‌الملل به آن داده است. ۱۳۸. هر کشوری مسئولیت دارد از مردم خود در برابر نسل‌کشی، جنایات جنگی، پاکسازی قومی، و جنایات علیه بشریت محافظت کند [۲۲]. این مسئولیت مستلزم پیشگیری از اینگونه جرائم از جمله تحریک کردن به ارتکاب آنها از طریق مناسب و ضروری است. جامعه جهانی این مسئولیت را پذیرفته و بر اساس آن اقدام می‌کند. جامعه بین‌الملل باید در صورت ضرورت، کشورها را تشویق کرده و به آنها کمک کند تا این مسئولیت را بر عهده گرفته و از سازمان ملل متحد نیز در ایجاد قابلیت هشدار سریع حمایت به عمل آورد. ۱۳۹. جامعه بین‌الملل از طریق سازمان ملل متحد نیز مسئولیت استفاده از ابزارهای مناسب دیپلماتیک، بشردوستانه و دیگر راه‌های مسالمت‌آمیز را بر اساس فصول ششم و هشتم منشور برای کمک به حفاظت از مردم در برابر نسل‌کشی، جنایات جنگی، پاکسازی قومی و جنایات علیه بشریت به عهده می‌گیرد. اگر اقدامات مسالمت‌آمیز ناکافی باشد و مقامات محلی آشکارا از مردم خود در برابر نسل‌کشی، جنایات جنگی، پاکسازی قومی و جنایات علیه بشریت محافظت نکنند، جامعه بین‌الملل از طریق شورای امنیت، مطابق با منشور ملل متحد، از جمله فصل هفتم، به صورت موردی و با همکاری سازمان‌های منطقه‌ای مربوطه اقدام جمعی به‌موقع و قاطعانه انجام خواهد داد.

در این اصل همچنین آمده است: «ما بر لزوم ادامه رسیدگی مجمع عمومی به مسئولیت حفاظت از مردم در برابر نسل‌کشی، جنایات جنگی، پاکسازی قومی و جنایات علیه بشریت و پیامدهای آن با در نظر گرفتن اصول منشور و حقوق بین‌الملل تأکید می‌کنیم. ما همچنین قصد داریم در صورت لزوم و مناسب به کشورها کمک کنیم تا ظرفیت خود را برای حفاظت از جمعیت خود در برابر نسل‌کشی، جنایات جنگی، پاکسازی قومی و جنایات علیه بشریت ایجاد کنند و به کسانی که قبل از وقوع بحران‌ها و درگیری‌ها در نگرانی و اضطراب بسر می‌برند، کمک کنیم.»

در ژانویه سال ۲۰۰۹ دبیرکل سازمان ملل گزارشی در مورد نحوه اجرای مسئولیت حمایت منتشر کرد که در آن سه رکن یادشده بالا توضیح داده شده بود. پس از آن، اولین اجلاس مجمع عمومی ملل متحد در مورد مسئولیت حمایت در ژوئن سال ۲۰۰۹ برگزار شد. در این مجمع کشورهای عضو سازمان ملل متحد با اکثریت قاطع بر تعهد جامعه جهانی بر مسئولیت حمایت تأکید کردند [۲۳]. دبیرکل سازمان ملل متحد از آن زمان گزارش‌های سالانه خود را به مجمع عمومی سازمان ملل درباره مسئولیت حمایت ارائه کرده است. باید در نظر داشت که قاعده در حال ظهور، و یا دکترین، مسئولیت حمایت با کمک رساندن به دولت‌ها برای انجام

شماری از زندانیان سیاسی و بازداشت‌شدگان اعتراضات اخیر آزاد شده‌اند. بخشی از آنها با امضای تعهدنامه از زندان آزاد شده‌اند از جمله زهرا کشکی دانشجوی بازداشتی پس از دادن «تعهد» آزاد شد. او در صفحه شخصی خود در اینستاگرام نوشته است «امضاش کردم... از خودم متنفرم». این دانشجوی توضیح داده که متنی پزینت‌شده به زندانیان داده شده که ظاهراً هم «اعتراف اجباری» است و هم یک «تعهد اجباری». پیشتر قوه قضائیه رژیم ایران مدعی شده بود تعهد متهمان برای آزادی و عفو، اختیاری است. عفو دانشجویان گام دوم بسته‌ای است که از سوی ابراهیم رئیسی به علی خامنه‌ای ارائه و رهبر جمهوری اسلامی با

دانشجویان با پرونده‌های قضایی در قوه قضائیه روبرو شده و شمار دیگری توسط کمیته انضباطی و حراست احکام صنفی تعلیق و ممنوع‌الورودی دریافت کردند. شماری از دانشجویان نیز مانند محمدحسن ترکمان، مهرشاد شهیدی، دنیا فرهادی، آیلار حقی و حمیدرضا روحی در اعتراضات خیابانی و با شلیک نیروهای جمهوری اسلامی جان باختند. در این میان شماری از استادان دانشگاه نیز در همراهی با دانشجویان و جنبش ملی، نسبت به احکام صادر شده برای دانشجویان اعتراض نموده و انتقاد شدید خود نسبت به برخوردهای سرکوبگرانه را مطرح کردند. تعدادی استاد دانشگاه نیز تعلیق و اخراج شدند یا در اقدامی عجیب

پیشتر و در آبان امسال مهدی واحدی معاون دانشجویی دانشگاه «علامه» گفته بود که «در حال حاضر به حدود ۱۳۰ نفر از دانشجویان از طریق تماس یا پیامک اعلام شده که ممنوع‌الورود هستند. از این تعداد شاید بالغ بر ۴۰ تا ۵۰ نفر به صورت مکتوب متعهد شده اند که اقدامات فراقانونی خود را تکرار نخواهند کرد. در همین راستا ممنوعیت ورود کسانی که متعهد شدند لغو شده است تا زمانی که شورای انضباطی تشکیل شود». حالا محمدرضا رهپور مدیر دفتر حقوقی دانشگاه «علامه» اعلام کرده است که با توجه به ابلاغیه عفو، احکام صادره از سوی شورای انضباطی دانشجویان این دانشگاه که به



اعتراض دانشجویان دانشگاه پلی‌تکنیک / شهریور ۱۴۰۱

آن موافقت کرده است. گام نخست این بسته شامل آزادی زندانیان سیاسی و بازداشت‌شدگان است که در روزهای گذشته اجرا شده است. این بسته گام سوم نیز برای «عفو» ایرانیان خارج کشور دارد.

طی روزهای گذشته ابراهیم رئیسی از طراحی بسته‌ای با عنوان «بسته امتداد وحدت» خبر داد. ابراهیم رئیسی گفته این بسته سه گروه مخاطب اصلی شامل دانشجویان، چهره‌ها و ایرانیان خارج از کشور دارد. او افزوده که در این بسته سازوکاری طراحی شده که ضمن باز کردن راه برای بازگشت دانشجویان به تحصیل و چهره‌ها به کار و فعالیت خود، تسهیلات بی‌سابقه‌ای برای بازگشت ایرانیان خارج کشور فراهم می‌شود.

ابراهیم رئیسی در حاشیه راهپیمایی فرمایشی و حکومتی ۲۲ بهمن هم به این بسته اشاره کرد و گفت: «تعداد زیادی از متهمان و محکومان اغتشاشات اخیر، دانشجویان و چهره‌های فرهنگی، ورزشی، رسانه‌ای نیز که در اثر اقدامات غیرقانونی مشمول محدودیت‌هایی شده‌اند، مورد عفو و بخشودگی قرار خواهند گرفت.»

رئیسی همچنین افزوده که «یکی دیگر از محورهای بسته وحدت‌آفرین دولت، ایجاد تسهیلات بی‌سابقه برای بازگشت ایرانیان خارج از کشور و رفع محدودیت حتی برای آندسته از ایرانیانی است که در مقاطعی مرتکب اقدامات خلاف قانون شده‌اند. جزئیات بسته دولت به زودی ضمن ابلاغ به وزرا و دستگاه‌های مربوطه به اطلاع عموم مردم خواهد رسید.»

از سوی وزارت علوم یا سازمان سنجش دانشگاه‌های آزاد، احکام بازنشستگی دریافت کردند.

برای فونه ۸۷ تن از اساتید دانشگاه علوم پزشکی شیراز آبان امسال در حمایت از دانشجویان و مخالفت با سرکوب‌ها بیانیه‌ای صادر و نوشتند: «مستولان دانشگاه باید آگاه باشند که وظیفه‌ی ایشان حفاظت از دانشجویان و حریم دانشگاه و نه همکاری با نهادهای خاطی جهت آسیب رساندن به دانشجویان است. تردیدی نیست که برخوردهای غیرقانونی حراست و نهادهای امنیتی قابل چشم‌پوشی نبوده و این هتک حرمت‌ها نیز فراموش نخواهد شد.»

هفته گذشته نیز ۹ استادان اخراج شده از دانشکده علوم سیاسی دانشگاه «آزاد تهران مرکز» با صدور بیانیه‌ای نسبت به اخراج خود واکنش نشان دادند و نوشتند: «در دانشگاه به هر دفتری که مراجعه کردیم از واحد تهران مرکز تا ستاد مرکزی، گفتند نامه بنویسید در کارتا بل قرار می‌گیرد و اگر آقایان معاون صلاح دیدند، وقت می‌دهند. یا اینکه روز ملاقات عمومی بیاید و البته اگر آن روز جایی دیگر در جلسه نبودند، شما را می‌بینند.»

از سوی دیگر مشخص نیست عفو اعلام شده برای دانشگاهیان فقط مشمول دانشجویانی است که توسط حراست و کمیته انضباطی تعلیق و ممنوع‌الورود شدند یا مشمول آندسته از دانشجویان که زندان یا توسط قوه قضائیه محکوم شدند هم خواهد بود یا نه. شماری از دانشجویان در روزهای گذشته و در جریان آزادی

خاطر برخی تخلفات انضباطی بود، با فرمان جدید بخشیده یا تعلیق شدند.

مهدی بیژن‌زاده معاون دانشجویی علوم پزشکی جندی شاپور اهواز نیز امروز سه‌شنبه ۲۵ بهمن‌ماه با اشاره به صادر شدن احکام بدوی انضباطی برای دانشجویان و صدور عفو برای دانشگاهیان گفت که احکام انضباطی که در ماه‌های گذشته علیه دانشجویان صادر شده، با توجه به پیام‌های مندرج در عفو مقام معظم رهبری در خصوص محکومین اجتماعات اخیر کشور و همچنین آرامش حاکم بر دانشگاه در طی این مدت، در هیئت تجدید نظر شورای انضباطی مد نظر قرار خواهند گرفت.

با آغاز جنبش انقلابی علیه جمهوری اسلامی که از هفته آخر شهریور و در پی قتل حکومتی مهسا امینی به دست پلیس گشت ارشاد آغاز شد، جنبش دانشجویی ایران که بیش از دو دهه در خدمت جریان اصلاح‌طلب و پیش‌برنده اهداف سیاسی و اجتماعی آنها بود، نقش مهمی در انقلاب ملی بر عهده گرفت.

دانشجویان از نخستین روزهای اعتراضات در دانشگاه‌های مختلف تجمعات و اعتصابات خود را آغاز کردند. گزارش نهادهای حقوق بشری حکایت از بازداشت بیش از ۶۰۰ دانشجو طی سه ماه دارد. دانشجویان زیادی نیز احضار، تهدید و تعلیق شدند. همانطور که معاون دانشجویی دانشگاه «علامه» هم اشاره کرده شمار زیادی از دانشجویان نیز ممنوع‌الورود به دانشگاه شناخته شدند. بخشی از

سازماندهی دارد، نه طرح و برنامه دارد، نه رهبر کارزماتیک دارد، نه تشکل دارد و... فقط و فقط موضوعی که براندازی را به وجود آورده، ناامیدی از اصلاح در داخل است.»

صادق زیباکلام معتقد است که «موتور اعتراضات اخیر دانشجویان و دانشگاه‌ها بودند. امروز چون دانشگاه‌ها به خاطر امتحان و فشار و... تعطیل هستند، دامنه حضور میدانی مردم هم کاهش پیدا کرده است. اما این به معنای کاهش اعتراضات نیست. این آتش همچنان شعله‌ور است، هرچند ممکن است برای مدتی زیر خاکستر برود، اما ورزش یک باد یا یک متغیر پیرامونی کافی است تا این شعله‌ها را قوی‌تر از قبل شناور کند.»

سعید مدنی جامعه‌شناس زندانی در تحلیلی با عنوان «۱۰۰ سال و ۱۰۰ روز درباره خیزش مهسا» نیز پیش‌بینی کرد که اعتراضات سراسری در ایران در آینده نزدیک با شدت بیشتری ادامه داشته باشد.

در این میان برخی در بدنه جمهوری اسلامی نیز تصور می‌کنند راه برون‌رفت از شرایط انقلابی و حفظ حیات جمهوری اسلامی ایجاد سازوکاری برای اعتراض و تجمع مردم است. برای نمونه علی صوفی دبیرکل حزب حکومتی «پیشرو اصلاحات» در یادداشتی نوشته که «احزاب [احزاب حکومتی و فرمایشی فعال در جمهوری اسلامی] می‌توانند نقش میانجی و واسط میان مردم و حاکمیت را بر عهده بگیرند. به‌ویژه آنکه برپایی تجمع‌های اعتراضی به شکل قانونی، از بروز سوء

یک جامعه‌شناس در ایران:

امکان ندارد کشور به قبل از شهریور ۱۴۰۱ بازگردد

عنوان بخش آونگارد و پیشروی جامعه ایران، وارد دوره تازه‌ای از حیات خود شده است. با یک گفتمان دگر باره و رویاهای تازه. این فرض من در رابطه با جامعه ایران است.»

در شرایطی که همچنان بخش زیادی از اصلاح‌طلبان به دنبال ارائه راهکارهایی برای تغییر قانون اساسی در چهارچوب جمهوری اسلامی و ایجاد تغییراتی برای بهبود شرایط هستند اما نظرسنجی‌های مختلف نشان می‌دهد تغییر حکومت یک خواسته حداکثری در ایران است و پیوند غالب جمعیت کشور با جمهوری اسلامی کاملاً از بین رفته است.

برخی دیگر از افراد متصل به جمهوری اسلامی نیز در اینباره هشدارهایی داده‌اند. از جمله غلامعلی رجایی مشاور وقت اکبر هاشمی رفسنجانی نیمه آبان و در هفتمین هفته جنبش

● مقصود فراستخواه: نسل‌های جوان می‌خواهند رنسانس ۲۰۰ ساله ناتمام را که از پدران‌شان به آنها به ارث رسیده به سرمزمل مقصود برسانند.

● صادق زیباکلام: این آتش همچنان شعله‌ور است، هرچند ممکن است برای مدتی زیر خاکستر برود، اما ورزش یک باد یا یک متغیر پیرامونی کافی است تا این شعله‌ها را قوی‌تر از قبل شناور کند.

● سعید مدنی جامعه‌شناس زندانی پیش‌بینی کرده که اعتراضات سراسری در ایران در آینده نزدیک با شدت بیشتری ادامه داشته باشد.

مقصود فراستخواه جامعه‌شناس و استاد برنامه‌ریزی توسعه آموزش می‌گوید نشانه‌های یک پوست‌اندازی بزرگ نمایان شده و امکان ندارد کشور به قبل از شهریور ۱۴۰۱ بازگردد.

مقصود فراستخواه جامعه‌شناس و استاد برنامه‌ریزی توسعه آموزش در گفتگو با روزنامه «اعتقاد» در ایران گفته که «از نظر من جنبش اعتراضی تابستان و پاییز ۱۴۰۱ قابل تقلیل به یک جنبش سیاسی صرف نیست. البته که این جنبش، سویه‌های سیاسی چشمگیری هم دارد، اما در پس آن، نشانه‌های یک پوست‌اندازی بزرگ اجتماعی در جامعه ایران نمایان شده است. یک رنسانس فرهنگی و اجتماعی بزرگ در جامعه ایران آغاز شده که بخش بزرگی از اجتماع ایرانی، جوانان، زنان، نخبگان، طبقات متوسط جدید شهری و... را درگیر کرده است.»

این جامعه‌شناس همچنین گفته «طی ۱۰ الی ۱۵ سال اخیر، بارها از مفهومی با عنوان «جرم بحرانی» در ایران صحبت کرده‌ام. گفته‌ام تغییری واقعی در بخش بزرگی از متن جامعه ایران رخ داده، ولی چون سیستم رسمی نتوانسته این تحولات را به درستی درک کرده و رفتار درستی با آن داشته باشد این تغییرات به یک توده بحرانی بدل شده است.»

مقصود فراستخواه گفته که «به دفعات تکرار کرده‌ام، ایران به یک توده بحرانی بدل شده است. چون سیستم رسمی، درک و شناختی از آن ندارد، این غده در حال بحرانی‌تر شدن و تسری در سراسر پیکره این سرزمین است اما نظام حکمرانی به جای تدبیر، فقط به دنبال محدودسازی و کانالیزه کردن موضوعات است. جامعه ایران البته یک جامعه دو کوهانه است و ممکن است افشار گوناگون در آن مطالبات گوناگونی داشته باشند.»

او ادامه داده که «بخش دیگری از جامعه ممکن است موضوعات دیگری همچون مسائل معیشتی، ارزش‌های بقا، وابستگی به سنت‌ها و رسوم و باورهای گذشته و حتی حمایت از سیستم مستقر را مدنظر داشته باشند، اما در هر حال بخش کثیری از این جامعه خواستار تغییر و تحول هستند و بخش تعیین‌کننده‌ای از جامعه ایرانی متفاوت با حکومت فکر می‌کنند.»

او افزوده که «نسل‌های جوان می‌خواهند رنسانس ۲۰۰ ساله ناتمام که از پدران‌شان به آنها به ارث رسیده را به سرمزمل مقصود برسانند.»

مقصود فراستخواه افزوده که «این مردم خودانگاری (self image) دیگری دارند، درک دیگری از دولت، جهان و... دارند. خودانگاری هویتی جدیدی دارند و نمی‌توانند از زیر بار این حس و این درک شانه خالی کنند. پس اکنون، حداقل در بخش مهمی از جامعه ایران، یک بیداری، یک حس فروخورده، افقی از انتظارات تازه، شکاف‌های از نو سر باز کرده و... ملاحظه می‌شود.»

این جامعه‌شناس تأکید کرده که «حرف اصلی من این است که این یک رشد بی‌بازگشت است و ابتدا امکان ندارد کشور به ما قبل شهریور ۱۴۰۱ بازگردد. این بخش از جامعه ایران به



اعتراضات سراسری در ایران (تهران سپتامبر ۲۰۲۲)

استفاده‌ها جلوگیری کرده و آسیب‌های اجتماعی و تخریب اموال عمومی را به حداقل می‌رساند و از بین می‌برد.»

همزمان در دولت نیز برای جهت‌دهی به پتانسیل اعتراضی جامعه تلاش می‌شود. برای نمونه عبدالله مرادی مدیرکل امور سیاسی وزارت کشور هفته گذشته با اعلام اینکه دستورالعمل برگزاری تجمعات قانونی تهیه شده، گفت که این دستورالعمل به زودی به دستگاه‌ها ابلاغ می‌شود.

عبدالله مرادی گفته که «طبق اصل ۲۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها، بدون حمل سلاح، به شرط آن که مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد است. به استناد همین اصل، پس قانون اساسی اعتراض را به طور اصولی پذیرفته است به شرطی که مقابل مبانی اسلام و همراه با حمل سلاح نباشد.»

مدیرکل امور سیاسی وزارت کشور با اعلام تهیه دستورالعملی برای برگزاری تجمعات قانونی در ایران گفته که «در این دستورالعمل باید مرجع صدور مجوز و کسی که مجوز را دریافت می‌کند همچنین تامین‌کننده نظم و امنیت مراسم و وظایف دستگاه‌های امنیتی و انتظامی برای برگزاری این مراسمات مشخص شود.»

انقلابی علیه جمهوری اسلامی در گفتگو با «شرق» گفته بود که «جامعه الان از مسئله حجاب عبور کرده است. به نظر من سیستم رسانه‌ای در این ۴۰، ۵۰ روز کاملاً فشل بوده است. باید مطالبات، جدی‌تر به رسمیت شناخت شود، چهره امنیتی کشور اصلاح شود و یک سری کارها هم نباید بشود. باید خشونت و سرکوب را کنار گذاشت و از طریق عناصری که اگر بتوانند تأثیرگذار باشند، اینها را دعوت به گفتگو کنند و اجازه اعتراضات آزاد را بدهند و البته با خاطیان به اشد وجه برخورد کنند.»

مصطفی مهرآیین استاد دانشگاه و جامعه‌شناس نیز پیشتر جنبش اعتراضی اخیر علیه جمهوری اسلامی را «انقلاب خیر علیه شر» خواند و مقام‌های جمهوری اسلامی را به تفکر در مورد این پرسش دعوت کرد که چگونه جمهوری اسلامی در طول چهار دهه تبدیل به یک «شر بنیادین» شده است؟

صادق زیباکلام نیز اول بهمن در گفتگو با روزنامه «اعتقاد» مدعی شده بود که «براندازی و براندازان، عکس‌العمل سرخوردگی و ناامیدی مردم در خصوص اصلاحات و تغییر هستند. اصرار بر سیاست‌های اشتباه دهه‌های اخیر است که براندازی را شکل داده است. وگرنه براندازی به نظر من نه

«بسته امتداد وحدت»! ایرانیان خارج کشور به بازی تکراری جمهوری اسلامی باور ندارند!



این افراد یا دارای ثروت مالی زیادی هستند که در آنجا مشغول کار و تولید هستند و در این شرایط خاص ثروت آنها می‌تواند برای سرمایه‌گذاری در کشور به کمک دولت و ملت بیاید و یا صاحبان فکر، اندیشه و دانش بالا هستند و در دانشگاه‌های تراز اول و معتبر جهان تدریس می‌کنند و یا در مراتب مهم علمی و فناوری اساتید برجسته‌ای هستند که در علوم مختلف می‌درخشند.»

مجید انصاری ایرانیان خارج کشور را «سرمایه بالقوه و بالفعل کشور» دانسته و گفته که «باید به درستی با آنها ارتباط می‌داشتیم تا به کشور رفت و آمد کنند. به ویژه فرزندان آنها باید بیشتر رفت و آمد کنند تا ارتباطشان با زادگاه اجدادی قطع نشود و فرهنگ ایران از ذهن آنها پاک نشود. فرهنگ ایران باید به آنها انتقال پیدا کند چرا که این موضوع یک ضرورت است.»

صحبت از عفو معترضان و آغوش گشاده به سوی ایرانیان خارج کشور در حالیست که علی‌بهادری جهرمی سخنگوی دولت پیشتر معترضان ایرانی را با کودتاگران در ترکیه که اپوزیسیون دولت رجب طیب اردوغان هستند مقایسه کرده بود. بهادری جهرمی یک هفته پیش گفته بود که «عفو عمومی گسترده‌ای که روز گذشته از سوی رهبر انقلاب اسلامی صورت گرفت را با اخراج گسترده کارمندان و معلمان بعد از کودتای اخیر در یکی از کشورهای منطقه [ترکیه] مقایسه کنید.»

اینهمه در حالیست که جلب ایرانیان خارج کشور برای بازگشت به ایران در تمامی دولت‌های گذشته از علی‌اکبر رفسنجانی تا محمد خاتمی و محمود احمدی‌نژاد و حسن روحانی تکرار شده است! اما نه تنها ایرانیان ساکن کشورهای دیگر به ایران باز نگشته‌اند بلکه با بدتر شدن شرایط، انواع موج مهاجرت نسل‌های جوان از همه طبقات و قشرهای اجتماعی شکل گرفت! ضمن اینکه بسیاری از فرزندان و خویشاوندان مقامات خود رژیم حاضر به تحمل

می‌گیرند.

ابراهیم رئیسی رئیس دولت سیزدهم طی گفتگو با علی خامنه‌ای و جلب رضایت او از تدوین بسته‌ای به نام «بسته امتداد وحدت» خبر داده که بخشی از آن به فراهم کردن مسیری برای بازگشت ایرانیان خارج کشور اختصاص دارد. ابراهیم رئیسی گفته این بسته سه گروه مخاطب اصلی شامل دانشجویان، چهره‌ها و ایرانیان خارج از کشور دارد. او افزوده که در این بسته سازوکاری طراحی شده که ضمن باز کردن راه برای بازگشت دانشجویان به تحصیل و چهره‌ها به کار و فعالیت خود، تسهیلات بی‌سابقه‌ای برای بازگشت ایرانیان خارج کشور فراهم می‌شود.

ابراهیم رئیسی در حاشیه راهپیمایی فرمایشی و حکومتی ۲۲ بهمن هم به این بسته اشاره کرد و گفت: «تعداد زیادی از متهمان و محکومان اغتشاشات اخیر، دانشجویان و چهره‌های فرهنگی، ورزشی، رسانه‌ای نیز که در اثر اقدامات غیرقانونی مشمول محدودیت‌هایی شده‌اند، مورد عفو و بخشودگی قرار خواهند گرفت.»

رئیسی همچنین افزوده که «یکی دیگر از محورهای بسته وحدت‌آفرین دولت، ایجاد تسهیلات بی‌سابقه برای بازگشت ایرانیان خارج از کشور و رفع محدودیت حتی برای آندسته از ایرانیانی است که در مقاطعی مرتکب اقدامات خلاف قانون شده‌اند. جزئیات بسته دولت به زودی ضمن ابلاغ به وزرا و دستگاه‌های مربوطه به اطلاع عموم مردم خواهد رسید.»

مجید انصاری عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز با استقبال از سخنان ابراهیم رئیسی گفته این سخنان «برای رفع موانع بازگشت ایرانیان خارج از کشور گام نخستین و بسیار مهمی است تا آنها به راحتی و با تسهیلات حداکثری بتوانند در داخل رفت و آمد کنند و مانعی نداشته باشند.» عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام افزوده که «جامعه ایرانی مقیم در اروپا و غرب انسان‌های معمولی نیستند.

● جلب ایرانیان خارج کشور برای بازگشت به ایران در تمامی دولت‌های گذشته از علی‌اکبر رفسنجانی تا محمد خاتمی و محمود احمدی‌نژاد و حسن روحانی تکرار شده است! اما نه تنها ایرانیان ساکن کشورهای دیگر به ایران باز نگشته‌اند بلکه با بدتر شدن شرایط، انواع موج مهاجرت نسل‌های جوان از همه طبقات و قشرهای اجتماعی شکل گرفت! ضمن اینکه بسیاری از فرزندان و خویشاوندان مقامات خود رژیم حاضر به تحمل جمهوری اسلامی نبوده و در کشورهای دیگر و عمدتاً اروپا و آمریکا زندگی می‌کنند.

● ادعا می‌شود در این بسته سازوکاری طراحی شده که ضمن باز کردن راه برای بازگشت دانشجویان به تحصیل و چهره‌ها به کار و فعالیت خود، تسهیلات بی‌سابقه‌ای برای بازگشت ایرانیان خارج کشور فراهم می‌شود.

● هموار کردن مسیر بازگشت ایرانیان خارج کشور بدون اینکه مورد «تعقیب» قرار بگیرند از وعده‌های انتخاباتی ابراهیم رئیسی بوده و از حدود دو سال پیش از سوی او مطرح شده بود.

● در سال‌های گذشته بارها ایرانیان خارج کشور پس از سفر به ایران با انواع فشارها و برخوردهای امنیتی و قضایی روبرو و شماری محکوم شدند! این جدا از فشار بر آنها جهت همکاری امنیتی و خبرچینی و حتا انجام عملیات در میان نیروهای مخالف رژیم است!

سیدابراهیم رئیسی از طراحی بسته‌ای با عنوان «بسته امتداد وحدت» خبر داده که بخشی از آن به رفع موانع برای بازگشت ایرانیان خارج کشور اختصاص دارد. این در حالیست که در موارد زیادی شهروندان ایرانی ساکن کشورهای دیگر در سفر به کشور خود با ضبط پاسپورت، احضار، بازجویی و حتی پرونده‌سازی و همچنین فشار برای همکاری‌های امنیتی و خبرچینی و جاسوسی قرار گرفته و

← جمهوری اسلامی نبوده و در کشورهای دیگر و عمدتاً اروپا و آمریکا زندگی می‌کنند.

پیش از این شماری از فعالان اصلاح‌طلب خواستار «آشتی ملی» برای حفظ حیات جمهوری اسلامی و جلوگیری از سقوط نظام شده بودند. اکنون در حالی با موافقت خامنه‌ای ده‌ها تن از بازداشت‌شدگان اعتراضات اخیر و زندانیان سیاسی آزاد شده‌اند که همچنان فشارهای امنیتی و احضار و صدور احکام نیز ادامه دارد.

از سوی دیگر برخی فعالان سیاسی حکومت تلاش دارند توضیح دهند که آزادی شماری از زندانیان سیاسی با «آشتی ملی» متفاوت است؛ از جمله محمدرضا باهنر دبیرکل جامعه اسلامی مهندسين و نایب رئیس پیشین مجلس شورای اسلامی گفته که «بعضی‌ها از تعبیر آشتی ملی استفاده می‌کنند اما نظام جمهوری اسلامی آن روی رأفت و عطفوت خود را نشان داده و امید داریم هم آزادشدگان و هم دوستان آنها و هم اقوام و خویشان آنها واقعاً قدردان این مسئله رأفت و عطفوت نظام اسلامی باشند».

هرچند مقامات جمهوری اسلامی تلاش دارند از «عطفوت و رأفت» علی‌خامنه‌ای سخن بگویند اما به نظر می‌رسد کلیت جناحین خطر سقوط نظام را حس کرده و به دنبال راهی برای عقب‌انداختن فرایند فروپاشی نظام هستند. علی‌خامنه‌ای نیز در آخرین سخنرانی خود که به مناسبت سالروز پیروزی انقلاب ۵۷ انجام داد بر «اتحاد و وحدت ملی» تأکید کرد.

پایگاه خبری نوریوز نزدیک به شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی نیز در گزارشی با اشاره به «بسته امتداد وحدت» اعلام کرده که ابراهیم رئیسی از مدتی پیش «به دستگاه‌های ذیربط مأموریت داده بود که برای ترمیم برخی آسیب‌های ناشی از ناآرامی‌های اخیر، پیشنهادها و اقدامات خود برای راهگشایی افرادی که در اثر غفلت دست به اقداماتی زده‌اند را ارائه کنند».

اینهمه در حالیست که هموار کردن مسیر بازگشت ایرانیان خارج از کشور بدون اینکه مورد «تعقیب» قرار بگیرند از وعده‌های انتخاباتی ابراهیم رئیسی بوده و از حدود دو سال پیش از سوی او مطرح شده بود.

بسته ارائه شده از سوی ابراهیم رئیسی حتی اگر با ارائه سازوکار عملی در قالب دستورالعمل و ابلاغیه همراه باشد، بعید است ایرانیان خارج کشور را برای بازگشت به ایران مشتاق کند. در سال‌های گذشته بارها ایرانیان خارج کشور پس از بازگشت با انواع فشارها و برخوردهای امنیتی و قضایی روبرو شدند. از جمله‌ی این اقدامات می‌توان به ضبط پاسپورت، بازجویی و پر کردن چندین صفحه فرم وزارت اطلاعات یا اطلاعات سپاه در فرودگاه، بازجویی، احضار، تشکیل پرونده، ممنوع‌الخروجی اشاره کرد. اینهمه جدا از فشارهای امنیتی برای همکاری و خیرچینی و حتا انجام عملیات در میان نیروهای مخالف رژیم است.

شماری از ایرانیان به ویژه ایرانیان دوتابعیتی نیز با پرونده قضایی و اتهاماتی از جمله «جاسوسی»، «اقدام علیه امنیت کشور» و «اقدام علیه جمهوری اسلامی» روبرو شده و حتی سال‌ها در زندان بسر برده‌اند.

از سوی دیگر در ماه‌های اخیر با توجه به حمایت گسترده ایرانیان خارج کشور از جنبش انقلابی درون ایران، حساسیت‌های امنیتی درباره ایرانیان مهاجر که به کشور سفر می‌کنند افزایش پیدا کرده است. بارها در تظاهرات و تجمعات خارج کشور افرادی وابسته به جمهوری اسلامی در حال تصویربرداری از شهروندان ایرانی حاضر در اعتراضات دیده شده‌اند؛ گزارش‌های دیگری از احضار و تهدید خانواده ایرانیان خارج از کشور توسط نهادهای امنیتی و در شهرهای

مختلف ایران منتشر شده است. نهادهای امنیتی از اعضای خانواده ایرانیان ساکن خارج خواسته‌اند اطلاعات و آدرس محل سکونت عضو خانواده خود در خارج را در اختیار نهادهای امنیتی قرار داده و یا از آنها بخواهند در اعتراضات و تجمعاتی که از سوی اپوزیسیون و در حمایت از مردم ایران برگزار می‌شود شرکت نکنند.

جمهوری اسلامی در حالی در آستانه ششمین ماه از جنبش انقلابی مردم ایران به نمایش عفو و باز کردن آغوش به سوی شهروندان ایرانی خارج کشور پرداخته که طی پنج ماه گذشته بیش از ۲۰ هزار نفر در ایران بازداشت شدند. شمار زیادی از هنرمندان، ورزشکاران و چهره‌های شناخته شده به دلیل انتقاد از سرکوب معترضان یا حمایت از جنبش اعتراضی مردم احضار، بازداشت و با پرونده قضایی روبرو شده‌اند. پیش از این خانه سینما از احضار و بازجویی و تشکیل پرونده قضایی برای بیش از ۱۰۰ سینماگر خبر داده بود.

از سوی دیگر مجلس شورای اسلامی به دنبال تدوین و تصویب قوانینی است که شرایط برخورد با شهروندان به دلیل اظهار نظر درباره حکومت یا انتقاد از عملکرد نظام را هموار می‌کند.

برای نمونه طرح جدید برای جرم‌انگاری اظهار نظر افراد مشهور درباره مسائل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور در کمیسیون قضایی مجلس شورای اسلامی در دست بررسی است. این طرح در قالب «افزودن یک ماده به کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی» تدوین شده است.

بر اساس این طرح بخش جدیدی به ماده ۵۱۲ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی افزوده می‌شود. بر اساس این بخش جدید، «هر کس مردم را به قصد برهم زدن امنیت کشور به جنگ و کشتار یا یکدیگر اغوا یا تحریک کند صرف نظر از اینکه موجب قتل و غارت بشود یا نشود به یک تا پنج سال حبس محکوم می‌گردد».

بخش جدیدی که کمیسیون قضایی مجلس شورای اسلامی آن را با عنوان «ماده مکرر» تدوین کرده، سلب‌ریتی‌ها و افراد مشهور و پرمخاطب را هدف قرار داده است؛ این افراد در صورت اظهار نظر درباره مسائل کشور به مجازات درجه سه که طبق قانون مجازات اسلامی شامل «حبس بیشتر از ۱۰ تا ۱۵ سال» و «جزای نقدی بیشتر از ۳۶۰ میلیون ریال تا ۵۵۰ میلیون ریال» است محکوم خواهند شد.

طرح «تشدید مجازات جاسوسی و همکاری با دولت‌های متخاصم» از جمله دیگر طرح‌های جدید مجلس شورای اسلامی است که بر اساس آن هر گونه همکاری با کشورهای متخاصم از جمله فعالیت در اندیشکده‌ها، رسانه‌ها و حتی موسسات اقتصادی این کشورها، جرم جاسوسی شمرده می‌شود.

پیشتر نمایندگانی که در واقع مجلس گوش به فرمان ولی فقیه هستند، طرح اعدام معترضان و همچنین مجازات دانشجویان را مطرح کرده بودند. بر اساس طرحی که برای سرکوب دانشجویان از سوی نمایندگان تدوین شده، دانشجویان معترض که در این طرح «هنجارشکن» خوانده شده‌اند را برای ده سال از سفر به خارج از کشور منع کنند. یکی دیگر از مجازات‌های در نظر گرفته برای دانشجویان اینست که کل شهریه دوره تحصیل را یکجا پرداخت کنند وگرنه اخراج می‌شوند.

نمایندگان مجلس شورای اسلامی همچنین آبان‌ماه امسال با ارسال نامه‌ای به غلامحسین محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضاییه خواستار صدور حکم «اعدام» برای معترضان زندانی شدند. بر اساس گزارش‌ها این نامه به امضای ۲۲۷ تن از ۲۹۰ نماینده مجلس شورای اسلامی رسیده بود.

راهپیمایی حکومتی «۲۲ بهمن»:

شرایط پادگانی، خطابه خوانی علیه پهلوی‌ها و کشیده شدن اختلافات درون نظام به کف خیابان

● در مسیر راهپیمایی حکومتی پپیادهای «شاهد ۱۳۶» که در جنگ اوکراین استفاده شده‌اند و موشک‌های بالستیک و ادوات نظامی به نمایش گذاشته شد.

● سردار پاسدار محمد تولایی معاون هماهنگ کننده سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (ساس) در یک مصاحبه رادیویی با اشاره به اعتراضات اخیر در ایران گفت: «مدتی است دشمنان بر آتش تنور اختلافات می‌دمند و تلاش می‌کنند شکاف ایجاد کنند».

● بخشی از سخنرانی ابراهیم رئیسی «قاضی مرگ» تحت تأثیر خیزش ملی قرار داشت. او در واقع علیه پهلوی‌ها خطابه خواند و با بیان اینکه «برخی‌ها می‌خواهند چهره رژیم پهلوی را تطهیر کنند» گفت: «باید تبیین شود به ویژه برای جوانان که رژیم پهلوی چه عقب‌ماندگی و ذلتی برای ملت ایران به ارمغان آورد».

مراسم حکومتی «راهپیمایی ۲۲ بهمن» در چهل و چهار سالگی انقلاب اسلامی با نمایش انواع جنگ‌افزار از جمله موشک بالستیک «عماد» و پیپادهای انتحاری «شاهد ۱۳۶» برگزار شد. نهادهای نظامی مسیر خیابان «آزادی» تا میدان «شهید» را با غرفه‌هایی که در آن ادوات نظامی به نمایش درآمده بود شبیه پادگان کرده بودند.

سردار پاسدار محمد تولایی معاون هماهنگ کننده سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (ساس) در یک مصاحبه رادیویی با اشاره به اعتراضات اخیر در ایران گفت: «مدتی است دشمنان بر آتش تنور اختلافات می‌دمند و تلاش می‌کنند شکاف ایجاد کنند و بگویند که مردم نسبت به انقلاب دل‌سرد شده‌اند و حضور مردم در راهپیمایی باطل کننده نقشه شوم دشمنان است».

وزارت دفاع جمهوری اسلامی در بیانیه‌ای به مناسبت این روز انقلاب اسلامی را یک «پدیده بین‌المللی» توصیف کرد که تکیه‌گاه «محور مقاومت» و «نهضت‌های بیداری و ضد استکباری» است. وی «جشن ۲۲ بهمن» را مراسمی در «گستره جهانی» و گامی در «تراز جهانی» خواند.

بخشی از سخنرانی سید ابراهیم رئیسی «قاضی مرگ» تحت تأثیر خیزش ملی قرار داشت. او در واقع علیه پهلوی‌ها خطابه خواند و با بیان اینکه «برخی‌ها می‌خواهند چهره رژیم پهلوی را تطهیر کنند» گفت: «باید تبیین شود به ویژه برای جوانان که رژیم پهلوی چه عقب‌ماندگی و ذلتی برای ملت



روی یکی از این پلاکاردها نوشته شده بود «بخش عمده‌ای از اغتشاشات اخیر محصول قصور دبیران شورای عالی نظام است که از زمان حضور روحانی تا به حال در جایگاه خود مانده‌اند. آقای رئیسی: پلایش اساسی».

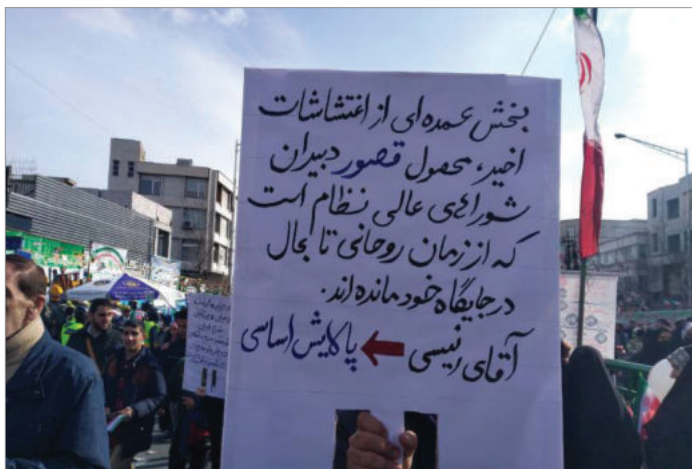
تعدادی از شرکت‌کنندگان در راهپیمایی حکومتی پلاکاردهایی در اعتراض به گرانی و فقر و فساد در دست داشتند. روی یکی از آنها نوشته شده بود «فقر مردم گناه

روحانی به خبرنگاران گفت، «دشمنان مردم ایران روزی سودای این را داشتند که انقلاب چهل‌سالگی خود را نمی‌بینند، اما این توهم با مقاومت و ایستادگی، وحدت و انسجام ملت تبدیل به خیالی باطل شد.» وی در مدح علی خامنه‌ای نیز افزود: «استواری امروز نظام اسلامی نتیجه راهبری مقام معظم رهبری با تقویت جمهوریت و اسلامیت است که پشتیبان رای و نظر مردم است.»

➔ ایران به ارمان آورد.»

رئیس با اشاره به «مشروطه» ادعا کرد: «هم ایجاد حکومت پهلوی با کودتا بود و هم برخلاف اصول مشروطه بقای آن با کودتا انجام شد... به امور مردم بی‌توجه بودند و دنبال این بودند که آمریکا خشنود شود.»

شماری از حامیان نظام تابوت نمادین چهره‌هایی از اپوزیسیون را به دوش کشیده و پوسته‌هایی از کاریکاتورهایی



پلاکاردهای علی شمعانی دبیر شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی



نمایش پهبادهای «شاهد ۱۳۶» که در جنگ اوکراین استفاده شده‌اند

فرمانروایان است.»

در همین زمینه حبیب‌الله سیاری رئیس ستاد و معاون هماهنگ‌کننده ارتش جمهوری اسلامی که خودش از «فرماندهان ولایت‌مدار» محسوب می‌شود به خبرنگاری ایلنا گفته «حضور مردم وظیفه حاکمیت را سنگین می‌کند.»

سیاری تلویحاً اشاره‌ای هم به اعتراضات و همزمان تهدید غربی‌ها به اقدام نظامی علیه تأسیسات استراتژیک جمهوری اسلامی کرد و گفت: «آنها که دشمنان انقلاب هستند بدانند که این انقلاب ریشه در دل مردم دارد و مردم از انقلاب‌شان

البته حسن روحانی جمله‌ای نیز گفت که حاکی از اختلافات در سطوح بالای نظام است. وی بدون نام بردن از فرد یا جریانی خاص گفت: «نگذاریم اقلیتی قدرت‌طلب اکثریت را کنار بزنند که آن روز پایان انقلاب خواهد بود!»

تعدادی از حامیان حکومت پلاکاردهایی علیه علی شمعانی دبیر «شورای عالی امنیت ملی» جمهوری اسلامی در دست داشتند. بعید است مردم عادی حامی نظام جرأت حمل چنین پلاکاردهایی را داشته باشند از این رو به احتمال زیاد جریان‌های سیاسی مخالف شمعانی پشت آن هستند.

آنها را در دست گرفته بودند.

حامیان نظام تابوتی را به صورت نمادین حمل می‌کردند که تصاویری از شاهزاده رضا پهلوی، علی کریمی، مسیح علینژاد، علیرضا نوریزاده و محسن سازگارا روی آن دیده می‌شد احمدرضا رادان فرمانده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی در حاشیه این راهپیمایی گفت «الحمدلله امسال نیز همچون سال‌های گذشته و حتی بهتر از قبل شاهد حضور مردم در راهپیمایی باشکوه پیروزی انقلاب هستیم.» وی ادعا کرده «مردم ما وفادارتر از قبل پای انقلاب هستند و انشالله چشم



وسط خیابان «آزادی» یکی از چادری‌های حکومتی دنبال افزایش جمعیت «نشاط بیشتر» بود



موشک بالستیک «عماد»

دفاع می‌کنند و آنها بی‌خودی برای خودشان برنامه‌ریزی نکنند.»

کشورهای قطر، عمان، کویت، امارات، هند، تاجیکستان، بلاروس، ویتنام، مجارستان و چند دولت دیگر نیز سالگرد انقلاب را به مقامات جمهوری اسلامی تبریک گفتند.

راهپیمایی امسال حکومت در سالگرد پیروزی انقلابی که آن را بر سر کار آورد، بی‌رونق‌تر از همیشه برگزار شد. همزمان خالفان نظام در شبکه‌های اجتماعی هشتگ «#نگ_بر_فتنه_۵۷» را به راه انداختند.

علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی ۱۹ بهمن در دیدار با پرسنل نیروی هوایی ارتش هشدار داده بود «ایجاد بدبینی میان دستجات سیاسی، بی‌اعتمادی مردم نسبت به یکدیگر و نسبت به حکومت، و ایجاد بدبینی بین سازمان‌ها، جزو راهبردهای تحقق اهداف بدخواهان ایران است.» او اشاره کرد که «اختلاف‌هایی قهراً وجود دارد اما نباید آنها را به گسل تبدیل کرد.» این در حالیست که بخشی از این اختلافات بطور آشکار در راهپیمایی حکومتی «۲۲ بهمن» به نمایش درآمد.

دشمنان نظام از سال‌های قبل کورتر می‌شود.»

آنچه جلب توجه می‌کرد تعداد زیاد محافظان شخصیت‌ها و مقام‌های جمهوری اسلامی بود که به راهپیمایی آمده بودند. شماری از شخصیت‌های وابسته به جریان «اصلاح‌طلب» از جمله حسن روحانی، محمود واعظی (رئیس دفتر روحانی در دوران ریاست جمهوری)، محمدجواد آذری جهرمی (وزیر ارتباطات دولت روحانی) و علی‌اکبر ناطق‌نوری رئیس سابق مجلس شورای اسلامی در راهپیمایی حضور داشتند.

فایننشال تایمز: ترسیم معادلات جدید با کنار گذاشتن رژیم‌های ایران و روسیه از کنفرانس امنیتی مونیخ

با اینهمه اکنون کنفرانس مونیخ به ریشه‌های خود باز می‌گردد. اگرچه رهبران زیادی از آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین در آن حضور خواهند داشت، اما اکثریت قریب به اتفاق شرکت‌کنندگان از ایالات متحده و اروپا هستند. برگزارکنندگان افتخار می‌کنند که در کنفرانس امسال بزرگترین هیئت کنگره ایالات متحده به مونیخ می‌آیند.

برخی از این واقعیت که ائتلاف غرب از کنفرانس مونیخ به عنوان فرصتی برای نشان دادن اهداف مشترک به ویژه در مورد اوکراین استفاده خواهد کرد استقبال می‌کنند. رودریش کیزوتر نماینده دموکرات مسیحی و سرهنگ بازنشسته می‌گوید: «کنفرانس مونیخ بیش از پیش به گردهمایی کشورهای همفکر تبدیل می‌شود و این موضوع خوبی است. گاهی اوقات باید برای جنایتکاران جنگی خط و نشان بکشید و به آنها بفهمانید که آنها بخشی از این مجموعه نیستند.»

اما برخی دیگر نگرانند که کنار گذاشتن برخی کشورها در درازمدت، ممکن است باعث از دست رفتن هویت کنفرانس شود. یک دیپلمات ارشد آلمانی می‌گوید: «این کنفرانس نمی‌تواند فقط به یک اتاق پژواک تبدیل شود.» به گفته او خطر این است که می‌تواند به نسخه بایرنی [بایرن ایالتی

روزنامه فایننشال تایمز که برخی نویسندگان و تحلیلگرانش در گزارش‌های خود مرتبط با ایران و روسیه با عبارات و جمله‌بندی‌های خاص با سیاست‌های تهران و مسکو سابقه همسویی دارند می‌نویسد «برای شرکت‌کنندگان دائمی در این کنفرانس غیبت سرگئی لاوروف وزیر خارجه روسیه عجیب خواهد بود و کریستوف هیوسگن رئیس کنفرانس امنیتی مونیخ توضیحی برای کنار گذاشتن او نداده است.»

در این گزارش آمده مقامات جمهوری اسلامی ایران نیز دعوت نشدند که این واکنشی به سرکوب وحشیانه اعتراضات در ایران است. ولفگانگ ایشینگر سفیر اسبق آلمان در آمریکا و انگلیس که از سال ۲۰۰۸ ریاست کنفرانس مونیخ را به عهده داشت گفته «تصمیم برای کم کردن لیست مهمانان تصمیم درستی بود.» وی این را هم اضافه می‌کند که «شخصاً فکر می‌کنم حیف است. من همیشه احساس می‌کردم که این کنفرانس بستر مهمی برای گفتگوهای غیررسمی با دشمنان است که در شرایط دیگر سخت است. کشورهایی که تماس رسمی ما با آنها ضعیف بود یا اصلاً وجود نداشت.» کنفرانس مونیخ در سال ۱۹۶۲ در اوج جنگ سرد توسط ادوارد هاینریش فن کلایست-اشمنتسین افسر سرشناس آلمانی بنیان گذاشته شد و در آغاز فعالیت، «کنفرانس

رودریش کیزوتر نماینده دموکرات مسیحی و سرهنگ بازنشسته می‌گوید: «کنفرانس مونیخ بیش از پیش به گردهمایی کشورهای همفکر تبدیل می‌شود و این مسئله خوبی است. گاهی اوقات باید برای جنایتکاران جنگی خط و نشان بکشید و به آنها بفهمانید که آنها بخشی از این مجموعه نیستند.»

فایننشال تایمز ابراز امیدواری کرده با وجود اینکه نمایندگان جمهوری اسلامی و روسیه در کنفرانس حضور ندارند ولی در راهروهای هتل مجلل «بایریش هوف» محل برگزاری این کنفرانس ممکن است فرصت‌هایی برای گفتگو فراهم شود.

یکی از نکاتی که در گزارش فایننشال تایمز به آن اشاره نشده اما مرتبط با «ترسیم معادلات جدید در کنفرانس مونیخ» است حضور شاهزاده رضا پهلوی چهره شاخص آزادیخواه و مخالف جمهوری اسلامی و مسیح علینژاد فعال حقوق زنان در این کنفرانس است. این در حالیست که در آگهی کنفرانس امسال از عکسی مربوط به تظاهرات ایرانیان خارج کشور علیه رژیم ایران با پرچم ملی ایران و نشان شبروخورشید و عکس مهسا امینی و شعارهای آزادیخواهی ایرانیان استفاده شده است.



حضور سرگئی لاوروف وزیر خارجه روسیه و چند مقام روسی در کنفرانس امنیتی مونیخ ۲۰۲۲



کریستوف هیوسگن رئیس کنفرانس امنیتی مونیخ: «هیچکس نمی‌تواند از ما انتظار داشته باشد که به [وزیر خارجه روسیه] سرگئی لاوروف، که اساساً سخنگوی پوتین است، پیشنهاد تبلیغات [سیاست پوتین] در یک نشست را بدهیم»

که شهر مونیخ در آن قرار دارد] نشست هالیفاکس تبدیل شود که سالیانه در کانادا برگزار می‌شود اما تمرکز بیشتری بر غرب دارد.»

فایننشال تایمز در ادامه می‌نویسد «امسال مونیخ زمینه را برای مجموعه‌ای جدیدی از تنش‌ها میان شرق و غرب فراهم می‌کند: بین ایالات متحده و چین.» این نشست پس از آن برگزار می‌شود که هوایی‌های آمریکایی اوایل ماه جاری یک بالن ادعایی جاسوسی چین را در حریم هوایی آمریکای شمالی سرنگون کردند. سازماندهندگان کنفرانس مونیخ امیدوارند مذاکراتی که بین وانگ یی وزیر خارجه چین و همتای آمریکایی وی آنتونی بلینکن در حاشیه کنفرانس برگزار می‌شود بخشی از تنش‌های ناشی از ماجرای بالون‌ها را کاهش دهد.»

امنیتی بین‌المللی» و نیز «کنگره دفاع‌شناسی» نام داشت. این کنفرانس خیلی زود مورد توجه دولت‌های فرآتلانتیک قرار گرفت تا جایی که سیاستمداران غربی، ژنرال‌ها و رؤسای سازمان‌های اطلاعاتی گرد هم می‌آمدند تا جبهه‌ای متحد در مبارزه خود با کمونیسم شوروی به نمایش بگذارند. یکی از مقامات بلندپایه آلمانی می‌گوید: «کنفرانس امنیتی مونیخ برای منعطف کردن، قدرت‌سازی و انسجام اتحاد فرآتلانتیک بود نه واقعاً در مورد مسائل بین‌المللی.» این کنفرانس پس از پایان جنگ سرد، چشم‌انداز خود را بطور وسیع گسترش داد و از دشمنان سابق برای حضور در کنفرانس دعوت کرد و دستور کار جدیدی را اتخاذ کرد که فراتر از مسائل نظامی بود و به موضوعاتی مانند تغییرات آب و هوایی و مهاجرت نیز پرداخت.

روزنامه «فایننشال تایمز» در گزارشی می‌نویسد ۱۲ سال پیش بطور رسمی یکی از آخرین معاهدات کنترل تسلیحات هسته‌ای میان آمریکا و روسیه پس از جنگ سرد آغاز شد. مکانی که آنها برای این اقدام بسیار نمادین انتخاب کردند کنفرانس امنیتی مونیخ بود.

این انتخاب اتفاقی نبود. کنفرانس امنیتی مونیخ تا آن زمان خود را به عنوان یکی از تأثیرگذارترین نشست‌های بین‌المللی جا انداخته بود. کنفرانسی که حتی دشمنان بطور سنتی آنجا جمع می‌شدند و در مواردی به توافق می‌رسیدند و معامله می‌کردند.

با نزدیک شدن به سالگرد تجاوز روسیه به اوکراین (۲۴ فوریه ۲۰۲۲) هیچ مقام روسی به کنفرانس مونیخ دعوت نشده است.



ضرورت افزایش تدابیر امنیتی برای حفاظت از مخالفان جمهوری اسلامی در کشورهای غربی



تظاهرات ایرانیان در برلین ۲۲ اکتبر ۲۰۲۲

تأیید کرد که فعالیت‌های جاسوسی عوامل جمهوری اسلامی ایران در آلمان علیه مخالفان افزایش یافته است.

در همین ارتباط مارتینا رنر سخنگوی داخلی حزب «چپ» (Die Linke) می‌گوید «پاسخ دولت آلمان تأیید کرد که ارباب و جاسوسی از مخالفان جمهوری اسلامی در کشور افزایش یافته و این افراد به تدابیر امنیتی بیشتری نیاز دارند.»

وی همچنین خواستار پیگرد قانونی عناصر وابسته به جمهوری اسلامی شد و حتا گفت دولت باید در صورت لزوم مصونیت دیپلماتیک افرادی را که پشت این تهدیدات قرار دارند لغو کرده و آنها را اخراج کند.

مقامات جمهوری اسلامی نه فقط در کلام بلکه در عمل نیز ایرانیان خارج کشور را به اشکال مختلف مستقیم و غیرمستقیم تهدید می‌کنند. در طول ۴۴ سال حکومت جمهوری اسلامی ده‌ها تن از مخالفان رژیم در کشورهای مختلف به ویژه در اروپا و از جمله در پایتخت‌های مهم مانند پاریس، برلین و وین ترور شدند.

اسماعیل قآنی فرمانده نیروهای قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اول دی‌ماه ۱۴۰۱ در سخنانی روزنامه‌نگاران و فعالان سیاسی را با صراحت تهدید کرد و گفت «حتا یک روز علیه ایران کار رسانه‌ای کرده باشند اسمشان در جایی که باید ثبت شده و ضربه خواهند خورد و یک روز نوبت آنها هم می‌رسد.»

ابراهیم رئیسی «قاضی مرگ» نیز در سخنانی مراسم حکومتی «۲۲ بهمن» به تطمیع ایرانیان خارج کشور پرداخت و وعده داد «تسهیلات بی‌سابقه برای بازگشت ایرانیان خارج از کشور و رفع محدودیت، حتی برای آندسته از ایرانیانی که در مقاطعی مرتکب اقدامات خلاف قانون شده‌اند» ایجاد می‌شود. به گفته او جزئیات این تصمیمات به زودی ابلاغ خواهد شد. این وعده‌ها البته تازگی ندارد و بارها در دوران رفسنجانی و خاچی و احمدی‌نژاد و روحانی نیز تکرار شده است!

آلمان پیشتر از همه شهروندان خود که ساکن ایران هستند و همچنین دوتابعیتی‌ها خواست که ایران را ترک کنند.

● سازمان اطلاعات داخلی آلمان گزارش داده که پس از اعتراضات در ایران جاسوسی‌های مأموران اطلاعاتی رژیم ایران از ایرانیان ساکن آلمان افزایش پیدا کرده است.

● در گزارش نهادهای امنیتی آلمان تأکید شده سرویس اطلاعاتی جمهوری اسلامی به افرادی که به ایران سفر می‌کنند برای همکاری با رژیم فشار می‌آورد.

● در همین ارتباط مارتینا رنر سخنگوی داخلی حزب «چپ» این کشور می‌گوید «پاسخ دولت آلمان تأیید کرد که ارباب و جاسوسی از مخالفان جمهوری اسلامی در کشور افزایش یافته و این افراد به تدابیر امنیتی بیشتری نیاز دارند.»

● ابراهیم رئیسی «قاضی مرگ» اما در حالی در سخنانی «۲۲ بهمن» به تطمیع ایرانیان خارج کشور و وعده تسهیلات برای بازگشت آنها به ایران پرداخته که این وعده‌ها اصلا تازگی ندارد و بارها در دوران رفسنجانی و خاچی و احمدی‌نژاد و روحانی نیز تکرار شده است!

روزنامه آلمانی «ولت» ۱۱ فوریه (۲۲ بهمن) به نقل از سازمان اطلاعات داخلی آلمان گزارش داد که پس از اعتراضات در ایران جاسوسی‌های مأموران اطلاعاتی رژیم ایران از ایرانیان ساکن آلمان افزایش پیدا کرده است.

بر این اساس ۱۶۰ نفر از عناصری که با جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در ارتباط بوده‌اند شناسایی شده‌اند اما هنوز جزئیات بیشتری در مورد آنها عمومی نشده است. همچنین بر اساس گزارش سازمان امنیت ملی آلمان فعالیت‌های جاسوسی سپاه پاسداران در خاک آلمان در عین حال طرفداران اسرائیل و یهودیان را نیز تهدید می‌کند.

دولت آلمان تأیید می‌کند که جمهوری اسلامی پس از تداوم اعتراضات نگران از دست دادن قدرت است که همین مسئله مخالفان جمهوری اسلامی در آلمان را با خطر روبرو کرده است.

در گزارش نهادهای امنیتی آلمان تأکید شده سرویس اطلاعاتی جمهوری اسلامی به افرادی که به ایران سفر می‌کنند برای همکاری با رژیم فشار می‌آورد.

دولت آلمان در پاسخ به پرسش حزب «چپ» این کشور

فایننشال تایمز ابراز امیدواری کرده با وجود اینکه نمایندگان جمهوری اسلامی و روسیه در کنفرانس حضور ندارند اما در راهروهای هتل مجلل «بایریش هوف» محل برگزاری این کنفرانس ممکن است فرصت‌هایی برای گفتگو فراهم شود.

ایشینگر می‌گوید: «امتیاز کنفرانس مونیخ این است که شما مجبور نیستید درباره ملاقات در هلسینکی یا آلاسکا مذاکره کنید- اگر هر دو طرف در هتل هستید، فقط به طبقه دوم می‌روید و نیم ساعت دوجانبه صحبت خواهید داشت.»

یکی از نکاتی که در گزارش فایننشال تایمز به آن اشاره نشده اما مرتبط با «ترسیم معادلات جدید در کنفرانس مونیخ» است حضور شاهزاده رضا پهلوی چهره شاخص آزادیخواه و مخالف جمهوری اسلامی و مسیح‌علینژاد فعال حقوق زنان در این کنفرانس است. این در حالیست که در آگهی کنفرانس امسال از عکسی مربوط به تظاهرات ایرانیان خارج کشور علیه رژیم ایران با پرچم ملی ایران و نشان شیروخورشید و عکس مهسا امینی و شعارهای آزادیخواهی ایرانیان استفاده شده است.

در حاشیه کنفرانس مونیخ جلسات و دیدارهای غیررسمی نیز انجام می‌شود. یک دیپلمات ارشد می‌گوید: «شما در آنجا برخوردهای اتفاقی زیادی دارید. هتل محل برگزاری کنفرانس بزرگ نیست و همه باید در راهروها از کنار هم بگذرند... شما با افرادی برخورد می‌کنید که ممکن است بجز در آن هتل هرگز آنها را ملاقات نکنید.»

برای چندین دهه، شرکت‌کنندگان در کنفرانس مونیخ هر



بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل در سال ۲۰۱۸ قطعاتی از پهبادهای جمهوری اسلامی را که در حریم هوایی اسرائیل سرنگون شد در کنفرانس مونیخ نشان داد

چیزی داشتند بجز همفکری. در سال ۲۰۰۷ ولادیمیر پوتین در سخنانی خود در کنفرانس مونیخ، نظم جهانی تحت سلطه ایالات متحده پس از جنگ سرد را محکوم کرد که آغاز تنش میان غرب و شرق بود. یک سال بعد روسیه به گرجستان حمله کرد.

در همین کنفرانس بود که محمدجواد ظریف وزیر خارجه رژیم ایران و کریس مورفی سناتور دموکرات آمریکایی در سال ۲۰۲۲ با هم دیدار کردند. مورفی یکی از سناتورهای است که به شدت از «احیای برجام» حمایت می‌کرد و مخالفت تحریم‌های آمریکا علیه جمهوری اسلامی است.

مستولان کنفرانس مونیخ از شاهزاده رضا پهلوی و مسیح‌علینژاد برای حضور در این کنفرانس دعوت کرده‌اند که به اعتقاد تحلیلگران پیام مستقیم به رژیم ایران مخابره می‌کند.

رقم تحقیرآمیز و ناچیز «عیدی» برای بازنشستگان؛ میلیون‌ها خانواده بازنشسته زیر خط فقر



کارگری باید برابر با عیدی کارگران شاغل باشد. کارگران بازنشسته همیشه کارگردن بنابرین شب عید هم باید عیدی کارگری بگیرند؛ هر میزان عیدی کمتر از آن، غیرقانونی است. دولت‌ها هر سال به صورت غیرقانونی عیدی ما را برابر با عیدی بازنشستگان کشوری و لشگری تعیین می‌کنند در حالیکه ما از مزایا و امکانات مزدی آن‌ها محرومیم؛ باید پرسید آیا حقوق ما میانه سال زیاد شد که حالا آخر سال، ما را کارمند حساب کردید؟ مطالبه ما پرداخت عیدی به میزان دو پایه حقوق کارگری است؛ امیدواریم مدیران سازمان این رقم ناعادلانه را نپذیرند و عیدی کارگران بازنشسته را افزایش دهند؛ یا اینکه دولت در مصوبه‌ی خود تجدینظر کند.»

فشار بر اقشار بازنشسته که همواره ارقامی زیر خط فقر به عنوان حقوق دریافت می‌کنند ابعاد دیگری هم دارد؛ ابعادی که نه تنها به تشدید فشارهای معیشتی آنها می‌انجامد بلکه روند تحقیر جمعی و زیر پا گذاشتن کرامت انسانی آنها را از سوی جمهوری اسلامی شکل داده است.

برای نمونه طی روزهای گذشته با تبلیغات فراوانی اعلام کردند وامی به مبلغ ۱۲ میلیون تومان، یعنی حدود یک سوم رقم خط فقر در تهران و نصف رقم خط فقر در دیگر شهرها، برای بازنشستگان تأمین اجتماعی در نظر گرفته شده است. بازنشستگان باید از طریق یک سامانه اینترنتی برای این وام ثبت نام می‌کردند. با توجه به شرایط تورم و هزینه‌های سرسام‌آور زندگی مشخص است که بازنشستگان زیادی متقاضی دریافت این وام بوده و هستند اما وبسایت ثبت نام وام بسته شد!

فعالان بازنشسته تأمین اجتماعی گزارش دادند که «فراخوان برای وام ۱۲ میلیونی در حالی است که از ۲۰ بهمن تا ۳۰ بهمن فرصت ثبت نام داده شده بود اما روز ۲۱ بهمن ماه بازنشستگان با مراجعه به سایت متوجه شدند که سایت تسهیلات اعلام شده، مسدود است.»

فعالان بازنشسته معتقدند «مهمتر اینکه اختصاص وام چندرغازی ۱۲ میلیونی مشروط به چهار شرط برای بازنشستگان است و یکی از آن شروط «حداقل داشتن ۲ فرزند تحت تکفل» می‌باشد که عملاً با این شرط، تخصیص وام را برای بازنشستگان باطل نموده، مگر از بین چهار میلیون و سیصد هزار نفر بازنشسته، چندین نفر از آنان دارای «دو فرزند تحت تکفل» می‌باشند. چرا بازنشستگانی که مجردند و یا بدون فرزند می‌باشند نباید از این وام که سرمایه‌ی چند دهه زحمت بی وقفه‌ی خودشان است، برخوردار شوند؟!» به نظر می‌رسد بیش از آنکه سازمان تأمین اجتماعی به دنبال ایجاد فرصتی برای بازنشستگان بوده باشد تا آنها در آخرین روزهای سال با دریافت وامی هرچند ناچیز گره‌ای از مشکلات خود باز کنند، به دنبال تبلیغات به سود خود عملکرده‌ی بوده است.

به بازارهای مصرف وارد شده و تکلیف معیشت این قشر را مشخص کرده است. حکم این تکلیف چیزی نیست جز به حاشیه رانده شدن بازنشستگان آن هم در زمانی که سال‌ها برای آن زحمت کشیده‌اند.»

او با بیان اینکه ۸۰ درصد بازنشستگان برای تأمین نیازهای ضروری معیشتی خود با بحران روبرو هستند گفته که «وقتی خط فقر را ۲۰ میلیون تومان اعلام می‌کنند یک بازنشسته‌ای که خانواده دارد و از طرف دیگر هزینه‌های درمان و سایر هزینه‌های خانواده اش به مراتب بزرگتر و بیشتر شده، چطور با این مستمری‌ها و رقم عیدی تعیین شده آخر سال، زندگی خود را بچرخاند؟!»

در آنسو اما میلیون‌ها تن از اعضای خانواده بازنشستگان کشور زیر مجموعه سازمان تأمین اجتماعی هستند. رقم حقوق این بازنشستگان بر اساس رقم حداقل دستمزد که هر ساله در کمیته دستمزد شورای عالی کار تعیین می‌شود، در نظر گرفته شده و مشخصاً رقم ناچیزی است. کارگران، بازنشستگان و مستمری‌بگیران سازمان تأمین اجتماعی و شاغلان بخش خصوصی که حقوق آنها بر اساس رقم حداقل دستمزد تعیین می‌شود در اصطلاح به «حداقل‌بگیر» معروف هستند و معمولاً پایین‌ترین سطح دستمزدها را دریافت و زیر خط فقر قرار دارند.

اکبر قربانی فعال کارگری درباره وضعیت اسفناک مالی خانوارهای کارگری و همچنین بازنشستگان و مستمری‌بگیران سازمان تأمین اجتماعی که مبنای حقوق آنها، مانند کارگران، رقم تعیین شده برای حداقل دستمزد است گفته «آنچه که برای جامعه کارگری اهمیت دارد این است که معیشت آنها بر اساس بند دوم ماده ۴۱ قانون کار تأمین شود و مطمئناً افزایش‌های درصدی با توجه به سوابق موجود در طول سالیان گذشته بی اثر خواهد بود؛ لذا در بحث افزایش دستمزد نوع نگرش باید تغییر کند و از آنجاییکه دستمزد بازنشستگان نیز متأثر از افزایش دستمزد کارگران است، باید نوع تصمیم‌گیری به گونه‌ای باشد که معیشت این گروه تأمین شود.»

اکبر قربانی افزوده «در حال حاضر وضع معیشت حداقل بگیران و ازکارافتادگان تأمین اجتماعی بسیار اسفناک است و دولتی که ادعای عدالت می‌کند باید بداند که این قشر مظلوم با وجود تورم سنگین واقعا شرایط بسیار سختی دارند؛ این دور از عدالت است که به وضعیت ایشان رسیدگی نشود. تا کارگران به خودباوری نرسند و مطالبه جدی نکنند، مشکلات آنها به صورت ریشه‌ای برطرف نخواهد شد.»

اقشار حداقل‌بگیر همچنان رقم عیدی که خیلی کمتر از نرخ تورم و هزینه‌های معمول آخر سال خانوارهای ایرانی است دریافت می‌کنند. یدالله فرجی فعال صنفی بازنشستگان در اینباره گفته که «سال‌هاست می‌گوییم عیدی بازنشستگان

● یک فعال حقوق بازنشستگان: «وقتی خط فقر را ۲۰ میلیون تومان اعلام می‌کنند یک بازنشسته که خانواده دارد و از طرف دیگر هزینه‌های درمان و سایر هزینه‌های خانواده اش به مراتب بزرگتر و بیشتر شده، چطور با این مستمری‌ها و رقم عیدی تعیین شده آخر سال، زندگی خود را بچرخاند؟!»

● یک فعال حقوق کارگران: «در حال حاضر وضع معیشت حداقل‌بگیران و ازکارافتادگان تأمین اجتماعی بسیار اسفناک است و دولتی که ادعای عدالت می‌کند باید بداند که این قشر مظلوم با وجود تورم سنگین واقعا شرایط بسیار سختی دارند.»

با نزدیک شدن به آخرین هفته‌های سال، رقم عیدی بازنشستگان با انتقاد فعالان این قشر روبرو شده است. رقم عیدی بازنشستگان زیرمجموعه دولت و بازنشستگان سازمان تأمین اجتماعی نتوانسته رضایت این اقشار را به همراه داشته باشد.

دولت اعلام کرده میزان عیدی کارمندان و بازنشستگان نهادهای دولتی مبلغ ثابت یک میلیون و ۸۰۰ هزار تومان خواهد بود. رقمی که از دید فعالان بازنشستگان «چندرغاز» است و نمی‌تواند مشکلات آنها را در آستانه نوروز حل کند. گزارش‌های رسمی مرکز آمار ایران بیانگر نرخ تورم بیش از ۵۰ درصدی در اقتصاد و تورم بالای ۶۰ درصد برای مواد خوراکی و آشامیدنی‌ها است؛ کارشناسان معتقدند تورم واقعی بیش از ارقام اعلام شده از سوی مرکز آمار ایران است. سعدنژاد فعال حقوق بازنشستگان درباره رقم تعیین شده برای عیدی بازنشستگان دولت گفته که «طبق آمارهای رسمی امسال تورم به بیش از ۵۰ درصد رسیده است، البته همه می‌دانیم که تورم خیلی بیشتر از نرخ اعلام شده از سوی مرکز آمار و بانک مرکزی است و به بالای ۷۰ درصد رسیده که بحران گرانی در تمام بخش‌ها وضعیت معیشت مردم را به گونه‌ای سخت کرده که یک بازنشسته برای تأمین نیازهای اولیه زندگی خانواده خود اعم از اجاره بهای مسکن، خورد و خوراک و از همه مهمتر هزینه درمان باید بعد از رسیدن به زمان بازنشستگی اقدام به انجام کار جدید جهت کسب درآمد کند. بازنشستگان هم از مردم همین کشورند؛ اجاره مسکن، هزینه درمان و سفره غذا دارند، دولت با چه معیاری چنین رقم عیدی را برای آنها در نظر گرفته است؟!» این فعال بازنشستگان افزوده که «با نرخ تورمی که امروز در جامعه بر هیچ قشری پوشیده نمانده، مستمری دریافتی کفاف هزینه‌های زندگی بازنشستگان را نمی‌دهد چرا که قیمت اکثر کالاهای اساسی چند برابر افزایش داشته، اما در مقابل میزان عیدی بازنشسته تغییری نداشته است. به نظر می‌رسد که تورم به میزان عیدی بازنشسته‌ها نرسیده و تنها

موقعیت بد آیت‌الله‌ها در «ساختار جدید» سیاست جهانی «برنامه مخفی» غربی‌ها برای جمهوری اسلامی!



استقبال رسمی شی جین پینگ رئیس جمهور چین از ابراهیم رئیسی در پکن

آنها تأمین می‌شود! آنها در چنین شرایطی است که می‌توانند نفت ایران را زیر قیمت دریافت کرده و در ازای آن با توجه به تحریم‌های بانکی به صورت تهاوت کالاهای بنجل و به اصطلاح تجهیزات به جمهوری اسلامی بدهند.

در اواسط سال ۱۳۹۹ و ماه‌ها پیش از تجاوز نظامی روسیه به اوکراین بود که در دیدار نمایندگان مسکو و پکن آن زمان که هنوز رژیم ایران برای «احیای برجام» شانس داشت، فو تسونگ مدیر بخش کنترل تسلیحات وزارت خارجه چین گفته بود «برجام نمی‌تواند تمام مسائل امنیتی منطقه را حل کند.» سرگئی لاوروف وزیر خارجه روسیه نیز پیشنهاد مذاکره مستقیم جمهوری اسلامی با آمریکا را مطرح کرد.

آرشین ادیب مقدم استاد فلسفه مدرسه مطالعات شرقی-آفریقای لندن (SOAS) در مورد سفر رئیسی به چین کمونیست به «تایم» می‌گوید «ما در میانه‌ی یک تجدید نظم مهم در سیاست جهانی هستیم.» وی توضیح می‌دهد «پیوند ایران و چین را باید بخشی از همین ساختار و ترکیب جدید جهان دانست.» اشاره او به شکل‌گیری جبهه‌ها و ائتلاف‌های جدید در سیاست بین‌المللی است.

روزنامه «اعتماد» با اشاره به سفر رئیسی به پکن در گزارشی با عنوان «چشم‌انداز مهم ارتباط با چین» می‌نویسد «برخی زمره‌ها شنیده می‌شود که قرارداد ۲۵ ساله چینی‌ها با ایران از نوع قراردادهای نازل است.»

روزنامه کیهان چاپ تهران در واکنش به این گزارش نوشت «شبکه نیابتی دشمن در داخل نیز طی هم‌پوشانی با نظام سلطه، از گسترش روابط راهبردی میان ایران و چین عصبانی است.» اما واقعیت این است که جمهوری خلق چین و روسیه پوتین در حال دوشیدن جمهوری اسلامی و غارت منابع ایران هستند و رژیم مجبور است برای بقای خود به آنها باج دهد به این امید که روزه‌هایی جدید برای اقتصاد بحران‌زده ایران باز شود. امیدی که به نظر می‌رسد با توجه به عدم مشروعیت رژیم در داخل ایران و توجه جامعه جهانی و غربی‌ها به مبارزات ایرانیان جهت تغییر رژیم و یکبار برای همیشه رها شدن از شر جمهوری اسلامی در منطقه، اصلاً واقع‌بینانه نیست.

بوده است. از سخنان جاوید رحمان گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور حقوق بشر ایران که گفت از اصلاحات ناامید شده تا تأکیدات نمایندگان پارلمان بریتانیا بر حمایت از مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران برای تغییر رژیم در ایران بدون آنکه بخواهند در سرنوشت آینده ایران دخالت کنند.

در چنین شرایطی مقامات اروپا به دنبال تصویب پنجمین بسته تحریمی علیه جمهوری اسلامی هستند. این تحریم‌ها در ارتباط با سرکوب اعتراضات در ایران و همدستی با روسیه در جنگ علیه اوکراین است. دولت نیوزلند نیز تحریم‌هایی را علیه مقامات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و چند نهاد جمهوری اسلامی اعمال کرده است.

میخائیل اولیانوف نماینده روسیه در مذاکرات اتمی با اشاره به سفر سید ابراهیم رئیسی به پکن به مسئله‌ی اشاره کرده است که شاید شنیدن آن برای مقامات جمهوری اسلامی اصلاً خوشایند نباشد و نگرانی‌های آنها را از وضعیت رژیم در ماه‌های آتی بیش از پیش تشدید کند.

این دیپلمات روس در توییتی نوشت «تردید وجود ندارد که چین به برجام پایبند است. پرسش این است که آمریکا و اروپایی‌ها چه اندازه به احیای برجام و محافظت از عدم گسترش تسلیحات هسته‌ای متعهد هستند؟ این امروز یک پرسش بزرگ است. چنین به نظر می‌رسد که آنها [غربی‌ها] یک برنامه مخفی دارند.»

اولیانوف البته نگفته برنامه مخفی غربی‌ها چه می‌تواند باشد اما جوزپ بورل مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا دو سال پیش از این به مقامات جمهوری اسلامی هشدار داده بود که اگر توافق نشود: «گزینه بعدی چیز خوبی نیست.»

وی پیش از نیز در توییتی با اشاره به بن‌بست در مذاکرات اتمی گفته بود اعضا طرحی برای عبور از مسائل باقی‌مانده ندارند. ابراهیم رئیسی در سفر به جمهوری خلق چین ۲۰ سند همکاری امضاء کرد و در حالی که گفته می‌شود شش کلاس بیشتر سواد ندارد، عنوان «استاد افتخاری دانشگاه پکن» را نیز دریافت کرد! اما مسئله متناقض اینجاست که نفع جمهوری خلق چین و روسیه پوتین از جمهوری اسلامی بیش از آنکه با «احیای برجام» تأمین شود از ادامه تحریم‌ها و حتا تشدید

● ند پرایس سخنگوی وزارت خارجه آمریکا با رد این ادعا که آمریکا می‌خواهد مذاکرات برجام از سر گرفته شود گفته «مدتی است برجام در دستور کار ما نیست و ادعاهای مقامات ایران مبنی بر اینکه مشتاق ملحق شدن دوباره به برجام هستیم را رد می‌کنیم.»

● در آستانه برگزاری نشست امنیتی مونیخ، بریتانیا گزارشی از قاچاق سلاح از ایران برای حوثی‌ها در یمن به سازمان ملل متحد ارائه داد و آمریکا شواهد مداخله رژیم ایران در جنگ اوکراین را منتشر کرد. همچنین سازمان ملل متحد در گزارشی اعلام کرد سیف العدل رهبر القاعده در ایران زندگی می‌کند. ● میخائیل اولیانوف نماینده روسیه در مذاکرات اتمی با اشاره به اینکه غربی‌ها اراده‌ای برای احیای برجام ندارند حدس زده آنها یک «برنامه مخفی» دارند.

● آرشین ادیب مقدم استاد فلسفه مدرسه مطالعات شرقی-آفریقای لندن (SOAS) در مورد سفر رئیسی به چین کمونیست به «تایم» می‌گوید «ما در میانه‌ی یک تجدید نظم مهم در سیاست جهانی هستیم.» وی توضیح می‌دهد «پیوند ایران و چین را باید بخشی از همین ساختار و ترکیب جدید جهان دانست.»

● روزنامه کیهان چاپ تهران در واکنش به این گزارش نوشت «شبکه نیابتی دشمن در داخل نیز طی هم‌پوشانی با نظام سلطه، از گسترش روابط راهبردی میان ایران و چین عصبانی است.» اما واقعیت این است که جمهوری خلق چین و روسیه پوتین در حال دوشیدن جمهوری اسلامی و غارت منابع ایران هستند.

هرچند مقامات جمهوری اسلامی همچنان ادعا می‌کنند که «مذاکرات هسته‌ای ادامه دارد» اما ند پرایس سخنگوی وزارت خارجه آمریکا با رد این ادعا که آمریکا می‌خواهد مذاکرات برجام از سر گرفته شود گفت: «مدتی است برجام در دستور کار ما نبوده و ما کماکان ادعاهای مقامات ایران را مبنی بر اینکه مشتاق ملحق شدن دوباره به برجام هستیم، رد می‌کنیم.»

پرایس تأکید کرد، «پیام ما به رهبران جمهوری اسلامی روشن است. گشت مردم خود را متوقف کنید، ارسال پهپاد به روسیه را متوقف کنید و شهروندان آمریکایی را که به ناحق بازداشت شده‌اند آزاد کنید.»

در آستانه برگزاری نشست امنیتی مونیخ، بریتانیا گزارشی از قاچاق سلاح از ایران برای حوثی‌ها در یمن به سازمان ملل متحد ارائه داد و آمریکا شواهد مداخله رژیم ایران در جنگ اوکراین را منتشر کرد. همچنین سازمان ملل متحد در گزارشی اعلام کرد سیف العدل رهبر القاعده در ایران زندگی می‌کند.

علاوه بر اینها مقامات امنیتی آمریکا و اسرائیل قرار است در مورد راهبردهایی برای توقف ساخت بمب اتمی در ایران گفتگو کنند. برخی تحلیلگران معتقدند با توجه مداوم وضعیت انقلابی در ایران و فشارهای بین‌المللی بعید نیست حکومت ایران برای حفظ خود، تلاش برای دستیابی به بمب اتم با سرعت بخشد.

اینهمه در حالیست که در نشستی که هشتم فوریه در پارلمان انگلیستان برگزار شد، هم مقامات سیاسی بریتانیا و هم مدافعان حقوق بشر سخنان صریحی در تعیین تکلیف با رژیم جمهوری اسلامی بر زبان آورده‌اند که تقریباً بی‌سابقه

بایکوت رژیم ایران از سوی «کنفرانس امنیتی مونیخ»، فندک زیر دلارهای جرج سوروس و شرکاء!



علی خامنه‌ای در مراسم رژه نیروهای مسلح جمهوری اسلامی

کورش احمدی دیپلمات پیشین جمهوری اسلامی به مجله اصولگرای «مثلث» می‌گوید اینکه در کنفرانس مونیخ از چهره‌های اپوزیسیون ایرانی دعوت کرده‌اند، «قدری غیرمنتظره بود» و احتمالاً پس از این دولت آلمان تا حدی از ایران فاصله بگیرد و مشکل می‌توان تصور کرد که در آینده نزدیک روال کار بین دو دولت به وضعیت عادی برگردد. او توضیح داد: «تا پیش از این فرض بر این بود که ممکن است با آرام شدن شرایط و فروکش کردن اعتراضات خیابانی در ایران موضع اروپا و آلمان تا حدی تعدیل شود. ولی ظاهراً آرام شدن فضا در ایران تاثیری بر دولت آلمان نداشته است.» اعلام شده است که شاهزاده رضا پهلوی چهره شاخص آزادیخواه و مخالف جمهوری اسلامی و مسیح علی‌نژاد خبرنگار و فعال حقوق زنان در کنفرانس امنیتی مونیخ حضور خواهند داشت.

بایکوت جمهوری اسلامی از سوی این کنفرانس در واقع فندک زیر دلارهای جرج سوروس و شرکاء است. پایگاه خبری «واشنگتن فری بیکن» اول فوریه (۱۱ بهمن) گزارش داد ائتلافی از گروه‌های فعال تحت حمایت جرج سوروس، چارلز گُخ و صندوق «برادران راکفلر» و همچنین نایاک در حال راه‌اندازی یک کمپین لابی مخفی برای «احیای برج‌ام» با پوشش «حقوق بشر ایران» هستند.

از آنجا که مذاکرات اتمی به بن‌بست رسیده و جمهوری اسلامی و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به شدت دچار اختلاف هستند و با توجه به وضعیت بحرانی جمهوری اسلامی به علت دو موضوع عمده یعنی سرکوب خشن و مرگبار اعتراضات مردم ایران و همدستی با روسیه در جنگ اوکراین، بعید نیست در اجلاس ماه مارس (اسفند) در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قطعنامه‌ای علیه جمهوری اسلامی صادر شود و پرونده اتمی آن به شورای امنیت ارجاع گردد. در چنین شرایطی قدرت‌های بین‌المللی حتی اگر اقدام نظامی علیه رژیم در شورای امنیت سازمان ملل توسط روسیه یا چین وتو شود دست‌شان باز خواهد بود که با تشکیل یک ائتلاف بین‌المللی دست به اقدام نظامی بزنند. هرچند تحلیلگران معتقدند حمایت غربی‌ها از خیزش مردم ایران برای «تغییر رژیم» عاقلانه‌تر و کم‌هزینه‌تر از اقدام نظامی است.

در بیانیه وزارت دفاع بریتانیا نیز تأکید شده است از زمان حمله روسیه به اوکراین، ایران صدها پهپاد انتحاری «شاهد» را به روسیه رسانده است.

با وجود پشتیبانی جمهوری اسلامی از گروه‌های شبه‌نظامی در منطقه از نظر غربی‌ها و همچنین اسرائیل همچنان افزایش سطح غنی‌سازی اورانیوم تا نزدیکی سطح لازم برای ساخت بمب اتم اصلی‌ترین تهدید جمهوری اسلامی به شمار می‌رود. در چنین شرایطی عدم پذیرش نماینده جمهوری اسلامی در کنفرانس امنیتی مونیخ که ۲۸ تا ۳۰ بهمن برگزار خواهد شد پس تأخیری نسبتاً طولانی با واکنش مقامات تهران روبرو شد.

ناصر کنعانی سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی می‌گوید دعوت نکردن از جمهوری اسلامی به کنفرانس مونیخ، «تداوم اشتباه» و «اقدامی گزینشی با انگیزه‌های سیاسی» است. وی مسئولان این کنفرانس را به جانبداری و داشتن سوء نیت متهم کرده است.

اینهمه در حالیست که تحلیلگران و مقامات خود نظام نیز می‌دانند عدم حضور نماینده جمهوری اسلامی در کنفرانس مونیخ و دعوت از اپوزیسیون برای شرکت در این کنفرانس چه پیامی دارد و تا چه اندازه برای رژیم گران تمام می‌شود. وبسایت «فرارو» از رسانه‌های داخلی، با طرح این پرسش که «چرا کرسی کنفرانس امنیتی مونیخ ایران به اپوزیسیون رسید؟» می‌نویسد این اقدام مشکوک سه پیام علیه جمهوری اسلامی دارد: ۱) مشروعیت‌زدایی عینی از نظام سیاسی قانونی ایران، ۲) وارد کردن کارزار فشار حداکثری علیه ایران به مرحله‌ای جدید و ۳) تصویرسازی از نظام سیاسی ایران به عنوان یک «دگر» ناموجه هویتی.

اینکه بایکوت جمهوری اسلامی از سوی کنفرانس امنیتی مونیخ با هدف «مشروعیت‌زدایی» از رژیم ایران صورت گرفته فقط یک تعبیر است اما پیام مهم‌تر چنین اقدامی این است که جمهوری اسلامی مشروعیت یا حقانیت برای حضور در بزرگترین گردهمایی امنیتی دنیا را ندارد زیرا خودش اساساً منشأ ناامنی و بزرگترین حامی تروریسم در خاورمیانه است. این موضوع که چرا تا کنون در این کنفرانس حضور پیدا می‌کرده، می‌بایست مورد پرسش قرار بگیرد!

● وزارت دفاع بریتانیا اعلام کرد پس از توقیف یک محموله سلاح قاچاق شواهدی را به سازمان ملل ارائه کرده که نشان می‌دهد جمهوری اسلامی تسلیحات پیشرفته‌ای را برای شبه‌نظامیان حوثی در یمن تأمین کرده است.

● ناصر کنعانی سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی عدم دعوت از جمهوری اسلامی به کنفرانس مونیخ را «تداوم اشتباه» و «اقدامی گزینشی با انگیزه‌های سیاسی» خواند و مسئولان این کنفرانس را به جانبداری و داشتن سوء نیت متهم کرده است.

● وبسایت «فرارو» با طرح این پرسش که «چرا کرسی کنفرانس امنیتی مونیخ ایران به اپوزیسیون رسید؟» می‌نویسد این اقدام مشکوک سه پیام علیه جمهوری اسلامی دارد: ۱) مشروعیت‌زدایی عینی از نظام سیاسی قانونی ایران، ۲) وارد کردن کارزار فشار حداکثری علیه ایران به مرحله‌ای جدید و ۳) تصویرسازی از نظام سیاسی ایران به عنوان یک «دگر» ناموجه هویتی.

● کورش احمدی دیپلمات پیشین جمهوری اسلامی به مجله اصولگرای «مثلث» می‌گوید اینکه در کنفرانس مونیخ از چهره‌های اپوزیسیون ایرانی دعوت کرده‌اند، «قدری غیرمنتظره بود.» او توضیح داد: «تا پیش از این فرض بر این بود که ممکن است با آرام شدن شرایط و فروکش کردن اعتراضات خیابانی در ایران موضع اروپا و آلمان تا حدی تعدیل شود. ولی ظاهراً آرام شدن فضا در ایران تاثیری بر دولت آلمان نداشته است.»

در آستانه برگزاری کنفرانس امنیتی مونیخ قدرت‌های جهانی به ویژه دولت‌های انگلیس، فرانسه و آلمان عزم‌شان را برای مقابله با اقدامات و تحرکات نظامی جمهوری اسلامی جزم کرده‌اند.

وزارت دفاع بریتانیا ۱۳ فوریه (۲۴ بهمن) در بیانیه‌ای اعلام کرد یک ناو نیروی دریایی سلطنتی انگلیس یک شناور را در آب‌های خاورمیانه توقیف کرده که از مبداء ایران برای حوثی‌ها سلاح به یمن قاچاق می‌کرده است.

انگلیس قصد دارد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را به اتهام قاچاق تسلیحات و نقض قطعنامه‌های ۲۳۳۱ و ۲۱۴۰ شورای امنیت سازمان ملل پاسخگو کند. این محموله شامل موشک‌های زمین به هوا، موتورهای موشک‌های کروز و کوادکوپترهای تجاری است که در برخی مواقع از آنها برای هدف قرار دادن تأسیسات نفتی امارات و عربستان سعودی استفاده شده است.

پیش از این روزنامه «گاردین» گزارش داد که رژیم ایران از طریق دریای کاسپین (مازندران/ خزر) و شرکت‌های هواپیمایی تجاری دولتی به روسیه سلاح قاچاق کرده است. تسلیحاتی که در جنگ علیه اوکراین مورد استفاده قرار گرفت. طبق این بیانیه، در میان تسلیحات توقیف‌شده یک پهپاد ویژه گشت‌زنی وجود دارد که پس از رمزگشایی حافظه داخلی آن مشخص شد در پایگاه نیروی هوافضای سپاه پاسداران در غرب تهران ۲۲ پرواز آزمایشی انجام داده است.

اخیراً گاترین کولونا وزیر خارجه فرانسه در گفتگو با آنتونی بلینکن وزیر خارجه آمریکا خواستار واکنش قاطعانه از سوی جامعه جهانی درباره برنامه موشک‌های بالستیک جمهوری اسلامی شده است.

فوربس: رژیم ایران و ترکیه پروژه‌های ساخت کارخانه‌های پهپادی در روسیه و اوکراین را پیش می‌برند



پهپادهایی که جمهوری اسلامی به روسیه تحویل داد «شاهد ۱۲۹» و «شاهد ۱۳۶» است که در بعضی از آنها موتورهای ساخت شرکت اتریشی «روتاکس» استفاده شده

آن کاهش دهد. این شرکت خصوصی می‌تواند ۲۰ پهپاد در ماه بسازد، اما به دلیل تقاضای عمومی برای سیستم‌هایش، با تأخیر سه ساله برای تحویل سفارش‌ها مواجه است.

از سوی دیگر، جمهوری اسلامی و روسیه برنامه‌هایی برای تقویت مدل جدیدی از «شاهد ۱۳۶» دارند که می‌تواند بُرد و سرعت آن را افزایش دهد. مدل فعلی کند و پر سر و صدا است و آنها را به اهداف نسبتاً آسانی برای دفاع هوایی اوکراین تبدیل کرده است. کی‌یف با سرنگونی ۴۵ فروند از آنها به استقبال سال ۲۰۲۳ رفت. طبق گزارش‌ها، مسکو مجبور شد در اواخر سال ۲۰۲۲ بعضی از معایب «شاهد ۱۳۶» را اصلاح کند.

مشخص نیست که آیا از همین نوع پهپادهای ایرانی در روسیه تولید می‌شود یا مدل‌های دیگر قرار است ساخته شوند. اکنون موضوع بر سر ساخت پهپادهای «آرش-۲» است که محموله‌های انفجاری سنگین‌تری را می‌توانند حمل کنند. در گزارش فوربس اشاره نشده که «آرش-۲» ساخت ارتش جمهوری اسلامی است.

با این حال، بعید است که تولید انبوه پهپاد در هر یک از این مراکز به این زودی‌ها آغاز شود. در مورد اوکراین، جدول زمانی دو ساله ممکن است بسیار خوش‌بینانه باشد، حتی اگر در زمان صلح باشد. با وجود این، بازدید هیئت ایرانی از روسیه و تأکید مجدد مقامات اوکراینی و ترکیه‌ای در مورد پروژه ساخت پهپادهای بیرق‌دار در اوکراین قویاً نشان می‌دهد که این کارخانه‌ها می‌توانند فعالیت‌های رقابتی خود را در نیمه دوم این دهه آغاز کنند.

در همین حال خبرگزاری بلومبرگ گزارش می‌دهد روسیه برای تأمین قطعات و کمبود تسلیحاتی خود سرخ رژیم ایران و کره شمالی رفته است. از سوی دیگر دو سناتور آمریکایی، جیم ریش و باب مندز، قصد دارند پیش‌نویس قوانینی را برای حفاظت از غیرنظامیان در برابر تهدیدات پهپادی و موشکی رژیم ایران ارائه دهند.

در طرح‌ها تأکید شده تهدیدات پهپادی رژیم ایران در حال تغییر ساختار و چیدمان امنیتی در سراسر خاورمیانه است.

بار در اواخر سال ۲۰۲۲ منتشر شد. تهران از هواپیماهای مسافربری و شناورهای غیرنظامی برای قاچاق پهپادهای خود به روسیه استفاده می‌کند.

روز ۲۴ ژانویه، نشانه‌های بیشتری از طرح ساخت چنین کارخانه‌ای در روسیه آشکار شد که نشان می‌داد این پروژه در حال پیشرفت است. واسیل بودنار سفیر اوکراین در ترکیه، در یک نشست خبری گفت که «کل چارچوب قانونی» برای کارخانه ساخت پهپاد بیرق‌دار ترکیه در اوکراین تکمیل شده است. پهپاد بیرق‌دار ترکیه به حدود ۳۰ کشور جهان صادر می‌شود. بودنار گفت: «شرکتی وجود دارد که در حال حاضر در اوکراین فعالیت می‌کند و یک پروژه عملی را آماده کرده است... ما انتظار داریم این کارخانه طی دو سال آینده به بهره‌برداری برسد و تولید کالاهایی با قطعات اوکراینی را آغاز کند.»

این تخمین بر اساس صحبت «هالوک بیرق‌دار» مدیرعامل شرکت بیرق‌دار است که در اواخر اکتبر ۲۰۲۲ به رویترز گفته بود «با تداوم جنگ برنامه‌های ساخت این کارخانه پیشرفت داشته و احتمالاً ظرف دو سال آینده آن را به پایان برسانیم.» بیرق‌دار همچنین در اوایل ماه گذشته در دیدار با ولودیمیر زلینسکی رئیس جمهوری اوکراین در کی‌یف، جزئیات مربوط به ساخت کارخانه هواپیماهای بدون سرنشین را مورد بحث قرار داد.

ترکیه قبل از حمله روسیه به اوکراین دست‌کم ۵۰ فروند پهپاد به آن کشور فروخته بود. جمهوری اسلامی از اوت ۲۰۲۲ (امرداد ۱۴۰۱) صدها پهپاد انتحاری همراه با انواع «مهاجر-۶» را به روسیه تحویل داده است.

تاسیسات پهپاد بیرق‌دار در اوکراین در زمینی به مساحت ۳۰ هزار متر با ظرفیت ۳۰۰ نیروی کار راه‌اندازی خواهد شد. قرار است در آن دو نوع پهپاد بزرگ و پیشرفته و نوعی از پهپادهای انتحاری تولید شود.

در این پهپادها از قطعات ساخت اوکراین نیز استفاده می‌شود. چنین تاسیسات قابل توجهی برای تولید این پهپادها در اوکراین می‌تواند فشار روی ترکیه را برای ساخت

● جمهوری اسلامی و ترکیه پروژه‌های خود را جهت ساخت کارخانه‌های بزرگ در روسیه و اوکراین برای تولید تعداد زیادی از پهپادهای «شاهد» و «بیرق‌دار» (Bayraktar TB۲) پیش می‌برند.

● جمهوری اسلامی و روسیه برنامه‌هایی برای تقویت مدل جدیدی از «شاهد ۱۳۶» دارند که می‌تواند بُرد و سرعت آن را افزایش دهد. مدل فعلی کند و پر سر و صدا است و آنها را به اهداف نسبتاً آسانی برای دفاع هوایی اوکراین تبدیل کرده است.

● مشخص نیست قرار است چه نوع پهپادهای ایرانی در روسیه تولید شود. اکنون موضوع بر سر ساخت پهپادهای «آرش-۲» است که محموله‌های انفجاری سنگین‌تری را می‌توانند حمل کنند.

● در همین حال خبرگزاری بلومبرگ گزارش می‌دهد روسیه برای تأمین قطعات و کمبود تسلیحاتی خود سرخ رژیم ایران و کره شمالی رفته است. از سوی دیگر دو سناتور آمریکایی، جیم ریش و باب مندز، قصد دارند پیش‌نویس قوانینی را برای حفاظت از غیرنظامیان در برابر تهدیدات پهپادی و موشکی رژیم ایران ارائه دهند.

گزارش‌ها نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی و ترکیه پروژه‌های خود را جهت ساخت کارخانه‌های بزرگ در روسیه و اوکراین برای تولید تعداد زیادی از پهپادهای «شاهد» و «بیرق‌دار» (Bayraktar TB۲) پیش می‌برند.

پایگاه خبری «فوربس» در همین ارتباط می‌نویسد پنجم ژانویه (۱۵ دی‌ماه) یک هیئت بلندپایه جمهوری اسلامی ایران از شهر یلابوگا روسیه، در حدود ۶۰۰ مایلی شرق مسکو، بازدید کرد. جمهوری اسلامی و روسیه برنامه‌های بلندپروازانه‌ای برای ساخت کارخانه‌های بزرگ در آنجا دارند که حداقل شش هزار پهپاد بر اساس طرح‌های ایران تولید خواهد کرد. جمهوری اسلامی قبلاً صدها پهپاد انتحاری «شاهد ۱۳۶» برای جنگ علیه اوکراین به روسیه داده است. گزارش‌هایی مبنی بر اینکه مسکو و تهران برنامه‌هایی برای ایجاد خطوط مونتاژ در خاک روسیه داشته‌اند، اولین

آزادی شمار دیگری از زندانیان سیاسی؛ خالد پیرزاده قهرمان بدنسازی را بیمار، روی ویلچر و با کاهش وزن شدید به خانواده تحویل دادند!



خالد پیرزاده قبل و بعد از زندان!



بر علیه امنیت ملی» به ۵ سال حبس و به اتهام «توهین به رهبری» به ۲ سال حبس و در مجموع به ۷ سال حبس تعزیری محکوم شد. این حکم در خردادماه ۹۹ توسط شعبه ۳۶ دادگاه تجدید نظر استان تهران تأیید شد.

خالد پیرزاده که بیش از دو سال ممنوع از ملاقات و مرخصی بود از دهم خرداد ۱۴۰۰ دست به اعتصاب غذا زد و دو هفته بعد و چند روز پیش از برگزاری سیزدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری اسلامی به مرخصی درمانی فرستاده شد تا پس از آن مرخصی بطور مشروط آزاد شود. با این وعده وی به اعتصاب غذای خود پایان داد. اما با تغییر نظر دادگاه ضمن نیمه تمام ماندن روند درمان مجبور شد روز ۱۶ تیرماه به زندان بزرگ تهران (فشافویه) بازگردد و در ۲۳ تیرماه به زندان شیبان اهواز تبعید شد.

خالد پیرزاده در زمان کوتاهی که تابستان ۱۴۰۰ در مرخصی درمانی بسر می برد در گفتگو با کیهان لندن روایت تکان دهنده ای از شکنجه های جسمی و روحی که در زندان بر سر او آمده بیان کرد: «دو بار طناب دار گردنم انداختند. حکم وحشت اعدام! در بازجویی های روزهای اول چون ورزشکار بودم، بدن قوی و روی فرم و ۱۲۷ کیلو وزن داشتم و دور بازوی من ۵۳ سانتیمتر بود. اینها از حرصی که داشتند به من رحم نکردند و مرا تا حد مرگ شکنجه می کردند. دست های مرا می گذاشتند لای در فلزی اتاق بازجویی و در را بهم می کوبیدند! در دوران بازجویی دو نفر از بغل سوار زانوی من شدند؛ زیر زانوم خالی بود. زانوم شکست و از جایش در آمد! رباط صلیبی و ای سی ای و پی سی ال پایم پاره شد و اینقدر وضعیت حادی پیش آمد که در بیمارستان آرمان تحت عمل جراحی قرار گرفتم. الان یکسال از عمل جراحی ام گذشته اما هنوز خوب نشده ام و هنوز که هنوزه مجبورم با عصا راه بروم.»

او همچنین به کیهان لندن توضیح داد «در طول بازجویی ها ۹ مهره کمرم آسیب دید؛ دیسک ۳ مهره گردن و ۴ مهره بین دو کتف بیرون زده و ۲ مهره دنباله شکسته است که نیازمند به عمل جراحی فوریت است. نخاع من به دلیل شکستگی مهره های کمرم آسیب دیده و نیازمند تزریق نخاعی دارو هستم. آیا انسانیت است که با این وضعیت اسفناک جسمی و روحی و روانی خودم را به زندان معرفی کنم؟! چون هیچ رسیدگی در زندان به من نمی شود. داروهای تاریخ مصرف گذشته، داروهای بی کیفیت و داروهایی که اصلاً مشخص نیست چه هستند را به من می دهند؛ این داروها را در بسته بندی فله ای می آورند زندان و اصلاً معلوم نیست چه داروهایی هستند!»

الناز محمدی دبیر گروه اجتماعی روزنامه «هم میهن» نیز که از جمله روزنامه نگاران بازداشتی بود با سپردن وثیقه از زندان اوین آزاد شده است.

در این میان اما تصاویر منتشر شده از خالد پیرزاده پس از آزادی با واکنش های زیادی روبرو شده است. خالد پیرزاده ورزشکار حرفه ای، قهرمان و مربی بدنسازی زمانی که به زندان رفت در سلامت عمومی بیش از ۱۲۰ کیلوگرم وزن داشت اما لحظه آزادی در حالی که توان ایستادن و راه رفتن نداشت به بیش از ۵۰ کیلوگرم کاهش وزن و روی ویلچر از زندان خارج شد.

خالد پیرزاده به دلیل نیاز فوری به درمان و فشارهای مقامات قضایی و امنیتی بیش از ۸۰ روز اعتصاب غذا کرده بود. او همچنین پلک های خود را در اعتراض به برخورد مسئولان زندان در جلوگیری از برخورداری او از حق درمان دوخته بود.

کیهان لندن خردادماه امسال در گزارشی نوشته بود که این زندانی سیاسی مشروطه خواه با وجود بیماری از رسیدگی پزشکی و اعزام به مرخصی درمانی محروم شده است. علی شریفزاده وکیل خالد پیرزاده با هشدار نسبت به وضعیت جسمی موکل خود گفته که او در ملاقات با وکیل به تشنج دچار و به بهداری منتقل شد.

اسفندماه سال گذشته نیز یک منبع آگاه به خبرنگاری هرانا گفته بود که «معهده خالد پیرزاده حتی آب را تحمل نمی کند و هر چه که بخورد استفراغ می کند. او توانایی کنترل دفع را هم از دست داده و پوشک می شود. آقای پیرزاده به دلیل تمامی این مسائل وزن زیادی از دست داده و با وجود این وضعیت بجای رسیدگی پزشکی تنها به بهداری زندان اعزام شده و سرم دریافت می کند.»

خالد پیرزاده از اول شهریور ۱۴۰۰ در اعتراض به عدم موافقت با درخواست آزادی مشروط، رعایت نشدن اصل تفکیک جرائم و رفتار خشن مأموران نیروی انتظامی با خانواده وی به هنگام تحویل حکم تخلیه منزل، اعتصاب غذا کرد. مأموران انتظامی برای اجرای حکم تخلیه خانه استیجاری خالد پیرزاده به منزل او مراجعه و همسر او را هل داده و به زور وارد خانه شدند. بر اساس گزارشها دختر ۱۰ ساله خالد پیرزاده در خانه بوده و این مادر و فرزند به شدت وحشت زده شده بودند. خالد پیرزاده پس از ۸۴ روز اعتصاب غذا، به احترام درخواست خانواده های دادخواه به اعتصاب خود پایان داد.

این فعال مشروطه خواه از سوی شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب تهران به ریاست محمد مقیسه به اتهام «اجتماع و تبانی

علی موسی نژاد فرکوش، آرشام رضایی، خالد پیرزاده، پیام باستانی پاریزی از جمله زندانیان مشروطه خواهی هستند که در روزهای گذشته آزاد شدند.

● خالد پیرزاده در سلامت عمومی با بیش از ۱۲۰ کیلوگرم وزن به زندان افتاد اما لحظه آزادی در حالی که توان ایستادن و راه رفتن نداشت، بیمار و با بیش از ۵۰ کیلوگرم کاهش وزن و روی ویلچر از در زندان خارج شد.

● پیام باستانی پاریزی: قاضی گفت که «چند سالتنه؟» گفتم «۳۴» گفت «شاه رو دیدی؟» گفتم «نه» گفت «پس ندیدی که با وجود این همه فساد تبلیغش میکنی» گفتم «من ندیدمش اما شما رو دیدم!»

آزادی زندانیان سیاسی و بازداشت شدگان جنبش انقلابی ماه های اخیر در حالی ادامه دارد که شماری از زندانیان سیاسی مشروطه خواه نیز طی روزهای گذشته آزاد شدند. در این میان خالد پیرزاده ورزشکار حرفه ای و مربی بدنسازی با کاهش حدود ۵۰ کیلوگرم وزن، بیمار و روی ویلچر و در حالیکه توان راه رفتن ندارد از زندان آزاد شده است.

علاوه بر خالد پیرزاده، علی موسی نژاد فرکوش، آرشام رضایی و پیام باستانی پاریزی از جمله زندانیان مشروطه خواهی هستند که در روزهای گذشته آزاد شدند.

بر اساس گزارش نهادهای حقوق بشری مهدی دارینی، شاپور احسانی راد، خسرو صادقی بروجنی، فردین ندافیان قمصری (شهروند بهائی)، شهرام نجف تومرانی (شهروند بهائی)، فریبا عادلخواه، ژیل کرم زاده مکوندی، زمان فدایی (نوکیس مسیحی) در اوین، کاوه دارالشفا و یاشار دارالشفا، آرش گنجی، پوریا مضراب، حسین کیهانی، امیر عباس آذرموند، میثم محمدی، عادل گرجی، مهدی ساور اولیا، محمود علی نقی در زندان رجایی شهر کرج، احمد تقوی در زندان ابهر، فهیمه سلطانی، وجیهه پری زنگنه، حسین نصیری در اصفهان، زهری محمدی در سنج، وحید باقری در زندان تهران بزرگ و هادی امیرمحسنی نیز در دو روز گذشته آزاد شده اند. همچنین امیرمهدی خادم در زندان دستگرد اصفهان، محمدرضا مرادی در زندان تهران بزرگ، نصرالله لشنی در زندان رجایی شهر کرج، فریبا افشار (شهروند بهائی) و امیرا رحمانی (شهروند بهائی) در زندان دولت آباد اصفهان، نیلوفر میرزایی بافتی در زندان اوین، زهرا کشکی در تهران، ناصر همتی در اصفهان و همچنین سه نوجوان به نام های بسم الله براهویی، اسماعیل سرگلزایی و ابراهیم سرگلزایی در کانون اصلاح و تربیت زاهدان نیز از جمله دیگر زندانیان آزاد شده هستند.

دفاعیه فاطمه سپهری از زندان وکیل آباد مشهد:

دیگر تاب تحمل هیچکدامتان را نداریم و تا پس گرفتن سرزمین مان از پای نخواهیم نشست



فاطمه سپهری فعال مدنی

«من فاطمه سپهری که در سال ۶۰ با شهادت همسرم مورد خصومت گماشتگان خمینی در بنیاد شهید قرار گرفته و تا فرش زیر پای من و فرزندم را کشیدند و به هیچکس نیز پاسخگو نبودند تا ۳۰ شهریور ۱۴۰۱ که توسط گماشتگان خامنه‌ای در وزارت اطلاعات در منزل دستگیر شدم و حقوقم را به دستور شخص خامنه‌ای قطع نمودند. ۳۱ شبانه روز در سلول انفرادی اطلاعات بودم که به علت وخیم شدن حامل به بیمارستان امام رضا منتقل و ۴ صبح ۲ آبان تحویل زندان وکیل آباد شدم و به بند ۵ نسوان منتقل و فعلا در شبانه روز ۱ ساعت هواخوری داشته و تلفن کوتاه و شدیداً کنترل می‌شود.

ناراحتی و درد شدید دستم که مورد تأیید پزشک زندان قرار گرفته و چندین بار کورتون تزریق شده به دستور قاضی پرونده از پیگیری درمان محروم شده‌ام.

۳ بار بازداشت موقت من جهت تراشیدن اتهامات تهدید شد تا در ۲۸ دی‌ماه در شعبه ۱۴۲ به ریاست قاضی عرب به جرم نشر اکاذیبی مانند تقلب در انتخابات سال ۸۸، کشته شدن ۱۵۰۰ نفر در آبان ۹۸، بخشیدن ایران به روس و چین، بدون حضور خودم در دادگاه به ۱ سال حبس و ۲۰ میلیون تومان جزای نقدی محکوم شدم.

در جلسه دوم در تاریخ ۱۷ بهمن در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی سرشناس مشهیدی هادی منصوری بدون ابلاغ قبلی به خودم یا وکیلیم به صورت بسیار ناگهانی و مخفیانه و مزورانه محاکمه شدم و متهم به توهین به رهبر فقید و حاضر، همکاری با دول متخاصم و مصاحبه با شبکه‌های معاند شدم که همه از طرف من رد شد.

من در اینجا به مسئولین بی‌مسئولیت کشور هشدار می‌دهم که من و میلیون‌ها نفر دیگر قبل از اینکه مخالف این نظام محسوب شویم حاصل عملکرد شما هستیم که ۴۴ سال در رنج و غم و اندوه و عملکرد ظالمانه شما از قبیل اختلاس، تجاوز، حیف و میل بیت‌المال، سوء مدیریت‌های متعدد، جنگ‌افروزی و ناآرامی در جهان و کشور و هزاران جنایت دیگر به ستوه آمده و دیگر تاب تحمل هیچکدامتان را نداریم و تا پس گرفتن کشور و سرزمین مان از پای نخواهیم نشست.

۲۶ بهمن ۱۴۰۱»

● متن «دفاعیه فاطمه سپهری» را اصغر سپهری برادر وی در توئیتر منتشر کرده است.

● در این دفاعیه از جمله آمده است: «من در اینجا به مسئولین بی‌مسئولیت کشور هشدار می‌دهم که من و میلیون‌ها نفر دیگر قبل از اینکه مخالف این نظام محسوب شویم حاصل عملکرد شما هستیم که ۴۴ سال در رنج و غم و اندوه و عملکرد ظالمانه شما از قبیل اختلاس، تجاوز، حیف و میل بیت‌المال، سوء مدیریت‌های متعدد، جنگ‌افروزی و ناآرامی در جهان و کشور و هزاران جنایت دیگر به ستوه آمده و دیگر تاب تحمل هیچکدامتان را نداریم و تا پس گرفتن کشور و سرزمین مان از پای نخواهیم نشست.»

● فاطمه سپهری که در نخستین روزهای جنبش انقلابی علیه جمهوری اسلامی و در ۳۰ شهریور با یورش مأموران امنیتی به منزلش در مشهد برای چندمین بار بازداشت شد، در سیزدهم آذرماه نیز در پیامی از زندان وکیل آباد از مردم خواست نگذارند «خون ژیناها، کیان‌ها، خدانورها و ابوالفضل‌ها» فراموش شود.

اصغر سپهری برادر فاطمه سپهری در توئیتر متنی را با عنوان «دفاعیه فاطمه سپهری از زندان وکیل آباد مشهد» منتشر کرده است. فاطمه سپهری فعال مدنی ساکن مشهد و از نویسندگان بیانیه لزوم عبور از جمهوری اسلامی معروف به «بیانیه ۱۴ نفر» در اوایل بهمن‌ماه به یک سال حبس تعزیری و پرداخت جزای نقدی محکوم شد.

فاطمه سپهری در نخستین روزهای جنبش انقلابی علیه جمهوری اسلامی و در ۳۰ شهریور با یورش مأموران امنیتی به منزلش در مشهد برای چندمین بار بازداشت شد. او از آن زمان تا کنون در زندان وکیل آباد مشهد محبوس است. این زندانی سیاسی در سیزدهم آذرماه نیز در پیامی از زندان وکیل آباد از مردم خواست نگذارند «خون ژیناها، کیان‌ها، خدانورها و ابوالفضل‌ها» فراموش شود. او تأکید کرده بود که «تا جمهوری اسلامی از بین نرود، ما روز خوش نداشته و نخواهیم داشت.» این زندانی سیاسی از امضاکنندگان نامه ضرورت «استعفای علی خامنه‌ای و گذار از جمهوری اسلامی است.»

متن کامل دفاعیه فاطمه سپهری به شرح زیر است:

→ خالد پیرزاده در سخنانی تکان‌دهنده و هولناک تأکید کرده بود که خودش دو بار در دوران بازجویی تهدید به تجاوز شده است! همسرش و حتا دختر خردسالش را تهدید به تجاوز کردند! او گفت: «حتا به دختر کوچک من رحم نکردند و تهدید کردند به او تجاوز می‌کنند!»

پیام باستانی پاریزی دیگر زندانی مشروطه‌خواه که در پی موج آزادی زندانیان سیاسی و در تاریخ ۱۹ بهمن از زندان تهران بزرگ آزاد شده است در نخستین پست اینستاگرام خود پس از آزادی نوشت: «اواخر آبان بود که احضارم کردند شعبه ۲۹ بیدادگاه انقلاب قاضی سیدعلی مظلوم. یکی از سوالش این بود که «چند سالت‌ه؟» گفتم «۳۴» گفت «شاه رو دیدی؟» گفتم «نه» گفت «پس ندیدی که با وجود اینهمه فساد تبلیغش میکنی» گفتم «من ندیدمش اما شما رو دیدم!» پیام باستانی پاریزی متولد ۱۳۴۶ است که پیشتر هم سابقه بازداشت در رابطه با فعالیت‌های سیاسی و مدنی را داشته است. او روز شنبه ۲ مهرماه، در رابطه با اعتراضات سراسری توسط نیروهای سرکوبگر در تهران بازداشت و به زندان تهران بزرگ منتقل شده بود. آزادی ده‌ها تن از فعالان سیاسی که در اواخر دوران محکومیت قرار داشتند یا مانند فرهاد میثمی محکومیت آنها پایان یافته بود، و بازداشت‌شدگان اعتراضات اخیر در پی موافقت علی خامنه‌ای برای «عفو» زندانیان سیاسی صورت گرفته است.

اژه‌ای رئیس قوه قضائیه در نامه‌ای به علی خامنه‌ای پیشنهاد عفو موردی و معیاری هزاران زندانی از جمله بازداشت‌شدگان اعتراضات سراسری ۱۴۰۱ را ارائه کرد که این پیشنهاد در اجرای بند ۱۱ از اصل ۱۱۰ قانون اساسی با تعیین شروطی مورد موافقت علی خامنه‌ای قرار گرفت.

در نامه غلامحسین محسنی اژه‌ای به خامنه‌ای آمده بود «در جریان حوادث اخیر تعدادی از افراد به ویژه جوانان در اثر القانات و تبلیغات دشمن مرتکب رفتارهای نادرست و جرمی شدند که علاوه بر گرفتاری برای خود، باعث زحمت خانواده و نزدیکان خویش گردیدند و اکنون تعداد قابل توجهی از آنان بعد از بر ملا شدن نقشه دشمنان خارجی و جریان‌های ضدانقلاب و ضد مردمی با اظهار پشیمانی و ندامت تقاضای بخشش دارند.»

مسعود ستایشی سخنگوی قوه قضائیه در اینباره گفته که تا ۲۲ بهمن یا اواخر بهمن‌ماه سال جاری متهمان و محکومان حوادث اخیر که شرایط عفو خامنه‌ای را داشته باشند، از زندان آزاد خواهند شد.

مسعود ستایشی اما توضیح داده که در جریان حوادث اخیر تعدادی از افراد جامعه از جمله جوانان به دلیل حضورشان در اغتشاشات درگیر مشکلات شدند و علت این بود که بر اساس القانات و تبلیغات دشمنان قسم خورده این کشور، فریب خوردند و تحت تأثیر قرار گرفتند و در نهایت منجر به این شد که مرتکب رفتارهایی شدند که ناصحیح و نادرست بود و این رفتارها، هنجارشکنی‌هایی بود و این هنجارشکنی‌ها واجد وصف مجرمانه بود.

سخنگوی قوه قضائیه گفت که شماری از بازداشت‌شدگان «ابراز پشیمانی کردند و ما هم وظیفه داشتیم طبق رهنمودهایی که در اثنای این جریان‌ها از ناحیه رهبری به ما ابلاغ شد و همچنین توجهی که ریاست قوه قضائیه داشتند، تکلیف مان را انجام دهیم.»

اینهمه در حالیست که روز گذشته محمدجعفر منتظری دادستان کل کشور با اشاره به موافقت علی خامنه‌ای با «عفو» و تخفیف مجازات شماری از بازداشت‌شدگان انقلاب ملی ایران ادعا کرد: «این افرادی که کشته‌سازی کرده و خسارت به بار آوردند، مورد عفو قرار نخواهند گرفت و باید در پیشگاه قانون و مردم جوابگو باشند.»

گزارشی از جلسه انجمن جهانی پاسداشت حقوق بشر در پارلمان انگلستان با عنوان «چگونگی مقابله با خطر جهانی جمهوری اسلامی»



نیروی تروریستی در دیگر کشورها همچون عراق، اوکراین و تامین سازمان‌های تروریستی توسط سپاه، از دیگر محورهای سخنرانی گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در امور ایران بود، وی تاکید کرد که باید مقابل اینگونه فعالیت‌ها ایستاد. پروفسور جاوید رحمان در پایان با اشاره به اینکه حقوق بشر بایستی اولویت نخست و محور سیاست برخورد و مرادده با نظام جمهوری اسلامی ایران باشد اظهار داشت که باید رژیم تهران را منزوی و پاسخگو کنیم و نبایستی ملاحظات سیاسی و غیره موجب شود که حقوق مردم ایران نادیده گرفته شود. یکی از نکات بسیار مهم و کلیدی در سخنرانی رحمان موضع‌گیری آشکار وی در برابر جریان اصلاحات بود. وی صریحا اظهار داشت: «من هم از اصلاحات در جمهوری اسلامی ناامید شدم، با توجه به اینهمه جنایت و اینهمه خشونت که صورت می‌گیرد. من از اصلاحات در جمهوری اسلامی ناامید شدم.»

متی هون معاون سیاسی حزب محافظه‌کار انگلیس دومین سخنران این جلسه بود. وی با اشاره به جلسه دو ماه پیش که در همین محل برگزار شد، توضیحاتی در خصوص بدتر شدن وضعیت حقوق بشر در ایران ارائه کرد. وی با اشاره به اعدام مجیدرضا رهنورد، محمدمهدی کرمی، سیدمحمد حسینی و محسن شکاری، خطاب به حاضران گفت که آنها فقط به دنبال آزادی بودند و رژیم با اتهام‌های محاربه، این جوانان معترض را به قتل رساند.

معاون سیاسی حزب محافظه‌کار اقدام رژیم ایران در اعدام شهروند ایرانی- بریتانیایی علیرضا اکبری را نیز «سیلی» به صورت انگلستان توصیف کرد و خاطرنشان ساخت که مقامات جمهوری اسلامی با آگاهی از اینکه دولت انگلیس اقدامی جدی انجام نمی‌دهد و تحریم‌هایی هم که در این راستا صورت گرفته اثر چندانی نخواهد داشت، دست به چنین جنایتی زده‌اند. وی همچنین افزود، اما خوشبختانه از جلسه پیشین تا کنون، اقدامات خیلی خوبی در اروپا و انگلستان به ویژه برای قرار دادن نام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی دولت بریتانیا

برگزاری دادگاه‌های نمایی بدون رعایت حق دسترسی به وکیل و خطر اعدام معترضان بازداشت شده، همچنین به برخی از اقدامات صورت گرفته در سطح بین‌المللی در این مدت، در جهت مهار و تحت فشار قرار دادن جمهوری اسلامی از جمله تحریم‌های گسترده از سوی اتحادیه اروپا و آمریکا، اخراج رژیم از کمیسیون حقوق زنان سازمان ملل و تشکیل کمیته حقیقت‌یاب اشاره کرد.

جاوید رحمان با اشاره به آمار سالیانه اعدام‌ها تصریح کرد که میزان اعدام‌ها در ایران سال گذشته میلادی به بیش از ۵۰۰ مورد بالغ شده است که از این میان دست‌کم سه تن از آنها کودک بوده‌اند، وی همچنین خاطرنشان کرد که جمهوری اسلامی پس از جمهوری خلق چین، دومین میزان صدور و اجرای حکم اعدام را در سراسر جهان دارد و هشدار داد که رژیم تهران باید هر چه زودتر به این جنایت‌ها پایان دهد و از انگلستان و جامعه جهانی نیز خواست تا با شدت هرچه تمام‌تر صدور و اجرای بی‌رویه احکام اعدام و نقض مستمر حقوق بشر، به ویژه دمرورد کودکان را محکوم کرده و با توسل به تمامی ابزارهای موجود، جمهوری اسلامی را نسبت به جنایت‌هایی که انجام می‌دهد پاسخگو کنند.

وی در ادامه سخنانش، به سیاست گروگانگیری و بازداشت دوتابعیتی‌ها که جمهوری اسلامی از آن برای مبادله زندانیان و باج‌گیری استفاده می‌کند، اشاره داشت و گفت که بایستی در مقابل این سیاست مخرب ایستاد.

گزارشگر ویژه شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در امور ایران با اشاره به سانسور، انسداد مجاری خبرسانی، تهدید خبرنگاران در داخل و خارج از ایران و سرکوب رسانه‌ها توسط جمهوری اسلامی خاطرنشان کرد که دولت انگلستان و متحدانش بایستی با شرکت‌های تکنولوژی برای شکست سد سانسور رایزنی‌های مستمر داشته باشند و فضای لازم را برای ایرانیان داخل کشور به نحوی فراهم نمایند تا آنها بتوانند به صورت رایگان فیلترینگ دولتی را دور زده و از اینترنت آزاد بهره‌مند شوند.

فعالیت‌های مخرب سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نقش این

● روز ۱۹ بهمن ۱۴۰۱ (هشتم فوریه ۲۰۲۳) به ابتکار «انجمن جهانی پاسداشت حقوق بشر» جلسه‌ای با موضوع «خطر جهانی جمهوری اسلامی و چگونگی مقابله با آن» در محل پارلمان انگلستان برگزار شد.

● جاوید رحمان در این نشست به بازداشت‌های فله‌ای و جنایت‌های نظام جمهوری اسلامی در زندان‌ها شامل شکنجه و تجاوز به معترضان پرداخت و آماری از جانباختگانی که با شلیک مستقیم نیروهای حکومتی به قتل رسیده‌اند نیز ارائه کرد.

● یکی از نکات بسیار مهم و کلیدی در سخنرانی جاوید رحمان موضع‌گیری آشکار وی در برابر جریان اصلاحات بود. وی صریحا اظهار داشت: «من هم از اصلاحات در جمهوری اسلامی ناامید شدم، با توجه به اینهمه جنایت و اینهمه خشونت که صورت می‌گیرد. من از اصلاحات در جمهوری اسلامی ناامید شدم.»

● یک نماینده پارلمان انگلیس: ما یکبار در سال ۱۳۵۷ دخالت کردیم و این کار خوبی نبود و دیدیم که نتیجه‌اش چه شد. ما فقط باید صدای مردم ایران را به جامعه جهانی برسانیم و این ایرانیان هستند که انتخاب خواهند کرد چه حکومتی و چه کسانی در کشورشان بر سر کار بیایند.

جاوید رحمان گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در امور ایران در جلسه «انجمن جهانی پاسداشت حقوق بشر» در پارلمان انگلستان برای اولین بار گفت: «من هم از اصلاحات در جمهوری اسلامی ناامید شدم.»

روز ۱۹ بهمن ۱۴۰۱ (هشتم فوریه ۲۰۲۳) به ابتکار «انجمن جهانی پاسداشت حقوق بشر» جلسه‌ای با موضوع «خطر جهانی جمهوری اسلامی و چگونگی مقابله با آن» در محل پارلمان انگلستان برگزار شد.

سخنرانان این جلسه عبارت بودند از جاوید رحمان گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در امور ایران، متی هون معاون سیاسی حزب محافظه‌کار انگلیس، آنا فرث نماینده پارلمان انگلستان، افشین ساجدی نماینده «انجمن جهانی پاسداشت حقوق بشر» در اتحادیه اروپا و بوری ایو یکی از مدیران «انجمن جهانی پاسداشت حقوق بشر» که برگزارکننده جلسه بود.

ابتدا بوری ایو مدیر جلسه پس از خوشامدگویی به حضار به بیان مقدمه‌ای در خصوص دلایل برگزاری این جلسه پرداخت. سپس پروفسور جاوید رحمان گزارشگر ویژه شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در امور ایران به عنوان نخستین سخنران جلسه ضمن توضیحاتی در ارتباط با پوشش اجباری و این نکته که بازداشت منجر به قتل مهسا امینی دختر نوجوان ایرانی در ارتباط با پوشش اجباری بود، ضمن ارائه گزارشی کامل از وضعیت بحرانی حقوق بشر در ایران طی ۵ ماه گذشته جنایت‌های نظام جمهوری اسلامی و کشتار معترضان را مورد بحث و بررسی قرار داد.

جاوید رحمان در گزارش خود به بازداشت‌های فله‌ای و جنایت‌های نظام جمهوری اسلامی در زندان‌ها شامل شکنجه و تجاوز به معترضان پرداخت و آماری از جانباختگانی که با شلیک مستقیم نیروهای حکومتی به قتل رسیده‌اند نیز ارائه کرد.

گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در سخنرانی مفصل خود، ضمن برشمردن سایر موارد متعدد نقض حقوق بشر از جمله

انجام شده، ولی سرعت این اقدام کند شده و باید به چنین موضوع مهمی مجددا رسیدگی شود.

متی هون در ادامه سخنرانی خود گفت: نقطه قوتی که اکنون شاهد آن هستیم، این است که امروز جهان صدای مردم ایران را شنیده است و دیگر همگان می‌دانند که میان رژیم جمهوری اسلامی و مردم ایران تفاوت از زمین تا آسمان است و این رژیم دیگر مردم ایران را نمایندگی نمی‌کند.

متی هون در ادامه اظهاراتش افزود: «عنوان جلسه امروز یعنی «جمهوری اسلامی یک خطر جهانی و راه‌های مقابله با آن» تنها یک عنوان صرف نبوده بلکه واقعیتی غیر قابل انکار است که من در ادامه سخنانم طی سه بخش به تشریح به این موضوع می‌پردازم.»

وی آنگاه در بخش اول سخنانش گفت که «ما باید هرچه زودتر - قبل از اینکه دیرتر بشود - سپاه پاسداران را در لیست تروریستی قرار بدهیم. سپاه پاسداران جنایت‌های بسیاری کرده که فقط چند نمونه را نام می‌برم.» وی ضمن اشاره به ترورها و آدم‌ربایی‌های سپاه، به ویژه به مہب‌گذاری مرکز یهودیان در آرژانتین اشاره کرد که در سال ۱۹۹۶، ۸۵ کشته و بیش از ۳۰۰ نفر مجروح برجای گذاشت. او همچنین به شلیک عمدی و از پیش برنامه‌ریزی شده دو موشک جنگی توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به هوایی‌های اوکراینی اشاره کرد و یادآور شد که در نتیجه این جنایت هولناک، بیش از ۱۷۶ مسافر بی‌گناه جان خود را از دست دادند.

در ادامه معاون سیاسی حزب محافظه‌کار انگلیس، با اشاره به ترور فعالان سیاسی، حقوق بشری و روزنامه‌نگاران در خارج کشور از عبدالرحمان قاسملو، روح‌الله زم، کاظم رجوی، عبدالرحمان برومند، دکتر فریدون فرخزاد و صادق شرفکندی نام برد و گفت که در این سال‌ها جمهوری اسلامی صدها تن را به قتل رسانده است. آنها در دیگر کشورهای منطقه دخالت کرده و گروه‌های تروریستی از جمله حماس و حزب‌الله را سازماندهی و تامین مالی می‌کنند. او همچنین تصریح کرد که سپاه پاسداران ضمن سازماندهی گسترده باندهای مافیایی قاچاق انسان، مواد مخدر و همچنین در سطح جهانی اقدام به پولشویی نیز می‌کند.

از دیگر مواردی که متی هون در بخش اول توضیحاتش به آن اشاره کرد، نقش برخی از مساجد و مراکز اسلامی وابسته به رژیم در اروپا و آمریکا و کانادا بود که به فریب مردم و مغزشویی جوامع مسلمان در کشورهای غربی می‌پردازند تا از آنها افرادی را دیکال برای اجرای اهداف شوم و مقاصد خشونت‌گستر نظام جمهوری اسلامی در غرب بسازند.

وی در ادامه سخنرانی‌اش خطاب به دولت انگلیس گفت که «آیا منتظریم سپاه هوایی‌های مسافربری دیگری را سرنگون کند؟! یا دوباره نباید چند خبرنگار را در لندن ترور کند؟! یا منتظریم جنایت‌های دیگری رخ بدهد؟!» وی تأکید کرد که تا دیرتر از این نشده، و فاجعه جدیدی رخ نداده است باید هرچه زودتر سپاه پاسداران در فهرست سازمان‌های تروریستی دولت بریتانیا قرار بگیرد.

متی هون در بخش دوم سخنرانی خود به «معضل برجام» پرداخت و با اشاره به اینکه سوابق مذاکرات دیپلمات‌ها و مقامات سیاسی غربی با مقامات رژیم حاکم بر ایران در خصوص برنامه مشکوک هسته‌ای رژیم ایران به سال‌ها پیش از توافق برجام باز می‌گردد اظهار داشت که در حقیقت از سال ۲۰۰۲ و پس از افشای برنامه‌های پنهانی هسته‌ای جمهوری اسلامی این مذاکرات آغاز شد و طی سال‌هایتمادی و در مراحل مختلف به عقد قراردادهای گوناگون و امضای توافقنامه‌های متعدد منجر شد ولی هربار توافق به دست آمده با رژیم ایران توسط این رژیم نقض شده و مذاکرات برای عقد توافق جدید از سر گرفته می‌شد و سرانجام

توافق برجام به عنوان چهارمین قرارداد در سال ۲۰۱۵ به امضای طرفین مذاکره کننده رسید.

متی هون تصریح کرد توجه به این موارد یک پیام آشکار به ما می‌دهد و آن این است که رژیم حاکم بر ایران حکومتی بی‌مسئولیت بوده که هیچگونه ارزشی برای قراردادهای توافق‌های بین‌المللی قائل نیست. این رژیم آن حکومتی نیست که بشود به آن اطمینان کرد. همین حالا - و با وجود برجام - رژیم اسلامی حداقل ۱۸ برابر حد مجاز در توافق برجام، اورانیوم غنی شده در اختیار دارد.

متی هون با بیان این احتمال که ممکن است یک روز صبح از خواب برخیزیم و ببینیم جمهوری اسلامی می‌خواهد مہب هسته‌ای‌اش را امتحان کند هشدار داد: آن روز دیگر خیلی دیر است!

بخش سوم سخنرانی معاون سیاسی حزب محافظه‌کار انگلیس، درباره دیپلمات‌های جمهوری اسلامی بود و در این رابطه خاطرنشان ساخت باید هرچه زودتر دیپلمات‌های بریتانیایی را از ایران فرا بخوانیم و دیپلمات‌های جمهوری اسلامی را از اینجا بیرون کنیم. سفارت جمهوری اسلامی و کنسولگری‌هایش مراکز برای جاسوسی و طراحی عملیات‌های تروریستی هستند. آخرین نمونه آن دیپلمات تروریست اسدالله اسدی است که با سوء استفاده از مصونیت‌ها و مجاری دیپلماتیک، مقادیری مواد منفجره بسیار خطرناک را با یک پرواز مسافربری همراه خود از ایران به اروپا آورد و جان صدها مسافر بی‌گناه و بی‌اطلاع را به خطر انداخت و قصد داشت تا در فرانسه، با مہب‌گذاری در یک جلسه که گروه‌های مخالف جمهوری اسلامی برگزار کرده بودند و بیش از ۶۰۰ نفر از سیاستمداران جهان آنجا حضور داشتند، دست به اقدام تروریستی بزند.

متی هون در ادامه افزود با اندکی تحقیق درمی‌یابیم که بیشتر دیپلمات‌های نظام جمهوری اسلامی یا قبلاً عضو سپاه پاسداران بودند یا در کمپ‌های آموزشی سپاه انقلاب اسلامی حضور داشته و دوره‌های مخصوص دیده‌اند بنابراین لازم است تا دیر نشده دیپلمات‌های جمهوری اسلامی را پیش از آنکه خیلی دیر شود و فاجعه دیگری به بار بیاورند از اینجا اخراج کنیم و دیپلمات‌های خودمان را از ایران فرا بخوانیم، چراکه می‌دانیم جان آنها در ایران در امنیت نیست و جمهوری اسلامی سوابق حملات متعدد به سفارتخانه‌های مختلف از جمله بریتانیا و در کارنامه دیپلماتیک خود ثبت کرده است. رژیم حاکم بر ایران اکنون و در آستانه سقوط بسیار ضعیف و درمانده شده و در وضعیت بدی قرار دارد و ممکن است به هر اقدام نسنجیده‌ای دست بزند. از این رو تا دیر نشده باید اقدامات پیشگیرانه و احتیاطی انجام دهیم.

در پایان متی هون خاطرنشان ساخت که این یک موقعیت طلایی است و ما باید از آن استفاده کنیم. جمهوری اسلامی بسیار ناتوان شده و مردم ایران در مقابل این رژیم ایستاده‌اند و ما باید به ایرانیان کمک کنیم تا شر نظام جمهوری اسلامی را از سر جهان کم کنند و و راهکار آن همانگونه که اشاره کردم عبارت است از «قرار دادن نام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی دولت بریتانیا»، «خارج شدن فوری بریتانیا از برجام» و «اخراج دیپلمات‌های جمهوری اسلامی و فراخواندن دیپلمات‌های خودمان از ایران» و البته پیش از آنکه خیلی دیر شود.

افشین ساجدی نماینده «انجمن پاسداشت حقوق بشر»، سومین سخنران این جلسه بود. وی صحبت‌هایش را با طرح این پرسش معروف ویلیام شکسپیر در نمایشنامه مشهور «هملت» شروع کرد: «بودن یا نبودن؟ مسئله این است!» آنگاه با بیان اینکه در انتهای صحبت‌هایش به این پرسش و پاسخ آن باز خواهد گشت استدلال کرد که چرا و چگونه نظام

حاکم بر ایران باید از جامعه بین‌الملل اخراج گردد؟ افشین ساجدی اظهار داشت در پاسخ به این سوال می‌توان به دوگروه از دلایل اشاره کرد دلایل کارکردی و دلایل ساختاری. دلایل کارکردی نظیر سر باز زدن جمهوری اسلامی از تعهدات و مسئولیت‌های بین‌المللی‌اش، یا حمایت گسترده از تروریسم در سطح بین‌المللی یا عبور از مرز غنی‌سازی ۶۰ درصدی اورانیوم یا سازماندهی حداقل ده عملیات تروریستی در خاک بریتانیا یا بیش از چهار سال نقض حقوق بشر در بیش از چهار حوزه حقوق بشری یا سازماندهی باندهای قاچاق انسان و مواد مخدر در سطح بین‌المللی و یا تجاوز جنسی عامدانه و سازماندهی شده به کودکان در زندان‌های ایران و... اتفاقاً همه اینها امروز مورد بحث من نیست بلکه امروز در خصوص دلایل ساختاری لزوم اخراج رژیم جمهوری اسلامی از جامعه بین‌المللی صحبت می‌کنم.

افشین ساجدی آنگاه ادامه داد نظام بین‌الملل فعلی که سازمان ملل برجسته‌ترین نهاد آن است از تجمع ملت-کشورها تشکیل شده و نظام حکومتی ملت-کشور به نوبه خود از سال ۱۶۴۸ و امضای معاهده صلح وستفالی که به جنگ‌های مذهبی سی ساله در اروپا پایان داد تا امروز عنصر کلیدی و اصلی تشکیل‌دهنده نظام بین‌الملل بوده و پیش‌شرط اساسی عضویت یک کشور در جامعه جهانی و سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان ملل متحد محسوب می‌گردد و این دقیقاً همان پیش‌شرطی است که مانع عضویت گروه‌ها و نهادهای شبه‌نظامی مانند القاعده و داعش و حتی طالبان در سازمان ملل متحد می‌گردد.

افشین ساجدی با اشاره به این نکته که بی‌توجهی به این پیش‌شرط در خصوص رژیم حاکم بر ایران منجر به حضور مخرب نظام حاکم بر ایران در سازمان‌های بین‌المللی شده است خاطرنشان ساخت که در یک نظام حکومتی مبتنی بر ملت-کشور، مشروعیت حکومت از نحوه رفتار حکومت با مردم نشأت گرفته نهایتاً منجر به ایجاد نهادهایی مانند پارلمان و دولت ملی می‌گردد. وی سپس به تشریح چگونگی ساختار نظام حاکم بر ایران پرداخت و بیان داشت که در نظام حاکم بر ایران دو سطح از مدیریت و اداره جامعه قابل تشخیص است؛ یکی سطح فرادست متشکل از رهبری و بیش از سی و پنج نهاد وابسته که «هسته مذهبی حکومت را تشکیل داده و دارای اختیارات کامل در سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری هستند؛ و دیگری سطح فرودست شامل مجلس و دولت که «صورت بیرونی» نظام حاکم به شمار می‌رود و بطور کلی فاقد هرگونه اختیار تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری است.

افشین ساجدی خاطرنشان ساخت که سطح فرودست که شامل نهادهایی به ظاهر ملی مانند دولت و مجلس می‌گردد تنها برای فریب جهانیان ایجاد شده و هیچگونه نقشی در تصمیم‌گیری‌های نظام حاکم بر ایران ندارد و گرداننده اصلی رژیم حاکم بر ایران در حقیقت لایه فرادست یا همان هسته مذهبی حکومت است که بر اساس شواهد و قرائن غیرقابل انکار در حال شکل دادن به یک امپراتوری اسلامی فرمانطقه‌ای بر اساس روابط میان‌امت - امامت و نه حکومت - شهروند است. بر این اساس رژیم حاکم بر ایران یک نظام ملت-کشور نبوده و فاقد صلاحیت برای عضویت در جامعه بین‌المللی است.

افشین ساجدی در ادامه اظهار داشت که تنها هدف اصلی سطح فرودست یعنی دولت جمهوری اسلامی تحصیل تسهیلات مختلف بین‌المللی است تا آنها را در اختیار نهادهای وابسته به «بیت رهبری» مانند سپاه پاسداران، نیروی قدس، لشکر فاطمیون، لشکر زینبیون و لشکر تازه تاسیس حسینیون قرار دهد و عدم پیوستن به معاهده شفافیت بین‌المللی «ای اف تی اف» از سوی دولت تنها در راستای عقیم

گذاشتن تلاش‌های بین‌المللی به منظور نور افکندن بر فعالیت‌های تروریستی گروه‌های شبه‌نظامی و تروریستی است. نماینده «انجمن جهانی پاسداشت حقوق بشر» سپس نتیجه گرفت که نظام حاکم بر ایران از نظر ساختار نه یک نظام حکومتی معمولی بلکه یک سازمان بسیار خطرناک شبه‌نظامی مانند القاعده، داعش و مافیاست با این تفاوت که گروه شبه‌نظامی حاکم بر ایران به خاطر تسلط بر منابع بی‌پایان متعلق به ملت ایران خطرناک‌ترین و بزرگ‌ترین سازمان تروریستی و شبه‌نظامی جهان است.

افشین ساجدی سپس ضمن اظهار خرسندی از کوتاه شدن دست نظام حاکم بر ایران از تسهیلات مالی بین‌المللی نظیر سوئیفت پیشنهاد کرد تا در راستای کوتاه کردن دست این رژیم از سایر تسهیلات بین‌المللی، نظام بین‌الملل به ویژه کشورهای غربی نسبت به پس گرفتن شناسایی سیاسی و حقوقی خود از نظام ایران اقدام کرده و سطح شناسایی رژیم حاکم بر ایران را از سطح «دوژو» به «دوفاکتو» تقلیل دهند که در این صورت منجر به تعلیق فوری تمامی مقاوله‌نامه‌های بین‌المللی با نظام جمهوری اسلامی و نیز تعلیق فوری روابط دیپلماتیک می‌گردد و البته در این حالت روابط کنسولی همچنان برقرار بوده و از این بابت برخلاف تحریم‌های بین‌المللی که موجب ایجاد زحمت و دردسر برای شهروندان ایرانی می‌گردد این اقدام هیچگونه زحمت و دردسری برای شهروندان ایرانی ایجاد نکرده و تنها به تعلیق روابط آشکار و پنهان دیپلماتیک رژیم حاکم بر ایران با سایر کشورها منجر شده و دست این رژیم از تسهیلات بین‌المللی نظیر مصونیت‌های دیپلماتیک کوتاه می‌گردد.

افشین ساجدی سپس پرسش معروف شکسپیر مبنی بر «بودن یا نبودن» را تکرار کرد و گفت پاسخ درست به این سوال، «نبودن» رژیم حاکم بر ایران در نظام بین‌الملل است چرا که این رژیم از تسهیلات بین‌المللی مانند مصونیت‌های دیپلماتیک و تریبون در سازمان‌های بین‌المللی که در اصل به منظور ترویج صلح و دوستی میان ملل ایجاد شده‌اند در جهت نفرت‌پراکنی و آتش‌افروزی استفاده می‌کند. بنابراین کوتاه کردن دست رژیم حاکم بر ایران از این امکانات بین‌المللی ضروری است.

نماینده «انجمن جهانی پاسداشت حقوق بشر» در خاتمه از همه حاضران در جلسه خواست به خاطر در وهله اول امنیت شهروندانی که به آنها رای داده‌اند و بعد به خاطر صلح و امنیت بین‌الملل، حفظ ارزش‌های انسانی و دموکراتیک و نیز به خاطر مردم ایران که توسط این نظام ضدبشری به گروگان گرفته شده‌اند از دولت بریتانیا بخواهند تا نظام حاکم بر ایران را بیش از این به عنوان یک دولت مشروع به رسمیت نشناخته و روابطش را با رژیم جمهوری اسلامی قطع و یا به شدت محدود کند پیش از آنکه خیلی دیر شود.

سخنران بعدی آنا فرث نماینده مجلس انگلستان بود. وی ابتدا با اشاره به نقشی که «انجمن جهانی پاسداشت حقوق بشر» در انتقال اطلاعات درست دارد، از فعالیت‌های مستمر این انجمن به ویژه در روشنگری و تأمین اطلاعات دقیق و درست در رابطه با اوضاع ایران و نیز تلاش‌ها و زحماتی که اعضای این انجمن برای برگزاری منظم این جلسات متحمل می‌شوند سپاسگزاری کرد. وی همچنین از متی هون معاون سیاسی حزب محافظه‌کار که از مدیران انجمن جهانی هم هست، تشکر ویژه کرد و تصریح نمود که با توجه به فعالیت‌های متی هون، وی در امور ایران یک متخصص به تمام معناست.

آنا فرث در ارتباط با قرار دادن نام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی دولت بریتانیا اظهار داشت که ما- اکثریت نمایندگان از هر دو سوی مجلس بریتانیا- با مردم ایران همدل هستیم و باور داریم که باید

نام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی دولت بریتانیا قرار گیرد.

در این خصوص وی خاطرنشان کرد در روز دوشنبه ششم فوریه نمایندگان مجلس جلسه‌ای با معاون وزیر امنیت بریتانیا داشته و در آن نظر مردم ایران به او منتقل شده و حمایت مجلس عوام را از مردم ایران به او خاطرنشان کرده‌اند. و البته او نیز کاملاً هم‌نظر با نمایندگان مجلس بوده و بر این باور است که باید نام سپاه انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی دولت بریتانیا قرار بگیرد.

آنا فرث افزود می‌خواهم این را به مردم ایران بگویم که صدای شما در مجلس انگلستان شنیده و فهمیده شده است. ما فقط مترصد آن هستیم که دولت هرچه سریع‌تر به ثبت نام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی اقدام کند و البته مادامی که این امر بسیار حیاتی تحقق نیافته، از فشارهای ما و سایر نمایندگان مجلس بر دولت بریتانیا کاسته نخواهد شد.

آنا فرث خاطرنشان کرد برای اینکه شیطان پیروز بشود باید مردان و زنان خوب ساکت بمانند و من مطمئن هستم که در مجلس انگلستان زنان و مردان خوب ساکت نیستند و هرگز ساکت نخواهند ماند. وی افزود آنچه در طول این ۴۰ سال گذشته در ایران روی داده واقعا وحشتناک بوده و ایران را به یکصد سال پیش برگردانده است. ولی من بسیار خوشبین و مطمئن هستم که با انقلاب زن زندگی آزادی، با این زنان شجاع و مردانی که در این انقلاب در حال جنگیدن هستند و هزینه‌های بالایی را هم پرداخت می‌کنند وضعیت حتما تغییر خواهد کرد. آنها ایستاده‌اند برای هدف و آرمان‌شان که در شعار بسیار گویای زن، زندگی، آزادی نمود پیدا کرده است. وی همچنین یادآور شد در جمهوری اسلامی زنان به عنوان شهروند درجه دوم حساب می‌شوند و به همین دلیل است که امروز برای حقوق خود به این صورت برخاستند و در خط مقدم این جبهه هستند.

این نماینده مجلس انگلیس در ادامه افزود جمهوری اسلامی در این مدت ۲۰ هزار نفر را زندانی کرده که به اندازه جمعیت یک شهر کوچک در انگلستان است. این واقعا غیرقابل باور است. ما باید با قدرت تمام و همراه با جامعه جهانی در مقابل جنایت‌های جمهوری اسلامی بایستیم. ما باید در کنار مردم ایران بایستیم. من و نمایندگان مجلس انگلستان کاملاً با مردم ایران همسو و هم‌نظر هستیم و در کنار ایرانیان ایستاده‌ایم. وی همچنین گفت که از آمریکا و کانادا بسیار متشکر که اکنون نام سپاه پاسداران را در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار داده‌اند. ما هم باید به زودی این کار را بکنیم. ما باید این نشانه‌ها را به رژیم بفرستیم که دوره جنایت‌هایشان به پایان رسیده است.

آنا فرث در پایان گفت که ما در کنار زنان و مردان شجاع ایرانی می‌ایستیم. این رژیم آدمکش باید هرچه زودتر محو شود و نباید بیش از این باقی بماند. وی همچنین در پاسخ به پرسشی گفت ما نباید در اینکه چگونه حکومتی در ایران بر سر کار بیاید دخالت کنیم ما هرگز نباید در امور مردم ایران دخالت کنیم.

آنا فرث در ادامه با اشاره به دخالت‌های بیگانه در امور ایران و قدرت گرفتن افراط‌گرایان در سال ۵۷، گفت: ما یکبار در سال ۱۳۵۷ دخالت کردیم و این کار خوبی نبود و دیدیم که نتیجه‌اش چه شد. ما فقط باید صدای مردم ایران را به جامعه جهانی برسانیم و این ایرانیان هستند که انتخاب خواهند کرد چه حکومتی و چه کسانی در کشورشان بر سر کار بیایند. آنها هستند که تصمیم می‌گیرند و انجام می‌دهند. ما فقط باید از آنها حمایت کنیم و صدایشان را در جهان چند برابر کنیم.

هشدار یک کارشناس

درباره فروپاشی

اقتصادی؛ فلاکت

امروز برآیند ۴۴ سال

ناکارآمدی و تباهی

نظام است

● **حجت میرزایی:** فروپاشی وقتی رخ می‌دهد که گسیختگی آشکاری بین دولت، بازار (اقتصاد) و اجتماع رخ دهد و این سه نهاد اصلی نتوانند با تعامل و گفتگوی اجتماعی مسائل مشترک خود را حل و فصل کنند و جامعه با بی‌اعتمادی و گسیختگی میان این سه مواجه شود.

● **موسی غنی‌نژاد:** دولت‌مردان فکر می‌کنند که دولت لاله یا چوپان است و اختیارات کامل دارد و همه مسئولیت‌ها حتی در تأمین مسکن، غذا، خودرو و... بر عهده دولت است. این تفکر ریشه‌های چپ و پوپولیستی دارد.

● **حکومتی که از ابتدا با ادعای برقراری «اقتصاد اسلامی» روی کار آمد، طی تنها چند سال نه تنها زیرساخت‌های اقتصادی بجا مانده از پیش از انقلاب ۵۷ را به نابودی کشاند بلکه به یکی از فاسدترین و تباه‌ترین حکومت‌ها در تاریخ ایران و حتی جهان تبدیل شد.**

یک اقتصاددان معتقد است آنچه به عنوان فروپاشی اقتصادی شناخته می‌شود در سیاست‌گذاری و عملکرد دولت مشخص است و فروماندگی کاملاً در ذهن تیم اقتصادی دولت نمایان شده است.

حجت میرزایی اقتصاددان و عضو هیئت علمی دانشگاه «علامه» معتقد است که فروپاشی یعنی فروماندگی، وضعیتی که دولت نمی‌تواند ماموریت‌های حاکمیتی خود را به خوبی انجام دهد حتی اگر تصدی‌گری‌های اقتصادی متعددی داشته باشد.

حجت میرزایی که با وبسایت اقتصاد۲۴ گفتگو کرده گفته که فروماندگی در ذهن کاملاً اتفاق افتاده و تجلی عینی آن در ناتوانی در تأمین دارو، تأمین انرژی برای بنگاه‌های تولیدی و حتی تأمین گاز برای ادارات دولتی، برقراری ثبات در بازار ارز، امنیت غذایی، کاهش فقر، کاهش بیکاری و روند گسیختگی اجتماعی روزافزون، خود را نشان داد.

این اقتصاددان توضیح داده ممکن است تفسیری که از فروپاشی در سیاست و جامعه‌شناسی و یا اقتصاد وجود دارد با هم متفاوت باشد: «از نظر من فروپاشی وقتی رخ می‌دهد که گسیختگی آشکاری بین دولت، بازار (اقتصاد) و اجتماع رخ دهد و این سه نهاد اصلی نتوانند با تعامل و گفتگوی اجتماعی مسائل مشترک خود را حل و فصل کنند و جامعه با بی‌اعتمادی و گسیختگی میان این سه مواجه شود.»

او افزوده که «حتی کسانی از ورشکستگی دولت

و نتیجه آن هم شکست‌های فاحش با هزینه بسیار بالا بوده است.»

او در بخش دیگری از این گفتگو افزوده «دولت با سیاست‌هایش، در حال نابود کردن پس‌انداز مردم است. این سیاست‌ها به‌طور آشکارا تعدی به حقوق مردم است. هیچ جای دنیا چنین سیاستی را نمی‌پذیرند و اجازه نمی‌دهند که چنین اتفاقی بیفتد. این مثال را می‌توانید به همه سیاست‌های دولت تعمیم دهید. در اغلب بازارها، قیمت‌گذاری دستوری صورت می‌گیرد و رانت ایجاد می‌شود. برای خودرو یک بازار مکاره درست شده است. قرعه‌کشی

ارزی حاصل از فروش نفت خام را بست و ناکارآمدی ساختار اقتصادی جمهوری اسلامی را نمایان کرد.

اینهمه در حالیست که اکنون کارشناسانی از جناحین مختلف نظام در حال هشدار نسبت به هفته‌ها و ماه‌های آینده هستند و البته در آسودگی در رأس حکومت، مقامات جمهوری اسلامی به دنبال تأمین هرچه بیشتر منابع درآمدی به هر قیمت و بهایی هستند. طرح مولدسازی که بر اساس آن دارایی‌های عمومی و منابعی که متعلق به مردم ایران و امانت نزد دولت است فروخته خواهد شد تا دولت آن را صرف هزینه جاری کند؛ آنهم در روندی غیرشفاف و با

صحبت کردند، اما واقعیت این است که ورشکستگی برای دولت و بخش عمومی بی‌معناست، به این معنی که یک بنگاه ورشکست و مجبور به تعطیل کردن می‌شود. دولت و بخش عمومی مجبور است مأموریت‌هایی را که بر عهده دارد با هر روش و به هر شکلی، چون استقراض داخلی از بانک مرکزی، استقراض خارجی و انتشار اسکناس انجام دهد و مرزبانی و امنیت داخلی را برقرار و حقوق کارکنانش را پرداخت کند؛ بنابراین ورشکستگی برای آن بی‌معناست چنان‌که دیده‌اید در بدترین وضعیت در ونزوئلا و زیمبابوه هم ورشکستگی به این معنا اتفاق نیفتاده است. اما از نظر



با حضور میلیونی مردم انجام می‌شود تا چند هزار خودرو توزیع شود. چنین تولیدی دیگر صنعت نیست، بخت‌آزمایی است. واردات خودرو هم با سیاست‌های دولت به یک بازی رانتی برای بازیگران محدود تبدیل شده است.»

مسعود دانشمند تحلیلگر مسائل اقتصادی و عضو هیات رئیسه اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران نیز معتقد است که اقدامات دولت نشان می‌دهد که تورم به سرعت در حال افزایش و جمعیت فقیر کشور نیز در حال گسترش است.

مسعود دانشمند گفته که «مرکز پژوهش‌های مجلس حرف از تورم بیش از ۴۰ درصد می‌زند و می‌بینیم که دستمزدها را حداکثر قرار است ۲۰ درصد افزایش بدهند و این یعنی در روند پلکانی بین ۵ تا ۲۰ درصد قرار است دستمزدها افزایش یابد و این یعنی میانگین افزایش دستمزد رقمی حدود ۱۰ درصد خواهد بود؛ یعنی ۳۰ درصد به طور متوسط سفره‌های مردم کوچک‌تر خواهد شد.»

وی در ادامه می‌افزاید: «یک مفهوم کوچک‌تر شدن سفره‌های شهروندان یکی همین است که قدرت خرید کاهش پیدا می‌کند. زمانی که قدرت خرید کاهش می‌یابد یعنی عرضه کالا نیز در بازار دچار کاهش می‌شود چرا که خریداری وجود ندارد. وقتی عرضه کاهش یابد طبیعتاً روی تولید کننده نیز تأثیر گذار است چرا که نمی‌خواهد کالایی را تولید کند که بازاری برایش نیست پس تولید کننده نیز خود را متوقف می‌کند. از سوی دیگر سمت دیگر ماجرا نیز این است که وقتی ما نمی‌توانیم ارز کافی به دست بیاوریم طبیعی است که نمی‌توانیم مواد اولیه برای تولید را نیز تأمین کنیم. نبود مواد اولیه نیز باز واحد تولیدی را متوقف می‌کند و توقف تولید نیز منجر به بیکاری می‌شود. تمام این زنجیره نیز تورم و بیکاری ایجاد می‌کند.»

مصونیت قضایی کمیته‌های هفت نفره از مقامات حکومتی که این حراج خیانتکارانه را پیش می‌برند!

موسی غنی‌نژاد اقتصاددان درباره نگاه دولتمردان و سیاست‌گذاران کلان اقتصادی نسبت به دارایی‌های کشور و عملکرد آنها در گفتگو با هفته‌نامه «تجارت فردا» گفته که «در کشور ما می‌توان به زرس قاطع گفت که دولت در عمل به وظایف خودش برای تأمین کالاهای عمومی ناموفق بوده است. نوسان‌های شدید و تلاطم‌های مداوم در اقتصاد کلان کشور که ناشی از سیاست‌گذاری‌های غلط دولت است؛ نشان می‌دهد که دولت وظیفه ایجاد آرامش و تأمین امنیت در حوزه اقتصاد و فضای کسب‌وکار را نتوانسته است به درستی انجام دهد و بدتر از آن خودش تبدیل به یک مانع بزرگ برای فعالیت‌های اقتصادی بخش خصوصی در تأمین کالای خصوصی شده است.»

موسی غنی‌نژاد گفته که «دولتمردان فکر می‌کنند که دولت لاله یا چوپان است و اختیارات کامل دارد و همه مسئولیت‌ها حتی در تأمین مسکن، غذا، خودرو و... بر عهده دولت است. این تفکر ریشه‌های چپ و پوپولیستی دارد؛ یعنی دولت خودش را متولی همه امور و نماینده تام‌الاختیار مردم می‌داند و می‌خواهد خواسته‌های آنها را اجرا کند. این دیدگاه غلط است چون دولت مدرن در دنیای کنونی چنین کارکردی ندارد. ممکن است که در مقاطعی از تاریخ حتی جوامع مدرن غربی هم سیاست‌های چپ و پوپولیستی را تجربه کرده باشند یا در دوران جنگ و حاکمیت نازی‌ها در آلمان و فاشیست‌های دوران موسولینی در ایتالیا، چنین دیدگاهی حاکم شده است که دولت متولی و تعیین‌کننده همه امور مردم است و بازار و بخش خصوصی باید تابع دولت باشد، اما این دوره‌ها کوتاه بوده

من فروپاشی یعنی فروماندگی، وضعیتی که دولت نمی‌تواند مأموریت‌های حاکمیتی خود را به‌خوبی انجام دهد حتی اگر تصدی‌گری‌های اقتصادی متعددی داشته باشد.»

به عقیده این اقتصاددان و استاد دانشگاه نشانه‌هایی از فروپاشی حتی در سطح جامعه هم قابل مشاهده است: «در سطح اجتماع نشانه‌های فروپاشی را در آمار بالای طلاق، خودکشی، مهاجرت و فقر مشاهده می‌کنیم و اینها همه نشان‌دهنده فروپاشی اجتماعی در کشور است. ما برای این وضعیت نشانه‌هایی داریم که یکی از آنها اعتراضات خیابانی است که هم با مبنای اقتصادی و اجتماعی با فاصله‌های بسیار نزدیک در حال رخ دادن است و نارضایتی‌های گسترده‌ای که در هر نظرسنجی و با هر مبنایی خود را نشان می‌دهد. مهاجرت یا اعتراض خاموش و فقر و خودکشی همه مشخصه‌های مهم اجتماع‌یست، اما اگر در ذهن شما این است که این فروپاشی اجتماعی چه زمانی در سطح سیاست اتفاق می‌افتد من کارشناس سیاسی نیستم.»

به نظر می‌رسد آنچه امروز به عنوان عملکرد تیم اقتصادی دولت ابراهیم رئیسی معرفی می‌شود، در واقع برآیند عملکرد اقتصادی جمهوری اسلامی طی ۴۴ سال اخیر است؛ حکومتی که از ابتدا با ادعای برقراری «اقتصاد اسلامی» روی کار آمد و طی تنها چند سال نه تنها زیرساخت‌های اقتصادی بجا مانده از پیش از انقلاب ۵۷ را به نابودی کشاند بلکه به یکی از فاسدترین و تباه‌ترین حکومت‌ها در تاریخ ایران و حتی جهان تبدیل شد.

اقتصاد ایران اگر تا کنون با وجود ساختار مافیایی و رانتی در جمهوری اسلامی دوام یافته به یاری پول هنگفت خام‌فروشی نفت و فروش دیگر منابع طبیعی کشور بوده است. تحریم‌های اقتصادی اما شریان ورود درآمدهای کلان



عکس هفته | ماهی مختاری خواهر محمد مختاری از کشته شدگان اعتراضات ۸۸ و شاهزاده رضا پهلوی / تظاهرات همبستگی ایرانیان
لس آنجلس / شنبه ۲۲ بهمن ۱۴۰۱